



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



۱۹
 قیمت: ۵۰۰۰ تومان

SABAH

اصولنامه پژوهشی
 بررسی‌ها و پاسخ‌های دینی

سال پنجم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۵



حقوق آثار و آثار پژوهشی
 سیاست‌ها و مشارکت سیاسی
 ذهن پژوهشی آیین و دعا
 کلام: رابطه خالقیت با انسانیت
 ایمان و یهودیت / انبیا و یهودیت و دموکراسی
 انبیان و مذاکرات الهیاتی: سبب ظهور
 قرآن و تفسیر: جوان از دیدگاه قرآن
 مشاوره و تربیت: ارتباط بر خاور
 تاریخ اسلام: مسیود فلسف جعفریان
 تاریخ معاصر: اشکات های انقلابی در ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صبح، فصلنامه پژوهشی پرسش های دینی - سال پنجم - شماره نوزدهم - بهار 1385

نویسنده:

مرکز مطالعات و پاسخ گو به شبهات حوزه های علمیه

ناشر چاپی:

اسوه - سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	صبح، فصلنامه پژوهشی پرسش های دینی - سال پنجم - شماره نوزدهم - بهار ۱۳۸۵
۱۲	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۵	فهرست
۱۹	سخن سردبیر
۲۱	حقوق / خبرگان رهبری
۲۱	اشاره
۲۴	آیا نظارت خبرگان بر رهبری یک نظارت واقعی است یا صوری و تشریفاتی؟ / حسین دولتی
۲۶	چه نهادی بر مجلس خبرگان نظارت می کند که به وظایف خود عمل نماید و دچار انحراف نشود؟ / علی مجتبی زاده
۲۶	اشاره
۲۶	۱. نظارت درونی
۲۷	۲. نظارت آحاد مردم و مراجع عظام
۲۸	۳. رهبری
۲۹	سیاست / مشارکت سیاسی
۲۹	اشاره
۳۲	چه عواملی بر میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم مؤثر است؟ / ابراهیم عباسپور
۳۲	اشاره
۳۳	۱. عوامل فرهنگی
۳۵	۲. هویت سازی
۳۶	۳. سنت و آداب و رسوم
۳۶	۴. فقرزدایی و عدالت اجتماعی
۳۶	۵. گروه های نفوذ
۳۷	۶. رسانه ها

- ۳۷ ۷. عوامل شخصیتی
- ۳۷ ۸. تحصیلات
- ۳۷ ۹. دین و مذهب
- ۳۸ آیا الزامات فقهی نسبت به مشارکت سیاسی مردم با حق رأی شهروندان سازگار است؟ / عبدالعلی محمدی
- ۳۸ اشاره
- ۳۸ ۱. نظریه ی حق رأی
- ۳۹ ۲. نظریه ی کارکردی رأی
- ۴۳ دین پژوهی / دین و دنیا
- ۴۳ اشاره
- ۴۶ نسبت دین و دنیا از دیدگاه اسلام چیست؟ آیا هر یک از دین یا دنیا می توانند مستقل از دیگری به هدفشان برسند؟ / سید محمد علی داعی نژاد
- ۴۶ اشاره
- ۴۶ الف) اهداف دین
- ۴۶ اشاره
- ۴۶ آیه ی اول:
- ۴۷ آیه ی دوم:
- ۴۸ آیه ی سوم:
- ۴۸ ب) برنامه های دین
- ۵۰ ج) آثار و نتایج عمل به دین
- ۵۱ چگونه دین که امری ثابت است، می تواند پاسخگوی نیازمندی ها و واقعیت های متغیر اجتماعی باشد؟ / سیدمهدی صالحی امیری
- ۵۱ اشاره
- ۵۳ اجتهاد، بهترین راه حل مسائل جدید
- ۵۷ کلام / رابطه ی خاتمیت با امامت
- ۵۷ اشاره
- ۶۰ شئون و وظایف پیامبر و امام معصوم و موارد تمایز این وظایف چیست؟ / محمد رضا بهدار
- ۶۰ اشاره
- ۶۱ وظایف و شئون پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)

- مراتب و شعون امامت ۶۴
- اشاره ۶۴
۱. حکمت سیاسی و رهبری جامعه ۶۴
۲. مرجعیت دینی ۶۴
۳. ولایت معنوی و باطنی ۶۵
- آیا نبوغ عقلانی بشر می تواند او را از هدایت وحیانی بی نیاز کند؟ / علی مخدوم ۶۶
- اشاره ۶۶
۱. کدام نبوغ عقلی ۶۷
۲. دلیل نیازمندی به وحی ۶۸
۳. محدودیت گستره ی عقل ۶۹
۴. راه نداشتن عقل به جزئیات دین ۷۰
۵. تهدید عقل از سوی هوای نفس ۷۱
- امامت و مهدویت / اندیشه ی مهدویت و دموکراسی ۷۳
- اشاره ۷۳
- آیا اندیشه ی مهدویت با دموکراسی سازگار است؟ ۷۶
- اشاره ۷۶
- الف) اندیشه ی مهدویت ۷۶
- ب) دموکراسی ۷۶
- الف) آیا نظام امامت با دموکراسی سازگار است؟ ۷۸
- اشاره ۷۸
۱. جایگاه معنوی ۷۸
۲. حاکمیت و رهبری سیاسی ۷۹
- ب) آیا ولایت فقیه با دموکراسی سازگار است؟ ۸۱
- اشاره ۸۱
۱. حاکمیت توحید ۸۲
۲. برقراری قسط و عدالت و مساوات ۸۳

۳. مشارکت عمومی مردم ۸۳
- ج) آیا در عصر ظهور، دموکراسی محقق خواهد شد یا اینکه حکومت توتالیتریستی و استبدادی خواهد بود؟ ۸۳
- ادیان و مذاهب / گنابادیه ۸۵
- اشاره ۸۵
- فرقه ی نعمت اللهیه گنابادیه چگونه به وجود آمده است و عقاید آن چیست؟ ۸۸
- اشاره ۸۸
- اعتقادات ۹۰
- اشاره ۹۰
- الف) اعتقادات عمومی ۹۰
- ب) اعتقادات اختصاصی ۹۱
- بیعت نزد گنابادیه ۹۲
- اما حق چیست؟ ۹۳
- شاه نعمت الله ولی، رئیس و مؤسس فرقه ی نعمت اللهیه، چه مذهبی داشت؟ ۹۴
- قرآن و تفسیر / جوان از دیدگاه قرآن ۹۹
- اشاره ۹۹
- قرآن کریم سیمای جوان شایسته را چگونه تبیین می کند؟ / علی امیرخانی ۱۰۲
- اشاره ۱۰۲
۱. پرهیزکاری و رعایت تقوا ۱۰۳
۲. داشتن ایمان و دوری از شرک ۱۰۳
۳. عدالت طلبی و حمایت از مظلومان ۱۰۴
۴. کوشش و تلاش ۱۰۴
۵. حق پذیری ۱۰۵
۶. شهادت و شجاعت ۱۰۵
۷. عفت و پاکدامنی ۱۰۶
۸. پرهیز از افراط و تفریط ۱۰۶
۹. خوش اخلاقی و تواضع در برابر مردم ۱۰۷

۱۰. عبادت و امر به معروف و نهی از منکر ۱۰۷
۱۱. خداپرستی ۱۰۸
۱۲. نیکی به پدر و مادر ۱۰۸
۱۳. یادآوری معاد و روز قیامت ۱۰۸
۱۴. تزکیه و تعلیم ۱۰۹
- مهم ترین وظیفه ی جوانان و نوجوانان در عصر حاضر از دیدگاه قرآن و روایات چیست؟ / حسن رضا رضایی ۱۱۰
- اشاره ۱۱۰
۱. تحصیل علم و دانش ۱۱۱
۲. کار و کوشش ۱۱۳
۳. اهتمام به ازدواج ۱۱۵
۴. دوری از هوای نفس و شهوت ۱۱۷
۵. عبادت و بندگی ۱۱۸
۶. خودسازی و تهذیب نفس ۱۱۹
۷. توبه و بازگشت ۱۲۰
- مشاوره و تربیت / نشاط در خانواده ۱۲۱
- اشاره ۱۲۱
- عوامل و موانع نشاط در خانواده از دیدگاه تربیت اسلامی چیست؟ / همایون سراقی ۱۲۴
- اشاره ۱۲۴
- تفاوت های جنسیتی ۱۲۵
- تفاوت های روانی ۱۲۵
- تفاوت های فردی ۱۲۷
- عوامل مؤثر بر نشاط ۱۲۸
۱. کار ۱۲۸
۲. صله ی رحم ۱۳۰
۳. تبادل عاطفی ۱۳۱
۴. احترام ۱۳۲

۵. رضایت از روابط جنسی ۱۳۳
۶. آراستگی ۱۳۳
۷. برنامه ریزی ۱۳۴
۸. تفریح ۱۳۵
۹. شادمانی ۱۳۶
۱۰. اختصاص وقت ۱۳۶
۱۱. مثبت نگری ۱۳۷
- تاریخ اسلام / مسجد مقدس جمکران ۱۳۹
- اشاره ۱۳۹
- آیا انتساب مسجد مقدس جمکران به امام زمان(عج) از مبانی تاریخی متقنی برخوردار است؟ / فیروز صمدی ۱۴۲
- اشاره ۱۴۲
- بررسی منابع در تأیید تأسیس مسجد جمکران ۱۴۵
- آیا مسجد مقدس جمکران آثار و برکاتی در طول تاریخ داشته که نشانه ی توجه حضرت امام عصر(عج) به آن باشد؟ / یدالله حاجی زاده ۱۴۹
- اشاره ۱۴۹
- فضیلت نماز در مسجد جمکران ۱۴۹
- ملاقات با امام زمان (عج) ۱۵۰
- توجه امام زمان (عج) به زائران مسجد جمکران ۱۵۲
- تاریخ معاصر / دخالت های انگلیس در ایران ۱۵۷
- اشاره ۱۵۷
- دخالت های استعماری انگلیس در ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟ / امیر علی حسنلو ۱۶۰
- دخالت های اقتصادی و نظامی استعمارگران ۱۶۰
- دخالت های سیاسی فرهنگی ۱۶۴
- آیا دخالت های انگلیس در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی استعماری بوده است؟ / یدالله حاجی زاده ۱۶۷
- اشاره ۱۶۷
- حمایت از صدام ۱۶۷
- دخالت در انتخابات ۱۶۸

دخالت در بمب گذاری های اهواز ۱۶۹

دخالت در مسائل هسته ای ۱۷۰

فرم نظرخواهی مجله ی صباح ۱۷۱

اشتراک مجله صباح ۱۷۳

درباره مرکز ۱۷۵

مشخصات کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

صبح، پاسخگوی پرسش های دینی

کاری از: مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه

سال پنجم / شماره 19 / بهار 1385

صاحب امتیاز: حجت الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری

مدیر مسئول: حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه

سر دبیر: حجت الاسلام والمسلمین سید محمد علی داعی نژاد

شورای نویسندگان: حجج اسلام: محمدرضا باقرزاده-محمدرضا بهدار-امیرعلی حسنلو-سید محمدعلی داعی نژاد-حسن رضا رضایی-
حسن رضایی مهر-رسول رضوی-اسماعیل روشن تن-محمدجواد شریفی-سید مهدی صالحی-محمدحسین قدیری-بهروز محمدی
منفرد

مدیر اجرایی: عیسی طاهری

ویراستاران: محمدجواد شریفی-حمیده انصاری

حروف نگاری و صفحه آرایی: حسن یوسفی

<http://www.andisheqom.com>

پست الکترونیک مرکز: howzeh@andisheqom.com

آدرس: قم - خیابان شهید صدوقی (ره)، مجتمع شهید صدوقی (ره)، فاز 3

صندوق پستی: 37185/4466

تلفن مستقیم: 025 - 32923251

تلفن: 025-3292251-60

سخن سردبیر... 1

حقوق

خبرگان رهبری... 5

آیا نظارت خبرگان بر رهبری یک نظارت واقعی است یا صوری و تشریفاتی؟... 6

چه نهادی بر مجلس خبرگان نظارت می کند که به وظایف خود عمل نماید و دچار انحراف نشود؟... 8

سیاست

مشارکت سیاسی... 13

چه عواملی بر میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم مؤثر است؟... 14

آیا الزامات فقهی نسبت به مشارکت سیاسی مردم با حق رأی شهروندان سازگار است؟... 20

دین پژوهی

دین و دنیا... 27

نسبت دین و دنیا از دیدگاه اسلام چیست؟ آیا هر یک از دین یا دنیا می توانند مستقل از دیگری به هدفشان برسند؟... 28

چگونه دین که امری ثابت است، می تواند پاسخگوی نیازمندی ها و واقعیت های متغیر

ص: 3

اجتماعی باشد؟... 33

کلام

رابطه ی خاتمیت با امامت... 41

شئون و وظایف پیامبر و امام معصوم و موارد تمایز این وظایف چیست؟... 42

آیا نبوغ عقلانی بشر می تواند او را از هدایت و حیانی بی نیاز کند؟... 48

امامت و مهدویت

اندیشه ی مهدویت و دموکراسی... 57

آیا اندیشه ی مهدویت با دموکراسی سازگار است؟... 58

آیا نظام امامت با دموکراسی سازگار است؟... 60

آیا ولایت فقیه با دموکراسی سازگار است؟... 58

آیا در عصر ظهور، دموکراسی محقق خواهد شد یا اینکه حکومت توتالیتراریستی و استبدادی خواهد بود؟... 65

ادیان و مذاهب

فرقه ی صوفیه ی گنابادیّه (نعمت اللهیّه)... 69

فرقه ی نعمت اللهیّه گنابادیه چگونه به وجود آمده است و عقاید آن چیست؟... 70

شاه نعمت الله ولی، رئیس و مؤسس فرقه ی نعمت اللهیّه، چه مذهبی داشت؟... 76

قرآن و تفسیر

جوان از دیدگاه قرآن... 83

قرآن کریم سیمای جوان شایسته را چگونه تبیین می کند؟... 84

مهم ترین وظیفه ی جوانان و نوجوانان در عصر حاضر از دیدگاه قرآن و روایات چیست؟... 92

ص: 4

105... نشاط در خانواده

106... عوامل و موانع نشاط در خانواده از دیدگاه تربیت اسلامی چیست؟

تاریخ اسلام

123... مسجد مقدّس جمکران

124... آیا انتساب مسجد مقدّس جمکران به امام زمان(عج) از مبانی تاریخی متقنی برخوردار است؟

131... آیا مسجد مقدّس جمکران آثار و برکاتی در طول تاریخ داشته که نشانه‌ی توجه حضرت امام عصر(عج) به آن باشد؟

تاریخ معاصر

141... دخالت‌های انگلیس در ایران

142... دخالت‌های استعماری انگلیس در ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟

149... آیا دخالت‌های انگلیس در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی استعماری بوده است؟

ص: 5

حکومت در اسلام جایگاه ارزشمند و والایی دارد و بی تردید تأثیر بسزایی بر جامعه و افراد آن خواهد داشت. ساختار و اهداف حکومت ها با فرهنگ جوامع متناسب است؛ بنابراین ساختار و اهداف حکومت اسلامی متناسب با تعالیم اسلام است.

پس از انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی در ایران، نهادهایی هماهنگ با آن شکل گرفت. یکی از این نهادها مجلس خبرگان رهبری است. اهمیت فوق العاده ی این مجلس در این است که مطابق قانون اساسی وظیفه ی تعیین و عزل رهبری و نظارت بر عملکرد او را بر عهده دارد.

همواره بحث های متفاوتی درباره ی این نهاد مطرح است. از جمله این که آیا نظارت خبرگان در حقیقت نظارتی صوری و استطلاعی است یا نظارتی واقعی و استصوابی؛ و چه مکانیزمی برای تضمین عملکرد درست خبرگان در نظر گرفته شده است؟ در بخش حقوق به این پرسش ها پاسخ داده می شود.

در بخش سیاست به عناصر مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم از جمله، فرهنگ هویت و آداب و رسوم و نیز سازگاری الزامات فقهی مربوط به مشارکت سیاسی با حق رأی شهروندان پرداخته و ثابت شده است که الزامات فقهی، چه بر اساس رویکرد حق رأی و چه بر اساس نظریه ی کارکردی رأی، تعارضی با حق رأی شهروندان ندارد.

مسئله ی توجه دین به امور دنیوی و چگونگی پاسخ گویی آموزه های دینی به نیازهای متغیر، در بخش دین پژوهی مطرح گردیده و گفته شده است که اسلام به دلیل اشمال بر یک سلسله مکانیزم های خاص، هم چون احکام ثانویه و اجتهاد، توان پاسخ گویی به نیازهای

متغیر انسان را دارد.

در بخش کلام به وظایف مشترک و متمایز پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امام (علیه السلام) اشاره شده و هم چنین ثابت شده است که عقل به جهات مختلفی (مانند: گرفتاری اش به هوا و هوس و ناتوانی اش در تشخیص جزئیات و محدودیت هایش از جهت درک امور غیبی، مانند تأثیر اعمال در آخرت)، مستقلاً توانایی تشخیص راه سعادت را ندارد.

عقاید شاه نعمت الله ولی و چگونگی پیدایش فرقه ی نعمت اللهیه ی گنابادیه و عقاید آنها در بخش ادیان و مذاهب بررسی شده است.

در بخش امامت و مهدویت، سازگاری مهدویت با برخی معانی دموکراسی تبیین گردیده است.

در بخش قرآن و تفسیر از منظر آموزه های دینی به ویژگی های جوان (مانند: پرهیزگاری، ایمان، عدالت طلبی، تلاشگری، شجاعت، عفت و پاکدامنی) و نیز وظایف جوانان در عصر حاضر (مانند: تحصیل علم و دانش، کار و کوشش، اهتمام به ازدواج و دوری از هوای نفس و شهوت) اشاره شده است.

در قسمت مشاوره و تربیت به عوامل نشاط در خانواده از دیدگاه اسلام (مانند کار، تفریح، احترام، تبادل عاطفی و آراستگی) و موانع آن پرداخته شده است.

تاریخچه ی بنای مسجد مقدس جمکران و آثار و برکات آن در طول تاریخ در بخش تاریخ اسلام ذکر شده است.

و بخش تاریخ معاصر به دخالت های استعمارگرانه ی انگلیس در ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن پرداخته است؛ از جمله در انحصار گرفتن معادن نفت ایران قبل از انقلاب و حمایت نظامی از صدام در جنگ علیه ایران بعد از انقلاب است.

شایان ذکر است که برخی از مطالب این شماره توسط حضرت آیت الله معرفت - حفظه الله - نظارت و ارزیابی شده است و از راهنمایی های ایشان بهره مند گشته ایم.

ص: 2

- آیا نظارت خبرگان بر رهبری یک نظارت واقعی است یا صوری و تشریفاتی؟ حسین دولتی

- چه نهادی بر مجلس خبرگان نظارت می کند که به وظایف خود عمل نماید و دچار انحراف نشود؟ علی مجتبی زاده

ص: 4

ولایت فقیه تنها نظریه ی سیاسی است که در عصر غیبت ائمه ی معصومین (علیهم السلام) از پشوانه ی محکم دینی برخوردار است و اجرای آن به مشاوران و کارشناسان قوی در فقه و مدیریت نیازمند است. از جمله ی این کارشناسان نمایندگان مجلس خبرگان هستند که در راستای شناسایی و کنترل شرایط رهبری فعالیت می کنند.

با توجه به این که اعضای این مجلس با رأی مستقیم مردم انتخاب می شوند باید نگاه کارشناسانه ی آنها در شناسایی رهبر و ولی فقیه را برآمده از رأی ملت دانست.

در این بخش، به بحث در این باره خواهیم پرداخت.

آیا نظارت خبرگان بر رهبری یک نظارت واقعی است یا صوری و تشریفاتی؟ / حسین دولتی

در مورد این که، آیا نظارت خبرگان واقعی است یا صوری، باید گفت، مجلس خبرگان، استقلال کافی دارد.

قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین نامه ی داخلی جلسات آنان، برای نخستین دوره، باید به وسیله ی فقهای اولین شورای نگهبان، تهیه، و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس، هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان، در صلاح دید خود آنان است. (1)

پس، در زمان فعلی، از جهت آیین نامه ی اجرایی و داخلی، خبرگان استقلال دارند و در محدوده ی قانون مربوط به تعداد، شرایط، کیفیت انتخاب و آیین نامه ی داخلی، فقط خود خبرگان می توانند وارد شوند و قانون تصویب نمایند. «حتی، مجلس شورای اسلامی هم، در این مورد نمی تواند وضع قانون کند، یا تغییر قانون دهد». (2)

به علاوه، در مصوبه ی اولین اجلاس خبرگان، در مورد اجرای اصل 111 قانون اساسی، پیش بینی شده است که خبرگان، از میان خود «هیئت تحقیقی مرکب از هفت نفر، برای مدت دو سال، با رأی مخفی، انتخاب کنند، تا به وظایف مذکور در این قانون عمل کنند.» (3) توجه به شرایط اعضای تحقیق، در رفع اشکال به ما کمک زیادی می کند. در تبصره های ماده ی مربوط به این هیئت آمده است:

افراد هیئت باید فراغت کافی را برای انجام وظایف محوله داشته باشند و

ص: 6

1- اصل 108 قانون اساسی.

2- سید جلال الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، (تهران: انتشارات سروش، 1369)، ج 2، ص 85.

3- سید جلال الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، (تهران: انتشارات سروش، 1369)، ج 2، ص 98، ماده یک مصوبه خبرگان درباره ی اجرای اصل 111 قانون اساسی.

شاغل سیمت های اجرایی و قضایی، از جانب مقام رهبری و نیز از بستگان نزدیک رهبری نباشند. اعضای هیئت رئیسه نمی توانند عضو هیئت تحقیق باشند. (1)

این هیئت، با خصوصیات مذکور، می تواند ناظر خوبی بر رهبری باشد. «هیئت تحقیق، آیین نامه ی داخلی خود را تهیه و با اکثریت آرا، تصویب می نماید. (2)

پس، از جهت حقوقی، خبرگان استقلال کافی دارد، تا بتوانند آزادانه به وظایف خود پردازند؛ اما اگر مراد، صوری بودن عمل خبرگان باشد، این در صورتی است که خبرگان راه اسلام و انجام وظیفه را رها کنند و به دنبال امیال و هوس های خود باشند. در حالی که شرایط مُنتخبین خبرگان، به اضافه ی تشخیص و گزینش و نظارت عمومی مردم، این احتمال را از بین می برد.

انتخاب شوندگان باید دارای این شرایط باشند: الف) اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی؛ ب) آشنایی کامل به مبانی اجتهاد، با سابقه ی تحصیل در حوزه های علمیّه ی بزرگ، در حدّی که بتوانند افراد صالح برای مرجعیت و رهبری را تشخیص دهند؛ ج) بینش سیاسی، اجتماعی و آشنایی با مسائل روز؛ د) معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران؛ هـ) نداشتن سوابق سوء اجتماعی و سیاسی. (3)

حتی اگر در بعضی اعضای خبرگان یا همه ی آنها، حالت ارادت نسبت به رهبری مشاهده شود، این ارادت به خاطر شخصیت و ویژگی های موجود در اوست و اگر آنها را از

ص: 7

1- سید جلال الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، (تهران: انتشارات سروش، 1369)، ج 2، ص 98، ماده یک مصوبه خبرگان درباره ی اجرای اصل 111 قانون اساسی، تبصره 2 و 3.

2- سید جلال الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، (تهران: انتشارات سروش، 1369)، ج 2، ص 101، ماده ی 17.

3- سید جلال الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، (تهران: انتشارات سروش، 1369)، ج 2، ص 260، قانون انتخابات خبرگان، ماده 11.

دست دهد، ارادت نسبت به او نیز از میان خواهد رفت، چنان که نمونه هایی در تاریخ وجود داشته است؛ چرا که رسالت علمای دین مبارزه با انحرافات است، خصوصاً آنچه در حد رهبری جامعه ی اسلامی باشد. افزون بر این، غیر از خبرگان، علمای ربّانی دیگر در جامعه نیز بازدارنده ی خوبی از انحرافات هستند و این گونه احتمالات در مورد این همه فقیه پرهیزکار احتمال عقلایی نیست.

چه نهادی بر مجلس خبرگان نظارت می کند که به وظایف خود عمل نماید و دچار انحراف نشود؟ / علی مجتبی زاده

اشاره

یکی از مهم ترین نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی ایران مجلس خبرگان رهبری است. اهمیت فوق العاده ی این مجلس از آن جاست که مطابق قانون اساسی (1) وظایف مهم تعیین رهبر، نظارت بر او و عزل وی را بر عهده دارد؛ لذا به همان اندازه که رهبری در نظام اسلامی جایگاه بلندی دارد مجلس خبرگان نیز مهم و ارزشمند است؛ و این اهمیت، لزوم دقت در انتخاب افرادی شایسته و متعهد برای این مسئولیت را به دنبال دارد؛ لذا برای نظارت بر مجلس خبرگان اموری در نظر گرفته شده است.

1. نظارت درونی

اعضای مجلس خبرگان به دلیل دارا بودن ویژگی هایی چون فقاقت، اشتها به دیانت، تقوی و عدالت، زمینه ی انحراف در آن ها بسیار ناچیز است. طبق ماده ی 3 آیین نامه ی انتخابات خبرگان «خبرگان منتخب مردم باید دارای شرایط زیر باشند:

الف) اشتها به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی؛ ب) اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشند و بتوانند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد؛ ج) بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز؛ د) معتقد بودن به نظام

ص: 8

جمهوری اسلامی ایران؛ ه- نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی).⁽¹⁾ مجموعه ی این شرایط و ویژگی ها سبب کاهش احتمال اشتباه و انحراف در آن ها می شود.

خبرگان رهبری دارای مقام فقاقت اند، دارای مرتبه ی عالی تقوی نیز هستند، و با شناخت قبلی از افراد تصمیم می گیرند؛ از این رو احتمال این که تحت تأثیر تبلیغات و جوسازی قرار بگیرند بسیار ناچیز است.⁽²⁾

توجه به این نکته نیز لازم است که تصمیمات مجلس خبرگان بر اساس رأی اکثریت است؛ لذا احتمال این که اکثریت اعضای مجلس خبرگان به اشتباه تصمیم بگیرند یا دچار انحراف شوند، احتمالی بسیار بعید است که عقلا به چنین احتمالی اعتنا نمی کنند.

2. نظارت آحاد مردم و مراجع عظام

در کنار نظارت درونی بر مجلس خبرگان، نظارت بیرونی هم در نظر گرفته شده است و آن نظارت همگانی مردم بر مجموعه ی دولت، از جمله مجلس خبرگان رهبری است که در قانون اساسی⁽³⁾ و تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده است و این نظارت همگانی سبب کنترل و اصلاح خواهد بود. در کنار نظارت عمومی مردم، از نظارت خاص و همیشگی علمای دین به خصوص مراجع عظام بر اجرای احکام دین نباید غافل بود. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعَةُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالَمُ عِلْمَهُ فَإِنَّ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛⁽⁴⁾ هنگامی که بدعتی در امت من آشکار شد، عالم باید علم خود را اظهار کند، در غیر این صورت، لعنت خداوند بر اوست.

ص: 9

1- حکومت اسلامی، (نشریه دبیرخانه مجلس خبرگان) سال سوم، شماره ی دوم، ص 110.

2- مصباح یزدی، پرسشها و پاسخها، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) 1379، ج 2، ص 90.

3- قانون اساسی، اصل 8.

4- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، (تهران: المكتبة الاسلامیه، 1356، ج 2)، ص 72، شیخ حرعاملی، وسایل الشیعه، (چاپ بیروت)،

ج 11، ص 511.

در واقع علمای دین چشمان ناظر به دین و در صورت وجود هرگونه انحراف موظف به بیان و اصلاح آن هستند. اگر احیاناً فقهای مجلس خبرگان در وظایف خود کوتاهی نمایند یا دچار انحراف گردند، علما و مراجع عظام به وظیفه‌ی نظارتی خود عمل می‌کنند. حضرت امام خمینی (رحمه الله) فرمودند:

اگر خبرگان که با انتخاب ملت تعیین می‌شوند از روی کمال دقت و یا از روی مشورت با مراجع عظام هر عصر و علمای بزرگ سرتاسر کشور و متدینین و دانشمندان متعهد به مجلس خبرگان بروند، بسیاری از مهمّات و مشکلات به واسطه‌ی تعیین شایسته‌ترین و متعهدترین شخصیت‌ها برای رهبر یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد یا با شایستگی رفع خواهد شد. (1)

3. رهبری

مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رهبری مسئول نظارت بر حسن اجرای قوانین و عدم انحراف سازمان‌ها و نهادهای حکومت از وظایف اصیل اسلامی خویش است و چنانچه انحرافی در خبرگان مشاهده کند، به وظیفه‌ی خود عمل خواهد کرد.

در پایان به این نکته نیز باید توجه کرد که اگر قرار باشد بر هر نهاد نظارتی نهاد نظارتی دیگری نظارت داشته باشد، اساساً تسلسل لازم می‌آید و این الزام و ضرورت هیچ‌گاه متوقف نخواهد شد؛ بنابراین در چنین مواردی باید بر مکانیزم‌هایی که قانون برای حفظ و صیانت خود آن نهاد نظارتی پیش بینی کرده است، توجه نمود.

در نتیجه، در عصر غیبت چاره‌ای جز رعایت مرتبه‌ی بالای تقوا (نظارت درونی) به همراه نظارت مستقل و مردمی وجود ندارد. هر چند در آن نهاد نظارتی، احتمال انحراف را به طور کلی نمی‌توان نادیده گرفت، با نظارت جمعی نیروهای کاملاً امین و آگاه، ضریب اطمینان افزایش، و احتمال اشتباه و یا انحراف به حدی کاهش می‌یابد که به آن اعتنا نمی‌شود و این مطمئن‌ترین و صحیح‌ترین شیوه‌ای است که می‌توان از آن بهره جست.

ص: 10

- چه عواملی بر میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم مؤثر است؟

ابراهیم عباسپور

- آیا الزامات فقهی نسبت به مشارکت سیاسی مردم با حق رأی شهروندان سازگار است؟

عبدالعلی محمدی

ص: 12

نظام های سیاسی بر پایه ی اعتماد عمومی و اراده ی مردم استوار می گردند و استمرار و اقتدار آنها وابسته به مشارکت و دخالت مردم است. این مشارکت در قالب های مختلفی شکل می گیرد؛ از جمله شرکت مردم در انتخابات و همه پرسی ها و حساسیت نسبت به نوع جریان امور در کشور و میزان دل بستگی آنها به نظام حاکم بر جامعه و حمایت از آن.

در جوامع مدرن این مشارکت در قالب احزاب سیاسی و نهادهای اجتماعی هدایت می شود.

در این بخش، چگونگی مشارکت سیاسی مردم مورد بررسی قرار می گیرد.

مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی، یکی از مباحث مهم علوم سیاسی است. این مشارکت در درجه اول از طبع اجتماعی انسان ریشه می‌گیرد. مشارکت در امور اجتماعی، نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که همه‌ی افراد انسانی ناگزیر به پذیرش آن هستند. این تعهد و مسئولیت ممکن است یا در قالب فعالیت‌های معین صورت گیرد، مانند بسیاری از رفتارهای اخلاقی و اجتماعی، و یا ساختار حقوقی و اقتصادی به خود بگیرد.

اسلام، به دلیل ضرورت و اهمیت مشارکت، انسان‌ها در تعیین سرنوشت خود به آن توجه خاصی نموده است. علی (علیه السلام) خطاب به مردم مصر می‌فرماید:

ای مردم مصر، نگویید ما سرپرستی چون مالک و امامی چون علی داریم؛ اگر در صحنه حاضر نباشید، شکست می‌خورید. ما در حال نبرد و جنگ با باطل هستیم؛ جامعه‌ای که در خواب باشد، دشمن بیدارش او را رها نمی‌کند. (1)

یکی از بارزترین نمونه‌های مشارکت مردمی، مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی است که کمک فراوانی به حفظ وحدت و همبستگی ملی می‌کند.

مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه‌ی اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است. (2) به بیانی دیگر، مشارکت سیاسی عبارت است از ورود به عرصه و جرگه‌ای که به تحقق یک اراده‌ی جمعی منجر شده، یا مانع تحقق

ص: 14

1- نهج البلاغه، نامه‌ی 62، (من نام لم یتم عنه).

2- سعید کریمی، رسانه‌ها و راههای تقویت مشارکت در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، (انتشارات صدا و سیما)، ص 30.

آن اراده‌ی جمعی می‌شود. (1)

یکی از مهم‌ترین مسائل در بحث مشارکت سیاسی، توجه‌ی افرادی است که مشارکت نمی‌کنند. ولی باید دید که موانع مشارکت این افراد و راه‌های تقویت مشارکت عمومی کدام‌اند و چگونه می‌توان توجه همه یا اکثریت افراد یک جامعه را به مشارکت در سرنوشت خودشان و مسائل جامعه جلب کرد.

برخی علل و عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی به شرح زیر است:

1. عوامل فرهنگی

فرهنگ از مهم‌ترین متغیرهای مشارکت سیاسی و اجتماعی است. در جامعه‌ی دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی، مشارکت افراد گسترده‌تر است و در جامعه‌ی که فاقد چنین فرهنگی است، مردم با پدیده‌های سیاسی و اجتماعی برخوردی انفعالی دارند.

در جامعه‌شناسی سیاسی درباره‌ی عوامل مؤثر بر مشارکت، نظریه‌های گوناگونی وجود دارد. نظریه‌ی «ماکسوبر» است که نقش فرهنگ را پررنگ‌تر از سایر عوامل می‌داند در حالی که نظریه‌ی «دترمینیستی مارکس» عامل اقتصادی را زیربنای روابط اجتماعی، از جمله مشارکت می‌داند. (2) به نظر می‌رسد فرهنگ‌های مختلف انگیزه‌ها و توقعات متفاوتی را در افراد جامعه به وجود می‌آورند. ممکن است در فرهنگ‌هایی که عامل اقتصادی قوی وجود دارد و پیشرفت اقتصادی آرمان افراد آن جامعه است، مردم برای گسترش یا تداوم

ص: 15

1- ر. ک: محمود تقی‌زاده، «جزوه‌ی کلاسی»، (مؤسسه‌ی امام خمینی (رحمه‌الله) 1381).

2- ر. ک: حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)، (نشر نی)، بخش اول.

در فرهنگ هایی نیز ممکن است انسان ها به خاطر احساس نیاز به عوامل معنوی در سیاست مشارکت کنند؛ بنابراین با زمینه سازی های فرهنگی مناسب در جوامع می توان افراد را به مشارکت در امور سیاسی ترغیب کرد.

به طور عمومی می توان گفت که یکی از دلایل شرکت افراد در امور سیاسی و اجتماعی پیوستن به جمعیتی است که به گونه ای آرزوها، ارزش ها و نارضایتی های آنان را منعکس می کند و اساساً انسان موجودی اجتماعی است و اجتماعی بودن او تنها برای برآوردن نیازها نیست، بلکه بهره مندی انسان از قوه ی تفکر، این حیات اجتماعی را به طور فطری در او پدید می آورد که یافته های فکری و مکنونات خویش را با دیگران در میان بگذارد.⁽¹⁾ هر قدر شهروندان به تعلقات مشترک میان خود آگاهی بیشتری داشته باشند، بهتر می توانند تصمیم های سیاسی را که به مصالح عام نزدیک تر است، تشخیص دهند. البته این در صورتی است که امکان واقعی انتخاب و مشارکت را در اختیار داشته باشند.

در متون اسلامی نیز به تعلقات دینی و اجتماعی انسان در مشارکت بسیار توجه شده است. شهید صدر منشأ مشارکت سیاسی و اجتماعی را محتوای درونی انسان ها می داند. محتوای درونی انسان ها اندیشه و اراده ی او را تشکیل می دهد و اساس جنبش ها را پدید می آورد؛ به عبارت دیگر، محتوای درونی انسان ها، زیربنا، و مجموعه ی پیوندهای اجتماعی و ساختار زندگی بشر، روبنای زندگی اجتماعی محسوب می شود. پیوند محتوای درونی انسان ها با وضعیت اجتماعی، بیانگر نوعی رابطه ی علی است که آیه ی شریفه ی (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ)⁽²⁾ بر آن دلالت می کند. این آیه به صراحت

ص: 16

1- سعید کریمی، رسانه ها و راههای تقویت مشارکت در صحنه های سیاسی و اجتماعی، (انتشارات صدا و سیما)، ص 62.

2- سوره ی رعد، آیه ی 11.

اعلام می کند که تغییر سرنوشت اجتماعی انسان ها به تغییر اراده ی فردی آنها بستگی دارد(1) و نقش آگاهی های عمومی را در گسترش مشارکت سیاسی نمی توان نادیده گرفت.

درجه ی آگاهی سیاسی و اجتماعی شهروندان، با میزان و کیفیت جریان اطلاعات، سهولت دسترسی به آن و اعتماد عمومی به منابع تغذیه ی اطلاعاتی، رابطه ای مستقیم دارد. معمولاً گرایش های حزبی، صنفی، گروهی، اجتماعی و سیاسی مردم و واکنش آنان در برابر عمل کرد حکومت در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی به پیش زمینه های آگاهی بستگی دارد.

2. هویت سازی

عقاید و هویت سیاسی یک شخص، تأثیر تعیین کننده ای بر عمل سیاسی او می گذارد. در سیاست و مشارکت سیاسی و اجتماعی، بر خلاف علوم طبیعی، بین نظر علمی و عقاید، یعنی بین معرفت سیاسی و عقیده ی سیاسی فاصله ای نیست و نمی توان تأثیر عقاید و هویت یک شخص بر عمل سیاسی اش را انکار کرد. بیشتر مردم و فعالان سیاسی، عقاید و هویت سیاسی خود را در دوره ی جوانی کسب می کنند، اگرچه در آینده ممکن است تحت تأثیر شرایطی تغییر عقیده دهند. عواملی مثل جامعه پذیری و تأثیرپذیری کودک و نوجوان از اندیشه ی حاکم در محیط تولد، احترام اجتماعی به یک عقیده، سازگاری عقیده ای و میزان سازگاری با عقاید و تجربه ی شخصی، در شکل گیری هویت سیاسی شخص در دوره ی رشد شخصیتی مؤثر هستند.(2)

ص: 17

1- سعید کریمی، رسانه ها و راههای تقویت مشارکت در صحنه های سیاسی و اجتماعی، (انتشارات صدا و سیما)، ص 62.

2- داود فیرحی، «مفهوم مشارکت سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، (مؤسسه ی باقرالعلوم(علیه السلام))، ش اول، ص 57 - 60.

3. سنت و آداب و رسوم

سنت، حلقه‌ی اتصال گذشته و حال و آینده است. اگر سنت و آداب و رسوم یک جامعه، مثبت و مشارکت‌جو باشد، با بازتولید آن، نسل جدید به آسانی در فعالیت‌های سیاسی جامعه مشارکت می‌کند؛ در غیر این صورت، تغییر سنت به سنت‌های مشارکت‌جو، به زمان و هزینه‌ی بسیاری نیاز دارد. هر جامعه‌ای دارای سنن و آدابی است که بعضی از آنها برای استفاده از امور جدید باید تغییر پیدا کنند و بعضی از سنت‌های عقلانی و منطقی باید حفظ شوند. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

انسان نباید اسیر عرف‌ها شود؛ آدم باید تابع منطق باشد؛ البته مثل امروزی‌ها نباید بی‌جهت سنت شکن بود و گفت من با هرچه سنت است مخالفم. (1)

4. فترزدایی و عدالت اجتماعی

اگر شرایط اقتصادی به گونه‌ای باشد که انسان بتواند وسیله‌ی اولیه‌ی معاش را فراهم کند، فرصت بیشتری برای پرورش استعدادهای لطیف مشارکت سیاسی و اجتماعی فراهم می‌شود. (2)

5. گروه‌های نفوذ

یکی از بهترین راه‌های بسیج مردم برای مشارکت سیاسی و اجتماعی، بهره‌گیری از گروه‌های کوچک و منسجم است. این گروه‌ها توانایی بسیج سریع افراد را دارند. تمام نظریه‌های سیاسی، نقش گروه‌های واسط در ایجاد وحدت ملی را بارز دانسته‌اند؛ چون بیشتر افراد توانایی همسان کردن هویت خود با گروه‌های بزرگ واسط میان احزاب و گروه‌های انتزاعی، مانند ملت را ندارند و گروه‌های واسط، این فراگرد و همسان‌سازی را تسهیل

ص: 18

1- مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، (قم: صدرا)، ص 56.

2- پرویز صانعی، جامعه‌شناسی ارزشها، (تهران: گنج دانش، 1377)، ص 214.

می کنند.

6. رسانه ها

به یقین در کشوری که مردم می توانند آزادانه در تصمیم گیری های اجتماعی شرکت کنند، باید انگیزه ی لازم برای مشارکت را در آنان فراهم ساخت. رسانه ها در این امر نقش مهمی دارند؛ مثلاً با تقویت ملی گرایی مثبت می توانند انگیزه ی مشارکت را بالا ببرند. (1)

7. عوامل شخصیتی

افراد به دلایل مختلف، از جمله تجربیات شخصی، یا سرخوردگی و یا محصور و ممنوع بودن، در امور سیاسی و اجتماعی مشارکت نمی کنند. (2)

8. تحصیلات

تحصیلات تأثیر دو سویه ای بر مشارکت افراد دارد. افراد با تحصیلات بالا- ممکن است به خاطر آگاهی هایی که دارند در انتخابات شرکت و یا از آن اجتناب کنند. (3)

9. دین و مذهب

مذهب به نوبه ی خود عاملی مهم و شاید مهم ترین عامل در مشارکت عمومی باشد. ادیان و مذاهب مشارکت جو، مثل تشیع، افراد را به مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی دعوت می کنند.

ص: 19

-
- 1- پرویز صانعی، جامعه شناسی ارزشها، (تهران: گنج دانش، 1377)، ص 214.
 - 2- محمود تقی زاده، «جزوه ی کلاسی»، (مؤسسه ی امام خمینی (رحمه الله) 1381).
 - 3- محمود تقی زاده، «جزوه ی کلاسی»، (مؤسسه ی امام خمینی (رحمه الله) 1381).

بزرگ ترین نماد مشارکت سیاسی و روشن ترین نمود دخالت مردم در امور سیاسی، شرکت آنان در انتخابات است و هر چه میزان مشارکت مردم در گزینش زمام داران و یا نمایندگان بیش تر باشد، حکومت از مقبولیت، استحکام اجتماعی و ثبات سیاسی بیشتری برخوردار خواهد بود؛ پس دموکراسی و حاکمیت مردم، از طریق حضور و مشارکت آنان در صحنه های انتخابات و تعیین سرنوشت جمعی تبلور می یابد. از آن جا که رأی دهی و گزینش گری مردم با دورویکرد مورد تفسیر قرار گرفته و در اثر آن دو نظریه پدید آمده است، پاسخ به سؤال فوق را نیز در قالب این دورویکرد نظری پی می گیریم.

1. نظریه ی حق رأی

براساس این نظریه، حاکمیت مردم حاصل جمع سهام حاکمیت هر یک از شهروندان است که به طور برابر میان تمام شهروندان تقسیم شده؛ و حاکمیت دولت، مجموع اجزای مختلف حاکمیت هایی است که هر فرد به سهم خود در اجتماع دارد و لذا هر صاحب سهم در حاکمیت، حق دارد که در سازماندهی حکومت همکاری و مشارکت کند.

بنابراین، این حق اصالتاً متعلق به شهروندی است که صاحب سهم است و هیچ کس یا مقامی نمی تواند این حق را از او بگیرد؛ هم چنان که به دلیل فردی بودن حق رأی، هر یک از شهروندان در به کارگیری آن مخیرند و کسی نمی تواند آنان را در این کار مجبور کند؛ از این رو اگر الزامات فقهی در تعارض با این حق قرار گیرد، قطعاً حق رأی فلسفه ی وجودی خود را از دست خواهد داد؛ البته این نکته نیز باید مورد توجه باشد که این در صورتی است که همین شهروندان رأی به اعتبار الزامات فقهی و مداخله ی آنها در رأی آنان نداده باشند؛ در حالی که، به عنوان مثال، در یک نظام دینی که اعتبار دیدگاه فقهی در قانون اساسی به

تصویب شهروندان رسیده است، رأی اول شهروند به قانون اساسی، خود محدودیتی نسبت به رأی دوم او به حساب می آید.

2. نظریه ی کارکردی رأی

مطابق این نظریه، حاکمیت متعلق به ملت است نه هر یک از افراد آن. از این نظر، ملت یک موجود واقعی و کلیتی تقسیم ناپذیر است که شخصیت حقوقی واحدی را پدید می آورد و حاکمیت را به خود اختصاص می دهد. بر اساس این نظریه، رأی دادن و عمل انتخاب نه یک حق فردی که یک وظیفه ی عمومی است و در این صورت، اصالت با ملت است نه با فرد؛ لذا ملت، هم می تواند دایره ی مشارکت شهروندان را محدود کند و هم، اگر منافع جامعه ایجاب کند، رأی دادن را به عنوان تکلیف صرف اجتماعی الزامی سازد و حتی سرپیچی از آن را ممنوع نماید؛ زیرا در این دیدگاه، انتخاب به مفهوم برگزیدن بهترین هاست که تابع منافع زودگذر و مقطعی نیست و صرفاً به مصالح ملی و منافع تمام اقشار جامعه می اندیشد و لذا رأی باید به کسانی داده شود که جامعه و ملت آن را به صلاح می داند؛ چون، طبق این نظریه، نمایندگان از ملت نمایندگی می کنند نه از افراد، و قوانین مصوّب آنها، مظهر اراده ی ملت است، نه بیانگر دیدگاه اکثریت؛ به عبارت دیگر، خود ملت تعیین می کند که چه قشری از آن، به نام ملت می تواند تصمیم بگیرد و حاکمیت را اعمال کند. (1)

بنابراین، موضع گیری دولت ها در قبال مشارکت سیاسی شهروندان و تجویزهای قانونی در این زمینه به تلقی آنها از رأی دادن بستگی

دارد. اگر دولتی، رأی دادن را حق شهروندی

ص: 21

1- ر.ک: ابوالفضل، قاضی؛ حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1375)، ص 685 - 686، و منوچهر طباطبایی، حقوق اساسی، (تهران: نشر میزان، 1380)، ص 63 - 66.

بداند و آن را یک امتیاز تلقی کند، نمی تواند نسبت به آن الزام یا منعی را به کار بندد مگر در چارچوبی که خود شهروند پذیرفته است؛ اما اگر مشارکت، یک کار ویژه ی اجتماعی تلقی گردد، حتی ممکن است در مورد آن، اجبار قانونی پیش بینی شود؛ زیرا مطابق این برداشت، اختیاری بودن شرکت در انتخابات که ناشی از حق دانستن آن است، موجب می شود تا بخش مهمی از مردم، به دلیل بی میلی و بی تفاوتی و یا به دلیل اعتماد زیاد به سیاست گران، رأی ندهند و جامعه و کشور به دست سیاست بازان بیفتد.

به همین دلیل، در برخی ایالات کشورهای اتریش یا سوئیس و یا در تمام کشور بلژیک و لوکزامبورگ شرکت در انتخابات اجباری است؛ هم چنان که در کشور هلند صرفاً به حضور در پای صندوق رأی اکتفا شده است (1) و یا در برخی کشورها، بدون الزام و اجبار قانونی، نظریه ی حاکمیت ملی که ناشی از تلقی کارکردی رأی است، پذیرفته شده و شرکت در انتخابات و رأی دادن در پرتو این نظریه معنا می شود. (2)

با توجه به آنچه بیان شد می توان گفت، نقش الزامات فقهی در اعمال حق مشارکت در چارچوب هر دو نظریه ی حق رأی و نظریه ی کارکردی رأی تبیین پذیر است. خصوصاً آن که در نظریه ی دوم، رأی دادن و شرکت در انتخابات، وظیفه ی اجتماعی و تکلیف ملی است و به همین دلیل، قشر معینی، هر چند وسیع، ملزم به حضور در انتخابات اند و بر اساس گزینش بهترین ها، حاکمیت به طور غیر مستقیم اعمال می شود و قانون، مظهر اراده ی ملی است. (3)

از سوی دیگر می توان گفت که الزام فقهی شهروندان در مورد اعمال حق مشارکت، با توجه به نظریه ی جمع میان اصالت دادن به فرد و جامعه صورت می گیرد و بر این اساس، نه

ص: 22

1- ابوالفضل، قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1375)، ص 689.

2- منوچهر، طباطبایی، همان، ص 67 - 66.

3- منوچهر، طباطبایی، همان، ص 67 - 66.

فرد فدای جامعه می شود و نه جامعه قربانی فرد؛ نه فرد آن چنان آزاد است که هیچ گونه مسئولیت جمعی نداشته باشد و نه جامعه آن چنان محدود و بسته است که فرد نتواند به اهداف خویش دست یابد. در این نظریه نظر به بالندگی فرد و جامعه هر دو است و این در صورتی ممکن خواهد بود که حقوق و تکالیف به گونه ی متلازم پذیرفته شوند؛ یعنی هم چنان که رأی دادن حقّ فرد دانسته می شود، حفظ کیان جامعه نیز تکلیف او به حساب آید.

بر همین مبناست که رهبر فقید انقلاب و بنیان گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی فرمودند:

اگر [مردم متدین در امور سیاسی] دخالت نکنند و یک صدمه ای به اسلام برسد، هر یک از ما در محکمه ی عدل الهی مسئول هستیم... مگر می توانی بگویی اسلام چه ربطی به من دارد؟ تو مکلفی حفظ کنی؛ امانت خداست و حفظش امروز به این است که رئیس جمهورش، یک رئیس جمهور صحیح باشد. (1)

نظریه ی انتخاب اصلح که در ادبیات سیاسی کشور رایج است، حاکی از این است که رأی دادن و انتخاب، یک عمل جمعی و مبین حاکمیت ملی است، نه یک گزینش ساده و گویای نظر فردی؛ چون در غیر آن شرکت در انتخابات نمی تواند اثبات کننده ی مقبولیت عام نظام دینی باشد و این که امام راحل (ره) می فرماید: «مردم با مشارکتشان در انتخابات اثبات کنند که از اسلام، روی گردان نیستند» (2)، ناظر به همین مسئله است؛ هم چنان که رهبر معظم انقلاب

ص: 23

1- مؤسسه نشر آثار امام راحل؛ انتخابات و مجلس در کلام و پیام امام، (تهران: 1370)، ص 41.

2- مؤسسه نشر آثار امام راحل؛ انتخابات و مجلس در کلام و پیام امام، (تهران: 1370)، ص 232.

درباره ی شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال 1380 فرمودند: «حضور مردم در انتخابات... مظهر اقتدار ملی و عظمت ملی و ان شاءالله مظهر وحدت ملی خواهد بود»؛⁽¹⁾ زیرا از منظر ایشان «انتخابات نقطه ی وصل افکار و آرای مردم به بدنه ی نظام اجرایی است».⁽²⁾ بنابراین، نقش الزامات فقهی از نظر علمی، براساس نظریه ی کارکردی رأی و در چارچوب حاکمیت ملی به روشنی تبیین پذیر است و بر اساس نظریه ی حق رأی نیز می تواند از طریق تأثیر این الزامات بر رأی شهروندان و یا پذیرش تأثیر قانونی این آرای فقهی توجیه پذیر باشد.

ص: 24

-
- 1- اصغر افتخاری، انتخابات ریاست جمهوری مظهر اقتدار ملی، (تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، 1380)، ص 14.
 - 2- اصغر افتخاری، انتخابات ریاست جمهوری مظهر اقتدار ملی، (تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، 1380)، ص 14.

- نسبت دین و دنیا از دیدگاه اسلام چیست؟ آیا هر یک از دین یا دنیا می توانند مستقل از دیگری به هدفشان برسند؟

سید محمد علی داعی نژاد

- چگونه دین که امری ثابت است، می تواند پاسخگوی نیازمندی ها و واقعیت های متغیر اجتماعی باشد؟

سید مهدی صالحی امیری

ص: 26

دو رویکرد عمده درباره ی گستره ی دخالت دین در زندگی انسان مطرح است: گروهی معتقدند که قلمرو دخالت دین فقط اموری است که به آخرت مربوط باشد؛ در مقابل، بسیاری از اندیشمندان مسلمان معتقدند که دین و دنیا به هم پیوسته اند و دین نمی تواند نسبت به نیازهای فردی و اجتماعی انسان بی اعتنا باشد.

در این مجال به دو سؤال درباره ی رابطه ی دین و دنیا پاسخ می دهیم.

نسبت دین و دنیا از دیدگاه اسلام چیست؟ آیا هر یک از دین یا دنیا می توانند مستقل از دیگری به هدفشان برسند؟ / سید محمد علی داعی نژاد

اشاره

یکی از محورهای اساسی در مسئله‌ی سکولاریسم روشن ساختن این نکته است که آیا دین در امور دنیوی دخالت دارد یا نه؟ قایلان به سکولاریسم معتقد به تفکیک دین و دنیا هستند. از نظر آنان رسالت دین، ترویج توحید و عبودیت است، نه آبادانی دنیا و پرداختن به مسائل دنیوی. (1)

متون اسلام و آموزه‌های آن نشان می‌دهند که اسلام هم به دنیا توجه دارد و هم به آخرت. محورهایی که این مطلب را ثابت می‌کنند عبارت‌اند از:

الف) اهداف دین

اشاره

آیات و روایات برای دین اهدافی برشمرده‌اند که نشان می‌دهد پرداختن به امور دنیا نیز در متن تعالیم اسلام قرار دارد، که به مواردی اشاره می‌شود:

آیه‌ی اول:

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) (2)

ارسال انبیاء برای آن است که مردم با پیروی از کتاب الهی قیام به قسط کنند و با عمل به تعالیم الهی از عدالت اجتماعی بهره‌مند شوند. بدین ترتیب از جمله اهداف انبیا بسط قسط و عدل در جامعه است. مرحوم علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید:

حقیقت دین، تعدیل اجتماع انسان در سیر حیاتی آن است و به تبع، تعدیل

ص: 28

1- مهدی بازرگان، «آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء»، کیان، ش 28.

2- سوره‌ی حدید، آیه‌ی 25.

آیه ی دوم:

(یا ایُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا اسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا یُحِیِّیْكُمْ) (2)

این آیه به مؤمنان می گوید: دعوت خدا و رسول را اجابت کنید، زیرا آنها شما را به چیزی فرا می خوانند که مایه ی حیات شماست؛ و از آن جا که حیات در این آیه مقید نشده است، شامل حیات دنیوی و اخروی، مادی و معنوی، جسمی و روحی و فردی و اجتماعی می شود. انسان ها در پرتو تعالیم انبیا به تعادل می رسند و تعادل، مایه ی حیات و رشد انسان است.

مرحوم علامه طباطبایی در این باره می فرماید: دین، اجتماع انسانی را در راه فطرت و آفرینش وارد ساخته و به آن موهبت حریت و سعادت فطری را، چنان که مقتضی عدل است، می بخشد. (3)

و در جای دیگر می فرماید:

دین الهی تنها راه سعادت انسانی و اصلاح کننده ی امور حیاتی است. دین است که فطرت را با فطرت اصلاح می کند و قوای مختلفه را به هنگام طغیان به حال اعتدال برمی گرداند و رشته ی زندگانی دنیوی و اخروی و مادی و معنوی انسان را به نظم درمی آورد. (4)

ص: 29

1- ترجمه ی تفسیر المیزان، ج 6، ص 97، به نقل از: عبدالله نصری، انتظار بشر از دین، ص 133.

2- سوره ی انفال، آیه ی 24.

3- ر. ک: ترجمه ی تفسیر المیزان، ج 6، ص 97.

4- ترجمه ی تفسیر المیزان، ج 6، ص 159، به نقل از: عبدالله نصری، انتظار بشر از دین، ص 132.

(وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ) (1)

قرآن بیان می کند که شعار تمامی انبیا، عبودیت و مبارزه با طاغوت و، در نتیجه، رسالت اسلام که دین خاتم است، ترویج توحید و گسترش عدل و داد است و بدین ترتیب، پرداختن به دنیا جزو اهداف تمامی رسولان بوده است.

(ب) برنامه های دین

با نگاهی به متون دینی و احکام اسلامی درمی یابیم که گستره ی دین امور دنیوی را نیز در بر می گیرد. شکی نیست که اگر رسالت دین شامل امور اجتماعی و سیاسی نباشد، وجود احکام مربوط به این عرصه ها لغو و بیهوده خواهد بود. در ذیل به نمونه هایی از احکام اجتماعی اسلام اشاره می کنیم:

1. حاکمیت، ولایت و سرپرستی همه جانبه ی مادی و معنوی و دنیوی و اخروی را مخصوص خدا، رسول (صلی الله علیه وآله) و اولیای خاص او می داند. (2)

2. حکومت و خلافت در زمین را برای برخی پیامبران گذشته، مانند حضرت داود (علیه السلام) و سلیمان (علیه السلام) اثبات می کند. (3)

3. داوری و پایان دادن خصومت ها در میان مردم را از وظایف پیامبران الهی معرفی می کند. (4)

4. به کارهای شورایی و جمعی دعوت می کند. (5)

ص: 30

1- سوره ی نحل، آیه ی 36.

2- سوره ی مائده، آیه ی 55؛ سوره ی یوسف، آیه ی 40 و سوره ی مائده، آیه ی 42 - 43.

3- سوره ی نساء، آیات 58 - 59 و سوره ی مائده، آیه ی 67.

4- سوره ی ص، آیات 20 - 26؛ سوره ی نمل، آیات 27 - 28 و سوره ی نساء، آیه ی 54.

5- سوره ی نساء، آیات 58 - 65؛ سوره ی مائده، آیه ی 42؛ سوره ی انبیاء، آیه ی 78 و سوره ی انعام، آیه ی 89.

5. عدل گستری و ظلم ستیزی و فسادزدایی را جزو وظایف اصلی اهل ایمان می داند. (1)
6. احترام به حقوق انسان ها و کرامت بخشی به انسان از اصول سیاست اسلام است. (2)
7. به جهاد و مبارزه با طاغوت، مستکبران و زورگویان و نیز تهیه ی امکانات دفاعی امر کرده است. (3)
8. عزت و سروری را مخصوص خدا و اهل ایمان دانسته و هرگونه سلطه پذیری و ذلت را نفی کرده است. (4)
9. حقوق متقابل والی و مردم را تعیین و تبیین نموده است. (5) 10. سلطنت و حکومت را برای برخی سلاطین صالح و عادل، مانند طالوت و ذوالقرنین اثبات کرده است. (6)
11. حقوق مهم و کلان مالی را به ولی امر مسلمین و حکومت اسلامی، برای مصرف در راه خیر و صلاح امت اسلامی اختصاص داده است. (7)
12. درباره ی روابط اجتماعی، امور اقتصادی و معیشتی، طلاق و ازدواج و مسائل جزایی احکامی دارد.

ص: 31

-
- 1- سوره ی شوری، آیه ی 38 و سوره ی آل عمران، آیه ی 159.
- 2- سوره ی بقره، آیه ی 279؛ سوره ی هود، آیه ی 113؛ سوره ی نساء، آیه ی 58؛ سوره ی نحل، آیه ی 90؛ سوره ی ص، آیه ی 28 و سوره ی حج، آیه ی 41.
- 3- سوره ی اسراء، آیه ی 70؛ سوره ی آل عمران، آیه ی 19 و سوره ی نساء، آیه ی 32.
- 4- سوره ی بقره، آیه ی 218؛ سوره ی تحریم، آیه ی 9؛ سوره ی نساء، آیه ی 75؛ سوره ی انفال، آیه ی 60 و سوره ی اعراف، آیه ی 56.
- 5- سوره ی منافقون، آیه ی 8؛ سوره ی محمد، آیه ی 35؛ سوره ی هود، آیه ی 113 و سوره ی آل عمران، آیات 146 و 149.
- 6- نهج البلاغه، نسخه ی صبحی صالح، خطبه ی 216.
- 7- سوره ی بقره، آیات 246 - 247 و سوره ی کهف، آیات 83 و 98.

از جمله راه‌هایی که می‌تواند قلمرو دین در امور دنیوی را اثبات کند، بررسی آثار و نتایجی است که برای دین در متون دینی و یا تاریخ حیات آدمی بیان شده است. به نمونه‌هایی از این آثار اشاره می‌کنیم:

1. نزول برکت؛ قرآن می‌فرماید:

(وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ) (1) اگر یهود و نصاری به تورات و انجیل عمل می‌کردند، برکات و نعمت‌های فراوان خداوند بر آنان نازل می‌گشت.

اگر عمل به تورات و انجیل، سعادت دنیوی را به دنبال دارد، به طریق اولی، عمل به قرآن نیز چنین آثاری را به همراه دارد؛ زیرا قرآن به هدایتی بهتر راه‌نمایی می‌کند. (2)

به هر حال این آیه نشان می‌دهد که تعالیم انبیا علاوه بر سعادت اخروی به سعادت دنیوی هم توجه دارند و چنین سعادت‌ی را نوید می‌دهند.

2. پاسخ به نیاز؛ خداوند می‌فرماید:

قرآن روشنگر هر چیز است. (3)

یعنی جهل آدمی نسبت به مسائل مورد نیازش را رفع می‌کند و شکی نیست که داشتن حیات دنیوی سعادت‌مندانانه و متناسب با سعادت اخری، از نیازهای مهم آدمی است.

3. پرورش یافتن عقل؛ امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

رسولان آمدند تا عقول بشر با تعلیم آن‌ها شکوفا گردد. (4)

شکی نیست که یکی از کاربردهای عقل، تصمیم‌گیری درباره‌ی چگونه زیستن و چگونه

ص: 32

1- سوره ی مائده، آیه ی 66.

2- سوره ی اسراء، آیه ی 9.

3- سوره ی نحل، آیه ی 89.

4- نهج البلاغه، ترجمه ی فیض الاسلام، خطبه ی اول.

بودن در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی و... است؛ در نتیجه، تعالیم دین شامل همه ی این عرصه ها می گردد تا با هدایت های الهی، عقل در همه ی این عرصه ها شکوفا گردد.

بنابراین، با بررسی اهداف، برنامه ها و آثار دین، به این نتیجه می رسیم که دین در سازندگی و بهبود امور دنیوی و سعادت‌مندی انسان دنیوی دخالت دارد.

چگونه دین که امری ثابت است، می تواند پاسخگوی نیازمندی ها و واقعیت های متغیر اجتماعی باشد؟ / سیدمهدی صالحی امیری

اشاره

برخی معتقدند احکام و تعالیم اسلام مختص جوامع ابتدایی است و توان تحلیل و بررسی واقعیت های پیچیده ی اجتماعی را ندارد؛ چرا که مقررات اجتماعی یک سلسله مقررات قراردادی، بر اساس نیازمندی های اجتماعی است و به موازات توسعه و تکامل عوامل تمدن، تغییر می یابد. جوامع ساده و بسیط ابتدایی که دارای روابطی ساده هستند، نیازمندی های اندک، و جوامع پیچیده و پیشرفته نیازمندی های پیچیده تر و بیشتری دارند؛ و واضح است که ادیان ابتدایی نمی توانند نیاز جوامع پیچیده را برآورند. در بعد فردی نیز انسان معاصر نیازهای معرفتی و معنوی پیچیده تری دارد. نیازهای بشر عصر موشک و هواپیما با نیازهای بشر عصر اسب و الاغ بسیار متفاوت است؛ بر این اساس، نمی توان یک

ص: 33

سری قوانین پی ریزی کرد و با قاطعیت بیان کرد که این قوانین جاودانه اند⁽¹⁾ (نیازهای متغیر، قوانین متغیر می طلبند).

در جواب این اشکال باید گفت: همه ی نیازهای بشر متغیر نیست؛ بشر دو گونه نیاز دارد:

1. نیازهای اولی و اساسی: این نیازها از سرشت و طبیعت انسان سرچشمه می گیرند؛ مانند نیازهای جسمانی، از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، همسر، امنیت و بهداشت؛ نیازهای روحانی و معنوی، مانند زیبایی، پرستش، احترام، علم؛ و نیازهای اجتماعی. هم چون معاشرت، تعاون، عدالت، آزادی، تجارت و مبادله. این گونه نیازها کهنه نمی شوند و از بین نمی روند و تا هنگامی که انسان، انسان است، همراه او هستند. به بیان دیگر نیازهایی که از عمق وجودی انسان ناشی می شوند همیشه ثابت و تغییرناپذیرند؛ چون انسان ها سرشت و خواست های فطری یکسانی دارند.⁽²⁾

حال اگر احکام و مقررات موجود در دین هماهنگ و مطابق با فطرت و سرشت آدمی باشد و به نیازمندی هایی که از عمق نهاد جسمی و روحی او برخاسته توجه کرده و همه ی جنبه های آن را ملحوظ داشته باشد، می تواند جاویدان بماند. استاد مطهری (رحمه الله) سازگاری دین با فطرت آدمی را موجب پویایی و جاودانگی دین می داند و در این باره می نویسد:

اولاً مایه ی دین در سرشت بشر نهاده شده است، سرشت همه ی انسان ها یکی است، سیر تکاملی بشر یک سیر هدف دار و بر روی یک خط مشی مشخص و مستقیم است؛ از این رو حقیقت دین که بیان کننده ی خواست های فطری و راه نمای بشر به راه راست است

ص: 34

1- محمد مجتهد شبستری، نقدی بر قرائت رسمی از دین، (تهران: طرح نو، 1379)، ص 12، 18، 19، و هرمنوتیک کتاب و سنت، (تهران: طرح نو، 1375)، ص 55 - 56.

2- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، (تهران: انتشارات صدرا، چ سوم، 1372)، ج 3، ص 169.

یکی بیش نیست.

ثانیاً، یک طرح، به شرط فطری بودن، جامع بودن، کلی بودن، مصونیت از تحریف و حسن تشخیص و تطبیق در مرحله اجرا، می تواند برای همیشه رهنمون و مفید و مادر طرح ها و برنامه ها و قوانین جزئی بی نهایت باشد. (1)

2. نیازهای ثانوی و فرعی: این نیازها از نیازهای اولیه ناشی می شوند و در واقع برای دست یابی به نیازهای ثابت بشرند. این گونه نیازها در زمان های متفاوت و با تحول تمدن ها و پیشرفت های بشر تغییرات جدی پیدا می کنند؛ به طور نمونه، آدمی برای دست یابی به علم که یکی از نیازهای ثابت است به وسایلی نیاز دارد و این وسایل در هر عصری متفاوت است، لذا نیاز به وسایل برای علم اندوزی در هر عصری متفاوت است. (2)

اجتهاد، بهترین راه حل مسائل جدید

یکی از عناصر جاودانگی دین خاتم همین بیان قوانین ثابت برای نیازهای ثابت و پیش بینی قوانین متغیر برای نیازهای متغیر است. دین اسلام در برابر موضوعات متغیر ساکت ننشسته و مردم و جامعه را به حال خود رها نکرده است، تا هر کسی با هر نیتی درباره ی این متغیرها اظهار نظر کند، بلکه در اسلام طرحی نو و جامع به نام اجتهاد پایه ریزی شده است. مجتهد باید مسائل فرعی پیش آمده را با اصول قوانین شریعت اسلام بسنجد و حکمی منطبق و سازگار با اصول ثابت استنباط کند و فروع و نیازهای متغیر را به اصول و نیازهای ثابت پیوند زند. اقبال لاهوری می گوید: «اجتهاد قوه ی محرکه ی اسلام

ص: 35

1- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، (تهران: انتشارات صدرا، چ سوم، 1372)، ج 3، ص 169.

2- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، (تهران: انتشارات صدرا، چ سوم، 1372)، ج 3، ص 169.

است.»^۱ اجتهاد نیرویی است که اگر نباشد ماشین دین نمی تواند حرکت کند.⁽¹⁾ آیت الله جوادی آملی نیز اصل اجتهاد را پاسخ گوی مسائل جدید و بهترین راه برای حل مشکلات متغیر می داند:

مطلب مهمی که نباید از آن غفلت شود این است که شریعت پیامبر خاتم (صلی الله علیه وآله) دارای اصول، ضوابط، مبانی و قواعد فقهی فراوانی است که در طول تاریخ اسلام، با اجتهاد مستمر فقهای فرزانه، بر مصادیق متغیر و متحول، تطبیق شده و می شود و نیازهای متنوع با استنباط احکام آنها از اصول یاد شده برطرف می گردد. لذا اجتهاد منزه از قیاس فقهی، بهترین راه برای حل مشکلات متغیر است.⁽²⁾

عناصر دیگری نیز وجود دارند که موجب جاودانگی و پویایی دین خاتم و قوانین و مقررات آن در همه ی اعصار شده اند. برخی از آن عناصر عبارت اند از:

- تشریح احکام اولیه و ثانویه: احکام شریعت اسلام بردوگونه اند: احکام اولیه، که ناظر به شرایط عادی زندگی انسان هاست؛ احکام ثانویه که ناظر به شرایط اضطراری و غیرعادی است.

احکام ثانویه ناظر به احکام اولیه اند؛ یعنی در شرایط غیرعادی، آنها را تغییر می دهند یا به کلی برمی دارند؛ برای نمونه، وجوب روزه حکمی اولیه و مربوط به شرایط عادی است، ولی در صورتی که وضعیت تغییر کند، مثلاً ضرر جانی در میان باشد، قاعده ی رفع ضرر که حکمی ثانوی است، وجوب روزه را رفع می کند.⁽³⁾

ص: 36

1- مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، (تهران: صدرا، 1362)، ص 130 و 134.

2- عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، (قم: اسراء)، ج 1، ص 283.

3- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 3، ص 194؛ و علی ربانی گلپایگانی، جامعیت و کمال دین، (تهران: مؤسسه ی فرهنگی دانش و اندیشه ی معاصر، 1379)، ص 79.

- توجه به روح، معنی و هدف زندگی: اسلام احکام خود را بر اساس شکل ظاهر و صورت زندگی که وابستگی تمام و تامی به میزان درک و فهم بشر دارد، تشریح نکرده، بلکه به حقایق و روح و هدف زندگی توجه داشته است و بدین ترتیب هرگز با مظاهر توسعه و پیشرفت علم و تکنولوژی مخالفت نورزیده است، بلکه با تشویق به عوامل توسعه‌ی تمدن، یعنی علم، کار، تقوا، اراده و همت و استقامت، خود عاملی برای پیشرفت تمدن شده است. (1)

- پذیرش و وارد کردن عقل در حریم دین: عقل در شریعت اسلام، در عرض کتاب و سنت، یکی از مبادی استنباط به شمار می‌آید و از چنان جایگاهی برخوردار است که در کنار حجت ظاهری، یعنی وحی الهی از آن با نام حجت باطن خداوند یاد شده است. (2)

- قاعده اهمّ و مهمّ: اسلام به پیروان خود اعلام کرده است که همه‌ی دستورهایش ریشه در یک سلسله مصالح عالی دارد؛ از سوی دیگر، در خود اسلام درجه‌ی اهمیت مصلحت‌ها بیان شده و در صورت تقابل مصالح گوناگون، اسلام به کارشناسان اجازه داده است مصلحت‌های مهم‌تر را انتخاب کنند. (3) - اختیارات ویژه‌ی حاکم در وضع مقررات جدید: اسلام به حکومت اسلامی اختیاراتی داده است که می‌تواند در شرایط و نیازمندی‌های جدید با توجه به اصول و مبانی اساسی اسلامی مقرراتی را وضع نماید که در گذشته موضوعاً منتفی بوده است و این اختیارات شرط لازم حسن اجرای قوانین اسلامی و حسن تطبیق با مقتضیات زمان و حسن تنظیم

ص: 37

1- مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، (تهران: انتشارات صدرا، چ چهاردهم، 1369)، ص 127 - 128، و مجموعه آثار، ج 3، ص 190 - 191.

2- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 3، ص 191.

3- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 3، ص 193.

برنامه های مخصوص در هر دوره است.

خلاصه آن که خداوند متعال با گنجاندن این عناصر در دین خاتم آن را از هر گونه کهنگی و انحطاط مبرا کرده و اجازه نداده است غبار زمان بر آن بنشیند و بر نیازهای متغیر او تطبیق می کند و برای هر زمانی سخنی نو و راه گشا دارد.

ص: 38

کلام / رابطه ی خاتمیت با امامت

اشاره

ص: 39

- شئون و وظایف پیامبر و امام معصوم و موارد تمایز این وظایف چیست؟

محمد رضا بهدار

- آیا نبوغ عقلانی بشر می تواند او را از هدایت و حیانی بی نیاز کند؟

علی مخدوم

ص: 40

از دیر باز موضوع «تداوم و یا انقطاع نیاز بشر به آموزه های وحیانی پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)» ذهن بشر را به خود مشغول ساخته است.

در این مجال برآنیم که به دو پرسش اساسی در این حوزه پاسخ گوییم.

به طور کلی شیعه بر خلاف اهل سنت معتقد است که همان اهداف و اغراضی که منجر به ارسال رسل و انزال وحی از طرف خداوند شده، به نوعی دیگر در حضور امام دنبال می شود؛ لذا اکثر وظایف و شئونی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در زمان حیاتش به عهده داشت در زمان ممات و غیابش در جامعه ی اسلامی، به امامان معصوم (علیهم السلام) منتقل و واگذار می شود. البته این شئون غیر از شئون فردی آن حضرت است، چون همه و حتی خود ائمه (علیهم السلام) بر این امر متفق اند که هیچ امری در کمال و تقرب، همچون رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در هستی یافت نمی شود.

واضح است که با اعلام خاتمیت دین اسلام و پس از وفات پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) آمدن شریعتی جدید برای همیشه منتفی شده است. خداوند متعال ختم نبوت را چنین اعلام فرمود:

(مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ...); (1) محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده ی خدا و خاتم پیامبران است.

بنابراین پس از شریعت اسلام، هیچ پیامبری، نه تشریحی و نه تبلیغی، (2) نخواهد آمد و نبوت پیامبر اسلام پایان دهنده ی سلسله ی پیامبران است. این عقیده مورد اتفاق و اجماع

ص: 42

1- سوره ی احزاب، آیه ی 40.

2- پیامبران به دو گروه عمده تقسیم می شوند: 1. پیامبران تشریحی که از جانب خداوند شریعت خاصی را به بشر عرضه می کنند؛ 2. پیامبران تبلیغی که وظیفه ی تبلیغ و ترویج همان شریعتی را که پیامبر تشریحی آورده است به عهده دارند.

همه ی مسلمانان(1) و از ضروریات دین است و منکر آن در واقع منکر اسلام و نبوت پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) است.(2)

بنابراین پس از رحلت پیامبر(صلی الله علیه وآله)نزول وحی آسمانی برای همیشه منقطع شده است. حضرت علی(علیه السلام) هنگام رحلت پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمودند:

با مرگ تو رشته ای بریده شد که در مرگ جز تو بریده نشد؛ پایان یافتن دعوت پیامبران و بریدن خبرهای آسمانی.(3) پس هیچ کس بعد از پیامبر(صلی الله علیه وآله) نمی تواند مدعی مقام دریافت و ابلاغ وحی باشد. حتی امامان شیعه که در اکثر شئون با پیامبر(صلی الله علیه وآله) مشترک اند از این مقام محروم هستند؛ البته مراد از وحی در این جا، وحی نبوت است، نه الهام و تحدیث که این مرتبه شامل ائمه(علیهم السلام) هم می شود.(4)

وظایف و شئون پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)

بی تردید پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در مدت بیست و سه سال نبوت خویش، وظایف و شئون مختلفی را در قبال جامعه ی اسلامی بر عهده داشتند که برخی نیاز به تداوم ندارند، مانند دریافت و ابلاغ وحی یا پیام آوری از خداوند برای راه نمایی و هدایت بشر و برخی دیگر که

ص: 43

-
- 1- ر.ک: جعفر سبحانی، الالهیات، (قم: انتشارات مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه 1412 ه-ق)، ج 3، ص 485.
 - 2- ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، راهنما شناسی، (قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه ی علمیه ی قم، 1367)، ص 367.
 - 3- نهج البلاغه، ترجمه ی شهیدی، خطبه ی 235.
 - 4- ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1365)، ج 2، ص 255، ص 270 - 271.

عمده‌ی وظایف آن حضرت بود، مربوط به شئونی است که باید تداوم داشته باشند؛ آنها عبارت اند از:

1. تفسیر و تبیین وحی الهی و تشریح اهداف و مقاصد آن؛
2. بیان و توضیح احکام موضوعات جدید در حوزه‌ی وظایف و احکام فردی و اجتماعی مسلمانان؛
3. پاسخ‌گویی به شبهات مخالفین اسلام و ردّ اعتراضات آنان به حقانیت آیین اسلام؛
4. محافظت و پاس‌داری از کیان آموزه‌های دینی و جلوگیری از وقوع تحریف و بدعت در آنها؛
5. داوری و قضاوت در اختلافات و نزاع‌های بین مسلمین و تطبیق و اجرای حدود و قوانین کلی الهی؛
6. حکومت‌داری و ریاست بر عامه‌ی مردم در همه‌ی مسائل اجتماعی و سیاسی. (1)

حال سؤال اساسی این است که غیر از ابلاغ وحی که مخصوص انبیا بود، بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دیگر وظایف ایشان چه وضعیتی خواهد داشت؟ آیا شارع در متن دین برای جبران آنها تدبیری اندیشیده یا آنها را به خود امت واگذار کرده است؟ واقعیت‌ها و گزارش‌های تاریخی از اختلاف شدید مفسران در تفسیر پاره‌ای از آیات قرآن، اختلاف شدید مسلمانان در احکام عملی و حتی در مورد تفسیر سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، هجوم بی‌امان شبهات ویرانگر به عقاید اسلام و شیوع ده‌ها هزار حدیث مجعول و... همگی گویای این حقیقت‌اند که امت اسلامی از یک سو نیازمند آن است که عمل به وظایف یاد شده پس از وفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تداوم یابد و از سوی دیگر، خود امت (بدون امداد الهی) هرگز قادر به

ص: 44

1- ر. ک: جعفر سبحانی، همان، ج 4، ص 16 هم چنین ر. ک: جمعی از نویسندگان، انسان، راه و راهنماشناسی (قم: انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، 1384 ش)، ص 191 - 192.

پاسخ گویی به این نیازها نیست.

حال با دو احتمال رو به رو هستیم:

اول آن که خداوند، با علم به ناتوانی امت اسلامی از رفع نیاز خود، امر آنان را به خودشان واگذار کرده باشد. این احتمال آشکارا باطل است؛ چون لازم می آید خداوند حکیم، غرض خویش از ارسال پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تشریح آیین اسلام و ختم نبوت را نقض کند و این از سوی حکیم، ممتنع است.

دوم آن که خداوند حکیم، برای حفظ شریعت اسلامی و مصونیت آن از تحریف و نیز برای استمرار هدایت مردم، اشخاصی شایسته و معصوم را به مردم معرفی کرده باشد تا پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) - عهده دار مسئولیت ها و وظایف یاد شده گردند. بدیهی است که این احتمال صحیح است. (1) بنابراین امامت چیزی جز تداوم و استمرار وظایف و شئون نبوت و رسالت نیست و مقام امامت مقام تحقق و عینیت بخشیدن به اهداف رسالت است. اما چه کسانی و با چه شرایط و اوصافی می توانند این وظایف را تداوم بخشند؟ بی تردید هیچ کسی جز انسان هایی معصوم و افضل و اعلم که از طرف خداوند منصوب شده اند، شایستگی پذیرش این مسئولیت الهی و خطیر را ندارد؛ (لا ینال عهدی الظالمین)؛ (2) این عهد و امانت من (مقام امامت) به ظالمین نمی رسد.

ص: 45

-
- 1- ر. ک: محمد سعیدی مهر، آموزش کلام اسلامی، (قم: انتشارات طه، چ اول، 1381)، ج 2، ص 138؛ همچنین ر. ک: جعفر سبحانی، محاضرات فی الهیات، تلخیص علی ربانی گلپایگانی، (قم: مؤسسه نشر اسلامی، چ دوم)، ص 524 و 526.
- 2- سوره ی بقره، آیه ی 124.

اشاره

در مباحث پیشین بیان شد که امامان شیعه (علیهم السلام) همه ی وظایف و مسئولیت های پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را، به غیر از مقام نزول و دریافت و ابلاغ وحی، به نوعی دیگر، بر عهده دارند، چون آنان جانشینان واقعی و به حق پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه وآله) هستند؛ لذا برخی بزرگان همچون شهید مطهری آن وظایف و شئون مشترک با پیامبر را تحت عنوان «مراتب امامت» چنین بیان کرده اند: (1)

1. حکمت سیاسی و رهبری جامعه

مسئله ی رهبری اجتماع، که یکی از شئون اساسی پیامبر (صلی الله علیه وآله) به اتفاق اهل سنت و شیعه و همه ی عقلاست، نباید بعد از ایشان بلا تکلیف بماند.

(لابد للناس من امیر برّ او فاجر)؛ (2) هر جامعه ای ناچار است از داشتن حاکمی، چه نیکوکار باشد و چه ستمکار.

البته شیعه برخلاف اهل تسنن معتقد است که این شخص باید معصوم و برگزیده از طرف خداوند باشد.

2. مرجعیت دینی

این مرتبه که مهم ترین و اصلی ترین وظیفه ی امام به شمار می رود، نوعی کارشناسی حقیقی اسلام است که به تبیین و تفسیر صحیح و کامل از وحی می پردازد و از هرگونه خطا و اشتباهی مصون است؛ چرا که هم معصوم است و هم علم خویش را از ناحیه ی خداوند و از راهی غیر عادی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) گرفته است. بی تردید یکی از مهم ترین عوامل و عناصر اکمال و اتمام دین و خاتمیت اسلام، وجود امامانی است که نقش پیامبران تبلیغی گذشته را

ص: 46

1- مرتضی، مطهری، امامت و رهبری، ص 28 - 35.

2- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، (بیروت: مؤسسه الوفاء، 1404 هـ- ق)، ج 72، ص 357.

ایفا می کنند و مرجعیت دینی مسلمانان را به عهده می گیرند و پاسخ گوی نیازهای واقعی جامعه ی مسلمین هستند.

3. ولایت معنوی و باطنی

این مرتبه که اوج مفهوم و مرتبه ی امامت است، اعتقاد به وجود انسان کاملی است که «حامل معنویت کلی انسانیت» و قطب و محور عالم امکان است. بر این اساس، ممکن نیست زمین از حجت حق و وجود انسان کامل خالی باشد؛ چرا که به تعبیر روایات، اگر حجت خدا و انسان کامل وجود نداشت، زمین، ساکنان خود را می بلعید. (1)

زیارت جامعه ی کبیره نمونه ای از ابعاد مختلف ولایت باطنی و معنوی امامان را بیان می کند. (2) نتیجه آن که بعد از ختم نبوت هیچ پیامبر دیگری نخواهد آمد و به تبع، هیچ تشریح و نزول وحیی صورت نمی گیرد اما از آن جا که هدف رسالت و خاتمیت باید محقق شود و تداوم یابد، ضروری است دیگر مسئولیت ها و وظایف پیامبر (صلی الله علیه وآله) به امامان معصوم واگذار شود.

ص: 47

1- ر. ک: محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 23، ص 29.

2- ر. ک: جمعی از نویسندگان، انسان راه و راهنماشناسی، ص 198.

با تأمل در تعالیم اسلام به ویژه قرآن کریم و روایات پیشوایان دین، اهمیت و منزلت عقل نمایان می شود. در دین اسلام، تعقل مبنای ایمان قرار گرفته و قرآن، همواره انسان را به تفکر و تدبر و پرهیز از تقلید کورکورانه فرا می خواند و پلیدی را از آن غیر اهل تعقل می داند. (1) در روایات اسلامی، عقل، محبوب ترین مخلوق نزد خداوند و معیار پاداش و کیفر آدمیان و حجت و رسول باطنی معرفی شده است. (2)

اما قصه ی عقل و وحی در حوزه ی فرهنگ اسلامی قصه ای دلکش و در عین حال، تأمل برانگیز است در این که عقل در قلمرو دین دارای جایگاه خاصی است، تردیدی وجود ندارد؛ مهم تشخیص و تبیین دامنه ی قلمرو عقل است. (3)

از دیرباز گروهی از خردگرایان افراطی ادعا کرده اند که عقل بشر برای رسیدن او به سر منزل مقصود کفایت می کند و با وجود این نیروی هدایت گر، نیازی به راه نما و راهبر الهی و وحیانی نیست. این دیدگاه در جهان طرف دارانی داشته است که از جمله معروف ترین آنها، گروهی از فیلسوفان هند بودند که در کتب کلامی به نام براهمه شهرت یافته اند و رگه هایی از تأثیر این نگرش را در آرای برخی مسلمانان می توان یافت.

نگرش افراطی به خرد در دین - چه در اسلام و چه در دنیای غرب - نقدها و مخالفت های فراوانی را به دنبال داشته است. (4)

ص: 48

1- سوره ی یونس، آیه ی 100.

2- ر.ک: محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 1، کتاب العقل و الجهل.

3- عبدالحسین خسرو پناه، کلام جدید، (قم: مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه، چ اول، 1379)، ص 39.

4- حسن یوسفیان و احمد حسین شریفی، عقل و وحی، (قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، چ اول، 1383)، ص 62 - 70.

اندیشمندان اسلامی پاسخ‌های متعدد و متنوعی به این مسئله داده‌اند که در این مجال کوتاه به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

1. کدام نبوغ عقلی

امروزه بسیاری از مفاهیم تا حدودی اصالت خویش را از دست داده‌اند؛ از جمله مفهوم «عقل» و «عقلانی»، که به امور ظنی، وهمی و هوس‌های نفسانی هم تعمیم یافته است و از این جهت تشخیص عقل هر کس با دیگری متفاوت شده است؛ در حالی که اگر چیزی منطبق با دلیل و معیارهای عقلی باشد، نباید در آن اختلافی رخ دهد. در حکم عقل سالم اختلاف نیست مگر آن که دچار آفت شبهات یا وسواس شده باشد. (1)

بین عقل و وهم باید فرق گذاشت. گاهی وهم به جای عقل می‌نشیند و چیزهای بدلی را به جای امور حقیقی می‌نشانند. (2)

علاوه بر این نمی‌توان بشر امروز را از نظر عقلی بالغ و قله‌ی خردورزی دانست چرا که می‌تواند با تکیه بر داشته‌های امروزش، پیشرفت‌های افزون‌تری را در فردا داشته باشد. با توجه به این مطلب، باید معنای عقل و شرایط آن را در نظر داشت و دانست که عقل سلیم هیچ‌گاه در مقابل وحی نمی‌ایستد و خود مؤید و حامی وحی است.

ص: 49

1- محمد تقی مصباح یزدی، نقش تقلید در زندگی انسان، (قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ اول، 1382)، ص 116.

2- عبدالله جوادی آملی، دین‌شناسی، (قم: نشر اسراء، چ اول، 1381)، ص 173.

این برهان از چند مقدمه تشکیل شده است:

الف) خداوند حکیم کار لغو و بیهوده نمی کند و آدمی را برای رسیدن به کمال نهایی و سعادت جاودانه، مختار آفریده است.

ب) زندگی دنیا مقدمه ی زندگی آخرت بوده، سعادت و شقاوت ابدی در گرو چگونه زیستن در این جهان است.

ج) انتخاب مسیر زندگی افزون بر اراده و اختیار، وابسته به شناخت و آگاهی است.

د) ابزار عمومی شناخت (حس و عقل) از درک درست زندگی و چگونگی رابطه ی دنیا و آخرت ناتوان است.

برای رسیدن به سعادت و خوش بختی، باید آغاز و انجام وجود انسان و پیوند و رابطه ی او با موجودات دیگر و هم نوعان و تأثیراتی که روابط گوناگون در سعادت و شقاوت او ایجاد می کند معلوم گردد؛ در حالی که احاطه بر این امور حتی برای عقل جمعی بشر میسر نیست؛ چرا که قلمرو ابزارهای عادی شناخت در انسان بسیار محدود است. روند تغییرات حقوقی و قانونی در طول تاریخ نشان می دهد که بشر با وجود تلاش های فراوان هنوز نتوانسته است یک نظام حقوقی صحیح و جامع و کامل برای اداره ی زندگی روزمره ی دنیای خود به وجود آورد، چه رسد به این که دورنمای زندگی جاودانه ی اخروی اش را ترسیم کند. این ناکارآمدی نمونه ای از ناتوانی ابزارهای شناخت بشری برای تدوین برنامه ی جامع و کامل زندگی است؛ از این رو توجه به حکمت الهی، ما را به منبع وحی رهنمون می شود و امروزه نه تنها این نیاز با پیشرفت بشر تأمین نشده است بلکه سردرگمی افزون تری مشاهده می شود.

عقل در گستره ی اعتقادات دینی در بسیاری از موارد کارآمد و تعیین کننده است، اما در عین حال در همان مسائل هم در مواردی به تنهایی به نتیجه نمی رسد و راهی برای اثبات نمی یابد؛ به عنوان نمونه، مسئله ی جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله) و یا کیفیت معاد و زندگی پس از مرگ و یا وجود ملائکه، هیچ گاه توسط عقل به تنهایی کشف شدنی نیست و این امور به واسطه ی نقل روشن می شود. در گستره ی مسائل اخلاقی نیز تکیه بر عقل صرف و پرهیز از دین، باعث طغیان نفس انسان می شود، گرچه مبانی فلسفه ی اخلاق به برکت استدلال عقلی استحکام می یابد. حوزه ی احکام و شریعت نیز فقط عرصه ی آموزه های وحی و روایات - که مبین وحی هستند - می باشد و عقل خود باور دارد که نمی تواند این ضوابط را مستقلاً ارائه دهد.

در واقع اگر محدوده ی عقل رعایت نشود، آسیب ها و خسارات جبران ناپذیری به دنبال خواهد داشت. بی هویتی و سرگشتگی و بحران انسان معاصر نیز زاییده ی خردورزی افراطی است و بر این اساس، برخی اندیشمندان مغرب زمین، عصر حاضر را عصر اضطراب نامیده اند. (1)

کافی است خرد خویش را به داوری بنشانیم، تا روشن شود که خود عقل، فروتنانه معترف است که بسیاری از حقایق و واقعیات عالم از دست رس او به دورند و درک شهودی و علم حضوری قادرند به آن دست یابند.

ص: 51

1- مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه ی احمد نراقی، ابراهیم سلطانی، (طرح نو، چ سوم، 1379)، ص 243.

آخرین اقدام عقل، اقرار به این است که بی نهایت چیزها وجود دارد که از حیطة ی تصرف آن خارج است و اگر چنین اقراری نکند ناشی از ضعف اوست. اگر امور طبیعی از حیطة ی تصرف عقل خارج اند، پس چه گویند در باب امور فوق طبیعت! (1)

4. راه نداشتن عقل به جزئیات دین

علاوه بر محدودیت عقل در گستره ی فعالیت، عمق و کیفیت آن نیز محدود به کلیات مسائل است و راه به جزئیات ندارد. به اتفاق همه ی حکیمان، نیروی عقل، فقط قادر به درک یک سلسله مفاهیم کلی و روابط بین آنهاست و چنین شناخت هایی نیز به تنهایی در ترسیم جزئیات راه درست زندگی و نحوه ی ارتباط دنیا و آخرت کافی نیست. (2)

انسان خود را موجودی جاودانه و روح خود را موجود واحد بسیط مجرد باقی می داند؛ یعنی حقیقتی واحد و پایدار که از بین رفتنی نیست. او خود را مسافری می داند که خواهان «دارالقرار» است و در فطرتش آرزوی جاودانگی و همیشگی بودن نهفته است، گرچه ممکن است در فهم جاودانگی ناتوان باشد، چنان که گاهی در مسافرخانه ی دنیا هوس ماندن جاودانه را در سر می پروراند. پس، انسان تا زمانی که در دنیاست در آرزوی دارالقرار قدم می زند؛ اما با رسیدن به دارالقرار می آرمد؛ بنابراین، اگر انسان موجودی جاودانه و مسافری است که به سوی ابدیت در حرکت است، به واسطه ی عقل خود می فهمد که احتیاج به راه نما دارد؛ زیرا بسیاری از راه ها و منازل و وسایل و توشه های راه را نمی شناسد، از این رو عقل وی را وامی دارد که به دنبال راه نما حرکت کند و به او ایمان آورد و به گفته هایش عمل کند.

ص: 52

1- بلز پاسکال، اندیشه ها و رسالات، ترجمه ی رضا مشایخی، شماره 267، (بی جا، بی تا، بی نا)، ص 356.

2- حسن یوسفیان و احمد شریفی، همان، ص 87.

مسائل ابدی، جزئی است، از این رو برهان و استدلال عقلی در آن ها راه نمی یابد؛ چنان که خواجه نصیرالدین طوسی و دیگران تصریح کرده اند که در جزئیات نمی توان برهان عقلی اقامه کرد.⁽¹⁾

بنابراین عقل درمی یابد که مسائل جزئی را نمی فهمد و در این موارد، احتیاج به راه نمای غیبی و معصوم دارد و شارع حکیم باید راه نمایی جامعه ی انسانی را به عهده گیرد و حکیمانه بر او حکم کند؛ و اجازه ی دخالت در حکم شارع را به خود نمی دهد.⁽²⁾

5. تهدید عقل از سوی هوای نفس

این واقعیت که غلبه ی شهوات و هواهای نفسانی، مرکز تشخیص و کانون ادراکات، یعنی عقل آدمی را مختل می کند و کار آمدی آن را می کاهد و یا حتی ویران می کند، مطلبی است که هم در متون دینی⁽³⁾ مورد تأکید است و هم روان شناسان و پژوهش گران علوم تربیتی و نیز دانشمندان و فیلسوفان⁽⁴⁾ به آن هشدار داده اند. در واقع، نفسانیت، آزادی عمل را از عقل می گیرد. آموزه های اخلاقی دین و دستوراتی که از آن به «تزکیه ی نفس» و «تقوی» یاد می شود، ناجی عقل از این بلای خانمان سوز است و این راهکاری است که زنجیرهای نفسانیات را از دست و پای عقل می گشاید و به آن نیروی دوباره و سلامتی می بخشد و اگر

ص: 53

1- خواجه نصیرالدین طوسی، اساس الاقتباس، تصحیح مصطفی بروجردی، (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، 1380) ص 442.

2- عبدالله جوادی آملی، همان، ص 173.

3- ر.ک: سیدحسین اسلامی، گفتارهای امیر المؤمنین (علیه السلام)، 209 و 1462 - 1466؛ مرتضی مطهری، ده گفتار، ص 165 و احمد نراقی، معراج السعاده، 65 - 66.

4- ر.ک: ارسطو، درباره نفس، ص 261؛ ابن سینا، الاشارات و التنبيهات، ص 411؛ صدرالدین محمد الشیرازی، الاسفار الاربعه، ج 8، ص 131 و هادی السبزواری، شرح المنظومه، ص 299.

این ضامن حیات بخش نباشد، هیچ یک از توانایی های عقل را نمی توان به حساب آورد.

بر اساس آنچه بیان شد، بشر هیچ گاه از راهنمایی های دین، وحی و پیام آوران الهی بی نیاز نخواهد بود و این بسیار بلندپروازانه و نامعقول است اگر کسی گمان کند روزی بشر بدون نیاز به پیامبران و رسولان الهی، به طور مستقل مسیر زندگی را خواهد یافت و به سعادت ابدی خواهد رسید.

ص: 54

- آیا اندیشه‌ی مهدویت با دموکراسی سازگار است؟

الف) آیا نظام امامت با دموکراسی سازگار است؟

ب) آیا ولایت فقیه با دموکراسی سازگار است؟

ج) آیا در عصر ظهور، دموکراسی محقق خواهد شد یا اینکه حکومت توتالیترستی و استبدادی خواهد بود؟

بهروز محمدی منفرد

ص: 56

امروزه مسئله‌ی سازگاری یا عدم سازگاری دموکراسی و حکومت اسلامی توجه بسیاری را به خود جلب کرده است.

اندیشمندان از دیدگاه‌های مختلف دموکراسی را مورد نقد و بررسی قرار داده اند؛ از این میان اندیشه اسلامی مهدویت نگرش ویژه‌ای به دموکراسی دارد. در این نوشتار حجه الاسلام بهروز محمدی منفرد با مقایسه اصطلاح دموکراسی با مؤلفه‌ها و ارکان اساسی اندیشه‌ی مهدویت، سازگاری و ناسازگاری آن دورا با هم تبیین نموده است.

قبل از پاسخ به این سؤال، تبیین واژه های «اندیشه ی مهدویت» و «دموکراسی» ضروری است:

الف) اندیشه ی مهدویت

مهدویت از واژه ی مهدی (منجی و موعود مسلمانان) اخذ شده که قابل تطبیق بر واژه های «موعودگرایی»، «منجی گرایی» (1)، «نجات یا رستگاری» (2) و «هزاره گرایی» (3) در دیگر ادیان است؛ بنابراین، باور به ظهور یک منجی مصلح و سرانجامی نیک برای انسان ها و فرا رسیدن یک عصر طلایی همراه با آرامش و رفاه جهانیان، ایده ای فرا اسلامی است و پیروان دیگر ادیان آسمانی (همانند مسیحیت (4)، یهودیت (5) و زرتشت (6)) و حتی ادیان غیرالهی به آن باور دارند.

اما از نظر اصطلاح شناسی، (از دیدگاه شیعه ی امامیه) اندیشه ی مهدویت به مجموعه ای از آموزه ها و تعالیم اعتقادی، معرفتی، اخلاقی، فقهی و... ناظر به مقوله ی مهدویت اطلاق می شود.

ب) دموکراسی

ب) دموکراسی (7): تاکنون تعاریف متعددی از دموکراسی صورت گرفته، اما تعریفی جامع از آن ارائه نشده است. برخی از این تعاریف به نظام حکومتی و برخی به مبانی و اصول فکری آن اشاره داشته اند؛ به طور نمونه، گفته شده است:

دموکراسی عبارت از شکلی از حکومت است که مطابق با اصول حاکمیت مردم، برابری سیاسی، مشورت با همه ی مردم و حکومت اکثریت سامان یافته

ص: 58

1- soteriology

2- Salation

3- millenarianism

4- ر.ک: انجیل لوقا، باب 12، آیات 4 - 35.

5- ر.ک: کتاب مقدس، سفر مزامیر داوود، مزمور 37.

6- ر.ک: اوستا، بخش یناهات، 46.

7- democracy

برخی از تعاریف هم صرفاً به امر مشارکت و انتخابات اشاره دارد؛ نظیر:

دموکراسی عبارت است از طریقه ی تصمیم مردم که چه کسی باید حکومت کند و هدفش چه باید باشد. (2)

بنتهام و کوین می گویند:

دموکراسی به نوعی تصمیم گیری جمعی تعلق دارد که در مقابل تصمیم گیری فردی است که در آن افراد خاصی به تنهایی از سوی بقیه تصمیم گیری می کنند. (3) خلاصه ی سخن آن که، ارائه ی تعریفی واحد و مورد اتفاق همگان در مورد دموکراسی مشکل می نماید، اما به نظر می رسد مسئله ی حاکمیت مردم بر مردم و حاکمیت اکثریت در دموکراسی مورد اتفاق همگان باشد؛ از این رو رایج ترین تعریف دموکراسی، تعریف ناظر به یکی از گونه های حکومت است که در آن قدرت در دست یک یا چند کس نیست، بلکه از آن اکثریت است. (4)

نکته ی قابل توجه آن که، بر اساس دموکراسی، نظارت و مشارکت همگانی مردم سبب می گردد که خطاهای حکومت به حداقل برسد و بر این اساس هر قانونی که مردم به آن رأی دهند و یا حاکمی که مردم انتخاب نمایند مشروعیت پیدا می کند و تنها ملاک مشروعیت

ص: 59

-
- 1- محمدجواد نوروزی، فلسفه ی سیاست، (قم: مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله))، ص 135.
 - 2- محمدجواد نوروزی، فلسفه ی سیاست، (قم: مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله))، ص 136.
 - 3- دیوید بنتهام و کوین بویل، دموکراسی چیست؟، ترجمه ی شهرام تبریزی، (تهران: انتشارات ققنوس، چاپ دوم، 1379)، ص 18.
 - 4- محمدجواد نوروزی، همان، ص 137.

افراد و قوانین، انتخاب مردم است.

پس از روشن شدن مفاهیم مهدویت و دموکراسی، اجمالاً به بررسی سازگاری و یا ناسازگاری دموکراسی با برخی از مؤلفه ها و عناصر اندیشه ی مهدویت می پردازیم:

الف) آیا نظام امامت با دموکراسی سازگار است؟

اشاره

اندیشمندان شیعه ی امامیه در تعریف امامت می گویند: «هی رئاسه عامه فی امور الدین و الدنيا بالاصاله»⁽¹⁾ و «الامامه رئاسه عامه فی امور الدین و الدنيا لشخص من الاشخاص نیابه عن النبی»⁽²⁾.

بر این اساس امامت دارای دو جنبه ی دنیوی و دینی است و امام باید در این دو عرصه به نیابت از پیامبر (صلی الله علیه وآله) ریاست عامه داشته باشد.

1. جایگاه معنوی

بر این اساس امام دارای مقامی قدسی و آسمانی، قطب عالم امکان، واسطه ی فیض الهی و لطفی از جانب باری تعالی است و مسئولیت عمده اش به تکامل رساندن انسان ها و هدایت و ارشاد آنان به سوی حضرت حق و دور گرداندن آنها از معصیت و تباهی است. امام در این مقام الهی و مرجعیت دینی، حافظ شریعت و مبین و مفسر قوانین الهی است و باید در تبلیغ و تبیین آموزه ها مصون از خطا و اشتباه باشد؛ بنابراین، همانند نبوت، نیازمند انتصاب غیبی و تعیین الهی است و از انتخاب و انتصاب مردم به دور است؛ زیرا تنها هستی آفرین می داند که این جایگاه رفیع را بر عهده ی چه کسی بگذارد.⁽³⁾

با توجه به ناتوانی مردم در تشخیص و انتخاب این مقام الهی، امامت از این بعد هیچ گونه سازگاری با دموکراسی ندارد

ص: 60

1- ابن هشام بحرانی، قواعد المرام فی علم الکلام، (قم: المرعشی النجفی، 1406 هـ- ق)، ص 174.

2- علامه حلّی، الباب الحادی عشر مع شرحیه (الشافع یوم الحشر و مفتاح الباب)، تحقیق مهدی محقق، (مشهد: مؤسسه ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، 1372)، ص 40.

3- (اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ)؛ سوره ی احزاب، آیه ی 6.

و حضرت مهدی (عج)، دوازدهمین امام از سلسله ی امامان، نیز، دارای مقامات فوق است و در پس پرده ی غیبت، همراه با برخی محدودیت ها، عهده دار رسالت های خویش است و مردم هیچ نقشی در تعیین و انتخاب او به عنوان ولی امر و جانشینی برای نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) ندارند.

2. حاکمیت و رهبری سیاسی

بر اساس تفکر شیعی، احکام و قوانین حقوقی، اجتماعی، سیاسی و... همگی تابع مصالح و مفاسد واقعی است و جعل و تدوین آنها نیازمند شناخت کامل مصالح و مفاسد است و از آن جا که فقط خداوند باری تعالی احاطه و شناخت کامل به مصالح و مفاسد دارد، تنها او حق تدوین قوانین حقوقی، اجتماعی و... را دارد و چون این امر تنها با مباشرت انسانی کامل میسر است، انتخاب و انتصاب او به طور عام یا خاص به عهده ی خداوند باری تعالی است. نحوه ی انتخاب یا انتصاب پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) وحی و ارتباط مستقیم آن حضرت با باری تعالی است، ولی جانشینان آن حضرت (امامان دوازده گانه) توسط پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امامان قبل، البته از سوی خداوند تبارک و تعالی معرفی شده اند. بنابراین، به طور خلاصه می توان گفت:

از دیدگاه اسلام، اصل اولی، عدم ولایت کسی بر دیگری است و خروج از این اصل محتاج دلیل است. بر اساس اعتقاد توحیدی، خداوند ربّ و صاحب اختیار هستی و انسان هاست و تکویناً و تشریحاً بر همه ی عالم و آدم ولایت دارد و ولایت دیگران باید مستند به اذن و اراده ی الهی باشد و الاّ مشروعیت نخواهد داشت؛ بنابراین، از دیدگاه اسلام، منبع ذاتی مشروعیت و حقانیت، اعتبار خداوند است و توحید در خالقیت و ربوبیت و

توحید در قانون گذاری و حاکمیت، عقلاً و نقلاً برای او اثبات شده است. آن گاه از اصل اولی با دلیل خارج می شویم که ثابت کند حق حاکمیت از ناحیه ی خداوند به دیگران تفویض شده است. (1)

مسلمانان به اتفاق بر این باورند که خداوند حاکمیت در زمین را به رسول الله (صلی الله علیه وآله) تفویض نموده است و شیعه، امام را جانشین نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) در زمین با انتصاب و انتخاب الهی دانسته، حاکمیت و رهبری سیاسی در تمامی عرصه ها، از جمله تشکیل حکومت دینی را حق آنان می داند.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

لنا حق؛ (2) ما در امر خلافت حق داریم.

بنابراین از لحاظ تئوریک، امام، مشروعیت خلافت و حکومت داری را از خداوند تبارک و تعالی کسب نموده است و دموکراسی و یا مردم سالاری در این زمینه هیچ جایگاهی ندارد.

اما در چارچوب عملی و کارکردی حکومت امام، مسئله ی مشارکت مردمی بسیار تأثیرگذار است؛ زیرا هدف امام تعالی و رشد و تکامل بشریت و اجرای قوانین اجتماعی، قضایی، سیاسی و... است و تا خواست و اراده و مشارکت مردمی در کار نباشد، رسیدن به این هدف و تشکیل چنین حکومتی میسر نخواهد بود؛ بنابراین حکومت امام تنها زمانی شکل می گیرد که خود مردم نیز خواهان تشکیل حکومت دینی باشند و بنا نیست امام با معجزه و یا با زور سرنیزه به رتق و فتق امور حکومتی پردازد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) خطاب به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند:

ای پسر ابوطالب، ولایت بر امت، حقّ توست. اگر مردم در سلامتی و آرامش

ص: 62

1- کتاب نقد، (مؤسسه فرهنگی اندیشه ی معاصر، سال دّوم، تابستان 1377)، ش 7، ص 118.

2- نهج البلاغه، کلمات قصار، ش 22.

ولایت تو را پذیرفتند و به حکومت تو رضایت دادند، اداره ی امور آنها را به عهده بگیر، در غیر این صورت آنها را به حال خودشان رها کن. (1)

و هم چنین حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

آگاه باشید که به خدا سوگند، اگر مردم این جا جمع نمی شدند و حجت بر من به این که یاور و کمک کار دارم، تمام نمی شد... ریسمان حکومت را بر پشتش رها می کردم. (2)

بنابراین روشن است که هیچ گاه ائمه (علیهم السلام) برای تحقق حکومت و رسیدن به اهداف آن به زور متوسل نشده اند و تا اکثریت نخواستند اقدامی در جهت حکومت داری نکردند که این امر با بعد حاکمیت اکثریت در دموکراسی سازگار است و از این جهت، شاهد گونه ای مردم سالاری در نحوه ی حکومت امامان (حکومت دینی) هستیم.

ب) آیا ولایت فقیه با دموکراسی سازگار است؟

اشاره

بر اساس اندیشه ی تشیع، نظام امامت با امامت دوازدهمین امام تداوم یافته است و بنابراین حق تشکیل حکومت دینی از آن ایشان است، ولی از آن جا که بنابر مصالحی، در پشت پرده ی غیبت به سر می برند، مسئولیت های ایشان در مرجعیت دینی و اجرای قوانین الهی به نایبان عام آن حضرت، که سرآمد آنها ولی فقیه است، تفویض می شود. امام صادق (علیه السلام) در جواب سؤال عمر بن حنظله، که از رجوع به حاکم جور سؤال کردند، پس از ذکر شرایط فقهای جامع شرایط می فرمایند:

ص: 63

1- سید بن طاووس، کشف الحجه، ص 180 و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 11، ص 78.

2- نهج البلاغه، خطبه ی سوم.

فلیرضوا به حکماً فائى قد جعلته علیکم حاکماً.

بر این اساس، امام، زعامت و رهبری پس از خود را به ولی فقیه داده است. امام خمینی (رحمه الله) می فرماید:

همان طور که حضرت علی (علیه السلام) در دوران حکومت ظاهری خود، حاکم، والی و قاضی تعیین می کرد و عموم وظیفه داشتند از آنها اطاعت کنند، حضرت امام صادق، نیز چون بر همه ی علما و فقها و مردم دنیا ولایت مطلق داشت می توانست برای زمان حیات و مماتش حاکم و قاضی تعیین فرماید و همین کار را هم انجام داد و این منصب را برای فقها قرار داد، و تعبیر حاکماً فرمود تا خیال نشود که فقط امر قضایی مطرح است و به سایر امور مملکتی ارتباط ندارد؛ بنابراین امام صادق (علیه السلام) می فرماید، ما آنها را حاکم شما قرار دادیم، نه این که مردم بتوانند آنها را تعیین نمایند.

بر این اساس، ولی فقیه نیز همانند امام معصوم، مشروعیت حاکمیت خویش را (به واسطه ی امام معصوم) از جانب حضرت باری تعالی می گیرد و این هیچ گونه سازگاری با بعد مشروعیت دموکراسی ندارد.

اما در مورد مسئله ی حکومت داری و حاکمیت ولایت فقیه، همان مباحث امامت تکرار می شود؛ به این معنا که وقتی در مورد امام که تعیین کننده ی ولی فقیه است قایلیم که تا مردم نخواهند تشکیل حکومت دینی نمی دهد، به طریق اولی در مورد ولی فقیه نیز همین مسئله مطرح است و تا اقبال عمومی مردم نباشد، ولی فقیه به زور و اجبار تشکیل حکومت نخواهد داد؛ و در صورت اقبال عمومی، یک نوع مردم سالاری دینی - نه دموکراسی مورد عنایت غربی ها - حاکم خواهد شد که دارای شاخصه های ذیل است:

1. حاکمیت توحید

(وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ)؛ (1) همانا برای اهل یقین احدی حکمش نیکوتر از پروردگار نیست.

2. برقراری قسط و عدالت و مساوات

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا لَنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ)؛ (2) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

3. مشارکت عمومی مردم

در جامعه‌ی دینی اراده‌ی مردم در راستای اراده‌ی الهی است و چون قوانین الهی را پذیرفته اند، تنها در انتخاب حاکمان و یا نمایندگان شرکت می‌کنند.

ج) آیا در عصر ظهور، دموکراسی محقق خواهد شد یا اینکه حکومت توتالیترستی و استبدادی خواهد بود؟

از مباحث گذشته روشن شد که در جوامع دموکراتیک، تنها اراده و خواست اکثریت دارای ارزش حقوقی است، «اما در جوامع اسلامی باید حق و صلاح واقعی اسلام و مسلمین اجرا شود، خواه منطبق با اکثریت باشد و خواه نه» (3).

بنابراین نمی‌توان گفت دموکراسی به مفهوم غربی، در یک جامعه‌ی اسلامی و مصداق بارز آن، جامعه‌ی مهدوی، حاکم می‌گردد، اما به طور قطع می‌توان گفت یکی از

ص: 65

1- سوره‌ی مائده، آیه‌ی 5.

2- سوره‌ی حدید، آیه‌ی 25.

3- سید محمد حسین طباطبایی، بررسی‌های اسلامی، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، (قم: انتشارات دارالتبلیغ الاسلامی، 1396 ه-ق)، ص 181.

شاخصه های اساسی دموکراسی، یعنی خواست و اراده ی اکثریت، در انتخاب نوع حکومت حاکم خواهد گشت؛ زیرا با بررسی تاریخ بشریت به این نتیجه می رسیم که یأس و ناامیدی جهانیان از طراحی های اندیشمندان برای تحقق جوامعی فاضله و دست یابی به جامعه ای قسط پرور و حق محور و هم چنین مشاهده ی استعمارها، استضعاف ها و استثمارها و فسادها و ظلم و ستم های موجود در جهان سبب می گردد که همگان خواستار رفع بحران های موجود و تحول همه جانبه ی نهادهای مدنی و ساختار جوامع کنونی باشند؛ از این رو توده های مردم، حتی بسیاری از پیروان سایر ادیان با مشاهده ی شاخصه ها و معیارهای ایشان، ندای حکومت الهی را پاسخ گفته و همگی، خسته از حکومت های استبدادی و یا دموکراسی ها و سوسیالیست های گذشته، با رضایت کامل، حاکمیت عدل مهدوی را می پذیرند و از این جهت، حاکمیت اکثریت - مهم ترین بُعد مردم سالاری - محقق می گردد.

- فرقه ی نعمت اللهیہ گنابادیہ چگونه به وجود آمده است و عقاید آن چیست؟

- شاه نعمت الله ولی، رئیس و مؤسس فرقه ی نعمت اللهیہ، چه مذهبی داشت؟

حسن اسدی

ص: 68

فرقه ی صوفیه ی گنابادیّه (نعمت اللهیه)

دیرزمانی است که پدیده ی تصوف در میان مسلمانان، تحت عنوان باطن گرایی در برابر شریعت عبادی و اخلاقی اسلام قد علم نموده و در قالب فرقه های متعدد و مختلف نه تنها باعث تفرقه در امت واحده ی اسلامی شده، بلکه اموری را به نام سرّ و مغز شریعت، که به اعتقاد خودشان هیچ ظاهر و دلیلی نه در قرآن و نه در روایات بر آنها دلالت ندارند، مطرح کرده و موجبات تحیر و انحراف برخی مسلمانان را از مسیر مستقیم شریعت اسلام فراهم نموده اند.

در این قسمت مطالبی در معرفی یکی از فرقه های صوفیه، به نام «نعمت اللهیه گنابادیه» که توسط حجه الاسلام حسن اسدی ارائه شده، تقدیم می گردد.

نعمت الله فرزند عبدالله، از اهالی سوریه، به سال 731 هـ- ق به دنیا آمد. وی حدود هفت سال در مکه شاگرد شیخ عبدالله یافعی از صوفیان بزرگ اهل سنت بود و مقام و خرقة ی خلافت را نیز از وی دریافت کرد.⁽¹⁾

شاه نعمت الله ولی که براساس برخی از باورها، خود را دارای مقام ولایت می دانست،⁽²⁾ بعد از مسافرت های متعدد، در نهایت خانقاه خود را در ماهان کرمان بنا نهاد، اما بعد از مرگ وی، اوضاع و احوال ایران سبب شد تا اقطاب سلسله ی نعمت الهیه به هندوستان بروند؛ تا این که در اوایل دوره ی قاجار، شاه علی رضا دکنی قطب سلسله ی نعمت الهیه تصمیم گرفت این سلسله را در ایران احیا کند؛ از این رو دو تن از مشایخ مآذون خود را برای احیای سلسله به ایران فرستاد⁽³⁾ و بدین ترتیب سلسله ی نعمت الهیه در ایران حیات مجدد یافت.

این سلسله هم چون دیگر سلسله های تصوّف دچار انشعابات گوناگون شد. این انشعابات یا به خاطر اختلاف در عقیده و تعالیم طریقتی بود و یا به خاطر قدرت طلبی و ریاست خواهی برخی مشایخ و اقطاب. سلسله های کوثریه، شمسیه، انجمن اخوت (صفی علیشاهیه)، مونس علیشاهیه (ذوالریاستین یا نوربخشیه) و بالاخره گنابادیه، انشعابات سلسله ی نعمت الهیه هستند.⁽⁴⁾ سلسله ی گنابادیه در نتیجه ی نزاع بر سر جانشینی رحمت علیشاه (متوفی 1278 هـ- ق) میان پیروان او به وجود آمد، به گونه ای که بعد از مرگ رحمت علیشاه سه نفر مدعی جانشینی او شدند:

ص: 70

-
- 1- ر. ک: حمید فرزام، تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت الله ولی (تهران: سروش، چ اول، 1374)، ص 17.
 - 2- ر. ک: دیوان شاه نعمت الله ولی، به اهتمام محمود علمی، (تهران: 1328)، ص 549.
 - 3- دانشنامه ی جهان اسلام، زیر نظر حداد عادل (تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، 1382 ش)، ج 7، ص 392، ذیل کلمه ی تصوّف.
 - 4- داود الهامی، فرقه ی نعمت الهیه و گنابادی، (مؤسسه ی دفاع از حریم اسلام، 1380 ش)، ص 61.

1. حاج میرزا حسن صفی، ملقب به صفی‌علیشاه (متوفی 1316 هـ، ق)، بنیان‌گذار سلسله‌ی صفی‌علیشاهی؛
 2. حاج محمد حسن مجتهد، ملقب به منورعلیشاه، بنیان‌گذار سلسله‌ی نوربخشیه؛
 3. حاج محمد کاظم تنباکوفروش اصفهانی، ملقب به سعادت‌علیشاه، بنیان‌گذار سلسله‌ی گنابادیه. (1)
- سلسله‌ی گنابادیه نام‌های دیگری نیز دارد؛ چون: نعمت‌اللهیه، طاووسیه، سلطان‌علیشاهی، (2) رضویه، معروفیه، (3) و مهدویه.
- سلسله‌ی گنابادیه از زمان تأسیس تاکنون هفت قطب داشته است: 1. حاج محمد کاظم اصفهانی (سعادت‌علیشاه)؛
2. حاج ملا سلطان محمد (سلطان‌علیشاه)؛
 3. حاج ملا علی (نور‌علیشاه)؛
 4. حاج شیخ محمد حسن (صالح‌علیشاه)؛
 5. حاج سلطان حسین تابنده (رضا‌علیشاه)؛
 6. علی تابنده (محبوب‌علیشاه)؛
 7. نور علی تابنده (مجدوب‌علیشاه). (4)

ص: 71

-
- 1- عبدالله مبلغی آبادانی، تاریخ صوفی و صوفیگری، (صدر، ط اول، 1376 ش)، ج 2، ص 513.
 - 2- نورالدین مدرس‌ی چهاردهی، سلسله‌های صوفیه‌ی ایران، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1382 ش)، ص 264.
 - 3- سید هبه‌الله جزبی اصفهانی، رساله‌ی باب ولایت، (ط اول، حیدری، 1351 ش)، ص 91.
 - 4- داوود الهامی، همان، ص 62 - 73.

سلسله‌ی گنابادیه علاوه بر اعتقادات عمومی سلسله‌های نعمت‌اللهیه دارای اعتقاداتی اختصاصی نیز هست که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم.

الف) اعتقادات عمومی

1. اعتقاد به جدایی طریقت و شریعت: (1) یعنی اعتقاد به این که راه رسیدن به خداوند و مقامات بالای عرفانی، غیر از آن راهی است که شریعت اسلام آورده است.

2. ادعای الوهیت و ربوبیت: آنها (اقطاب) مدعی اند که افعالشان افعال خدا و احوالشان صفات خداوند است؛ نیز مدعی اند که برتر و بیرون از حدود و قوانین هستند و قانون هر چه باشد بر آنها حکم فرما نیست. (2)

3. ادعای رسالت: آنها خود را مآذونین در طریقت می‌دانند، بدین معنا که اجازه دارند طریقت و راه رسیدن به مقامات عرفانی را به کسانی که ظرفیت آن را دارند تعلیم دهند و نیز مدعی اند که دارنده‌ی چنین اجازه و مقامی حتماً دارای مقام دعوه النبوه (ولایت نبوی) نیز هست. (3)

4. یکسان دانستن همه‌ی ادیان (اعم از الهی و غیرالهی). (4)

5. نفی انتظار فرج: آنها می‌گویند هر کس مرشد را بشناسد، حاجت به انتظار ظهور امام زمان (عج) ندارد. (5)

6. نفی مذهب: آنان می‌گویند صوفی موحد است و موحد غیر محدود است و مذهب در

ص: 72

1- جمعی از نویسندگان، یادنامه صالح، (تهران: انتشارات حقیقت، چ دوم، 1380 ش)، ص 510.

2- عباس کیوان قزوینی، کتاب استوار، (تهران: سپهر)، ص 102.

3- سلطان علیشاه، سعادت نامه، (دانشگاه تهران، چ دوم، 1347 ش)، ص 124.

4- محمد طاهر قمی و داود الهامی، تحفه الاخیار، (قم: هدف چ اول، 1369 ش)، ص 59.

5- داوود الهامی همان، ص 82.

حد و محدود است و صوفی رو به بی حدی است؛ پس در مذهب نیست. (1)

7. اسقاط تکلیف: سلسله های نعمت اللهی مدعی است که تنها راه رسیدن به یقین و حقیقت، طریقت (روش صوفیانه) است و کسی که به چنین مقامی برسد (به مقام یقین) دیگر تکلیفی ندارد. (2)

اما در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) راه رسیدن به یقین چنین معرفی شده است:

اسلام همان تسلیم در برابر حق است و تسلیم همان یقین، و یقین همان تصدیق، و تصدیق همان اقرار، و اقرار همان انجام وظایف است و انجام وظایف همان عقل. (3) پس، در مدرسه ی اهل بیت (علیهم السلام) تنها راه رسیدن به یقین همان عمل به احکام شریعت اسلام است.

ب) اعتقادات اختصاصی

1. ادعای اولوالامری: آنها خود را واجب الاطاعه می دانند. (4)

2. ادعای جانشینی امام زمان (نیابت خاصه): آنها مدعی اند که از سابقین اجازه ی کتبی در مورد جانشینی امام زمان (عج) دارند. (5) و نیز مدعی اند که از طرف امام زمان (عج) مأمورند از مردم برای آن حضرت بیعت بگیرند؛ (6) حال آن که طبق روایات متواتر، جانشینان حضرت

ص: 73

1- محمد حسن بیچاره، صالحیه، دانشگاه تهران، چ دوم، 1387 ش)، حقیقت 306، ص 233.

2- محمد حسن بیچاره، صالحیه، دانشگاه تهران، چ دوم، 1387 ش)، حقیقت 398، ص 263.

3- تفسیر نمونه، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ سوم، 1377 ش)، ج 2، ص 471.

4- سید ابوالفضل علامه برقی، التفتیش، (چاپخانه ی دانش)، ص 179.

5- یادنامه ی صالح، ص 510.

6- یادنامه ی صالح، ص 510.

ولی عصر (عج) چهار نفر و معروف به نواب اربعه بودند و آنها از کسی برای امام بیعت نمی گرفتند، بلکه واسطه ی بین امام و مردم بودند.

3. لزوم در نظر داشتن صورت مرشد در حال ذکر. (1)

4. ترک خمس و تقلیل خمس و زکات به یک دهم (عشریه). (2)

5. اعتقاد به جدایی دین از سیاست. (3)

6. رها کردن شارب و مخالفت با سیره ی عملی ائمه ی اطهار (علیهم السلام). (4)

بیعت نزد گنابادیه

حسین تابنده بیعت را اولین مرحله ی ورود در طریق کمال برمی شمرد. (5) آنها بیعت را به دو دسته تقسیم می کنند:

الف) بیعت ولایت یا بیعت ولویه;

ب) بیعت نبوت یا بیعت نبویه. (6)

سلطان علیشاه در این خصوص می گوید:

دعوت (بیعت) از زمان حضرت آدم (علیه السلام) دو حیثیت داشته است: حیثیت انذار که ترساندن از لذات دنیوی است و حیثیت بشارت که ترغیب کردن به لذت های معنوی است. (7)

در ادامه نیز می گوید:

ص: 74

1- محمد حسن بیچاره، نامه ی صالح، (تابان، 1346 ش)، ص 46.

2- حسین تابنده، نابغه ی علم و عرفان، (تابان، چ دوم، 1350 ش)، ص 204، ذیل نامه ی 19.

3- محمد مدنی، در خانقاه بیدخت چه می گذرد (دفتر تبلیغات اسلامی، چ دوم 1381 ش)، ص 41.

4- محمد مدنی، در خانقاه بیدخت چه می گذرد (دفتر تبلیغات اسلامی، چ دوم 1381 ش)، ص 41.

5- حسین تابنده، رساله ی رفع شبهات، (تهران: انتشارات حقیقت، چ پنجم 1377 ش)، ص 21.

6- سلطان علیشاه، سعادت نامه، (تهران: انتشارات حقیقت، چ اول، 1379 ش)، ص 124.

7- سلطان علیشاه، سعادت نامه، (تهران: انتشارات حقیقت، چ اول، 1379 ش)، ص 124.

مقصود از دعوت نبوت آماده کردن و مهیا ساختن خلق برای قبول دعوت ولایت است. دعوت ولایت مقصود بالذات است و دعوت نبوت مقصود بالتبع است. (1)

اما حق چیست؟

برای یافتن حق باید به مدرسه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) که نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) در حدیث ثقلین آنها را بال دوم دین معرفی کرده است، مراجعه نمود. طبق آموزه‌های اسلام، اولاً بیعت کردن فقط با خداوند متعال و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و جانشینان او بر روی زمین، یعنی ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) جایز است و آنها برای بیعت گرفتن از مردم کسی را تعیین نکرده اند؛ ثانیاً، بین شریعت اسلام و طریقت (سیر و سلوک معنوی) فرقی نیست و هر کس بخواهد به مقامات عالی و قرب الی الله برسد، باید شریعت اسلام را موبه مو مراعات کند، نه بیشتر و نه کمتر.

ص: 75

1- سلطان علیشاه، سعادت نامه، (تهران: انتشارات حقیقت، چ اول، 1379 ش)، ص 126.

شاه نعمت الله ولی، رئیس و مؤسس فرقه ی نعمت اللهیه، چه مذهبی داشت؟

صوفیان، برای نشر افکار تصوف و بسط فرقه های آن در ایران، به لحاظ حساسیت ایرانیان به خاندان وحی و امامان شیعه و در حقیقت جانشینی نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله)، ناگزیر شدند تصوف را با مکتب اهل بیت (علیهم السلام) هماهنگ کنند؛ (1) از این رو اقدام به جعل شناسنامه برای شیعی بودن تصوّف کرده و تصوف را ذات تشیع و معنای آن (2) دانسته و گفته اند اساس و روح اسلام در تشیع، و روح تشیع در تصوف است؛ تصوف غیر از تشیع نیست و تشیع واقعی هم غیر از تصوّف نیست؛ (3) و به همین مناسبت مذهب بزرگان و اقطابشان را چنین توجیه کرده اند که آنان تقیه می کردند و در بند اظهار مذهب نبودند. (4)

در این رهگذر بیشترین تلاش را سلسله ی نعمت اللهیه نموده، یعنی سلسله ای که شاه نعمت الله ولی مؤسس آن بوده است. آثار زیادی برای اثبات شیعه بودن این شخصیت تدوین شده است، اما هر زمان که در تنگنا قرار گرفتند به توجیهاات متمسک شدند.

قبل از قضاوت در خصوص مذهب شاه نعمت الله ولی، لازم است نگاهی گذرا به زندگی وی داشته باشیم.

سید نور الدین نعمت الله بن عبد الله بن محمد، معروف به شاه نعمت الله ولی (5) در روز دوشنبه، چهاردهم ربیع الاول 731 هـ - ق به دنیا آمد. پدر او میر عبد الله از بزرگان قوم عرب و اهالی سوریه و مادرش از اولاد خوانین شبانکاره ی فارس بود. (6)

ص: 76

-
- 1- سید تقی واحدی (صالح علیشاه)، در کوی صوفیان، (تهران: انتشارات نخل دانش، چ چهارم 1384 ش)، ص 81.
 - 2- سید تقی واحدی (صالح علیشاه)، در کوی صوفیان، (تهران: انتشارات نخل دانش، چ چهارم 1384 ش)، ص 83.
 - 3- سید تقی واحدی (صالح علیشاه)، در کوی صوفیان، (تهران: انتشارات نخل دانش، چ چهارم 1384 ش)، ص 82.
 - 4- سید تقی واحدی (صالح علیشاه)، در کوی صوفیان، (تهران: انتشارات نخل دانش، چ چهارم 1384 ش)، ص 84.
 - 5- سید ضیاء الدین سجادی، مقدمه ای بر مبنای عرفان و تصوف، (تهران: انتشارات سمت، چ نهم، 1380 ش)، ص 202.
 - 6- جواد نوربخش، پیروان و صوفیان نامی کرمان، (انتشارات یلدا قلم، چ اول، 1384)، ص 125.

شاه نعمت الله در خانواده ای صوفی مسلک (1) به دنیا آمد. وی بعد از اتمام دروس مقدماتی برای تکمیل تحصیلاتش به شیراز، مرکز تدریس فقه شافعی و دیگر مذاهب اهل تسنن رفت. (2)

ژان اوین، در این خصوص، بعد از آن که با اطمینان شاه نعمت الله را در حلقه های سنی شیراز جای می دهد، در مقدمه ی خود بر چاپ اولیاء نامه های شاه نعمت الله چنین می گوید:

آنچه از تاریخ به دست می آید آن است که اگر در ایران زمان شاه نعمت الله یک شهر با اسلام سنی ارتباط داشت، آن شهر شیراز بوده است. (3) بنابراین شاه نعمت الله با حضورش برای تحصیل علوم دینی در آن زمان در شهر شیراز، نه تنها به نحوی مذهب خود را هویدا کرده است، بلکه محققاً مهر تأیید خود را بر اسلام سنی، برای سده های بعدی تا زمان سلطه ی صوفیه به جای نهاده است. (4)

از استادان شاه نعمت الله که همگی از فقها و متکلمان اهل سنت هستند می توان به افراد زیر اشاره کرد: 1. سید جلال الدین خوارزمی، معروف به تاج الشریعه، فقیهی سرشناس و شافعی مذهب بود و از جمله آثار او متن فقهی کفایه فی شرح الهدایه است. (5)

ص: 77

1- لئونارد لویزن (ویراستار)، میراث تصوف، ترجمه ی مجد الدین کیوانی، (تهران: نشر مرکز، تهران، چ اول، 1384)، ج 1، ص 471.
2- لئونارد لویزن (ویراستار)، میراث تصوف، ترجمه ی مجد الدین کیوانی، (تهران: نشر مرکز، تهران، چ اول، 1384)، ج 1، ص 471 و 472.

3- لئونارد لویزن (ویراستار)، میراث تصوف، ترجمه ی مجد الدین کیوانی، (تهران: نشر مرکز، تهران، چ اول، 1384)، ج 1، ص 475.
4- لئونارد لویزن (ویراستار)، میراث تصوف، ترجمه ی مجد الدین کیوانی، (تهران: نشر مرکز، تهران، چ اول، 1384)، ج 1، ص 475.
5- لئونارد لویزن (ویراستار)، میراث تصوف، ترجمه ی مجد الدین کیوانی، (تهران: نشر مرکز، تهران، چ اول، 1384)، ج 1، ص 476.

2. رکن الدین شیرازی.

3. شمس الدین مکی.

4. قاضی عضد الدین عیون که به احتمال زیاد همان قاضی معروف، عضد الدین ایچی بود که در عهد حکومت ابواسحق اینجو فرمان روای فارس، مقام قاضی القضاتی شیراز را داشت. (1)

یکی از مشایخ طریقتی شاه نعمت الله ولی، یافعی بود. شاه نعمت الله در بیست و چهار سالگی در مکه ی معظمه با شیخی یمنی به نام عقیف الدین ابو محمد عبدالله بن اسعد بن سلیمان نزیل الحرمین یافعی ملاقات کرد و بدین ترتیب به چندین سلسله از طریقت های صوفیانه از جمله شاذلیه و قادریه متصل شد. (2) در عصر حاضر هم یافعی در زادگاهش، یمن، بنیان گذار یکی از شاخه های طریقت قادری به شمار می رود؛ طریقتی که تبار و رشته ی ارتباطش تماماً سنی است. (3)

خود شاه نعمت الله در مورد این استادش می گوید:

شیخ ما کامل و مکمل بود *** قطب وقت و امام عادل بود

گاه ارشاد چون سخن گفتمی *** در توحید را نکو سفتی

یافعی بود، نام عبدالله *** رهبر رهروان آن درگاه

شاه نعمت الله در دیوان اشعارش در بخش مثنویات وقتی به معرفی مشایخ طریقتی اش می پردازد، آنها را به معروف کرخی و داود طائی و حسن بصری می رساند و چنین می گوید:

شیخ معروف را نکو میدان *** شیخ داود طائیش می خوان

شاه نعمت الله ولی، اگرچه مدیحه هایی در مدح امیر مؤمنان علی (علیه السلام) سروده است، لیکن

ص: 78

1- لئونارد لویزن (ویراستار)، میراث تصوف، ترجمه ی مجد الدین کیوانی، (تهران: نشر مرکز، تهران، چ اول، 1384)، ج 1، ص 475.

2- لئونارد لویزن (ویراستار)، میراث تصوف، ترجمه ی مجد الدین کیوانی، (تهران: نشر مرکز، تهران، چ اول، 1384)، ج 1، ص 472.

3- لئونارد لویزن (ویراستار)، میراث تصوف، ترجمه ی مجد الدین کیوانی، (تهران: نشر مرکز، تهران، چ اول، 1384)، ج 1، ص 477.

وقتی نوبت به بیان صریح مذهب می‌رسد، تسنن خود را به وجهی موجز چنین بیان می‌دارد:

ای که هستی محب آل علی *** مؤمن کامل و بی بدلی

راه سنی گزین که مذهب ماست *** ورنه گم گشته ای و در خللی

رافضی کیست؟ دشمن بوبکر *** خارجی کیست دشمن علی

هر که او چهار یار دارد دوست *** امت پاک مذهب است و ولی

دوست دار صحابه هم به تمام *** یار سنی و خصم معتزلی (1)

شاه نعمت الله ولی، ابوبکر را افضل می‌دانست چنان که در رساله‌ی تحقیق الاسلام نوشته است:

امام حق بعد رسول (صلی الله علیه وآله) امیر المؤمنین (ابوبکر) است و امامت او ثابت است به اجماع امت و بعد از او امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه و بعد از او امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه و بعد از او امیر المؤمنین و امام المتقین علی کرم الله وجهه، و الفضیلة بهذا الترتیب.

بدیدم عالم پیر موحد *** که والی ولایت را ولی بود

بیان فضل صحابه را همی کرد *** در آن معنی که تقدیر نبی بود

ابوبکر افضل اصحاب فرمود *** ولی ختم امامت بر علی بود (2)

در نسخه‌ی نفیس خطی رسائل شاه ولی موجود در کتاب خانه‌ی خانقاه شمس الوفا که در

ص: 79

1- داود الهامی، جستجو در عرفان اسلامی، (قم: انتشارات مکتب اسلام، قم، چ اول، 1376 ش)، ص 120 و 121.

2- حمید فرزام، نکته‌ها و نقدها (در 54 مقاله)، «همانندی در گفتار و آیین شاه ولی و عطار»، با مقدمه‌ی مهدی محقق، (تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی مطالعات اسلامی، 1380 ش)، ص 383.

فاصله ی سال های 1066 - 1087 هـ- ق یعنی در عهد صفویه و دوره ی قدرت تشیع به دست یکی از مریدان او تحریر یافته، رساله ای است با عنوان «تحقیق مراتب الالهیه» که در ضمن آن از خلفای اربعه و ائمه ی اهل سنت و جماعت صریحاً به احترام یاد شده است، بدین قرار:

... و از نبیّ بر چهار رکن نبوه که ابوبکر و عمر و عثمان و امیر المؤمنین علی (علیه السلام) است (کذا) ابوبکر صورت قلب است و عمر صورت عقل و عثمان صورت روح و علی صورت نفس و از ایشان بر چهار امام که ایشان چهار رکن اند از ارکان الهی و آن مالک است و احمد و حنیفه (کذا) و شافعی... (1)

بعد از این بررسی مختصر از زندگانی شاه نعمت الله ولی، به وضوح می توان دریافت که او مذهبی غیر از مذهب اهل بیت (علیهم السلام) داشته است.

ص: 80

1- همان، «اختلاف جامی با شاه ولی»، ص 10 و 11.

- قرآن کریم سیمای جوان شایسته را چگونه تبیین می کند؟

علی امیرخانی

- مهم ترین وظیفه ی جوانان و نوجوانان در عصر حاضر از دیدگاه قرآن و روایات چیست؟

حسن رضایابی

ص: 82

جوان از دیدگاه قرآن

دوران نوجوانی و جوانی، دوران حساس و سرنوشت ساز و تعیین کننده ی شخصیت فرد است. در این دوران غرور، هیجان، احساسات، شهوت، ناپختگی عقلی و... بر شخص سایه می افکند.

چیزی که می تواند این احساسات را در مسیر هدایت و هیجان و غرور را در طریق مثبت قرار دهد و شهوت را مشروع نماید، قانون الهی، یعنی قرآن و احادیث معصومین (علیهم السلام) است.

در این بخش به برخی راهکارهای قرآن و روایات در موفقیت و شخصیت جوان اشاره می گردد.

جوانی بهترین و حساس ترین دوره ی عمر هر موجودی بهویژه انسان به حساب می آید. در همین دوره است که انسان می تواند سرنوشت خویش را رقم بزند و افق آینده ی خود را روشن و درخشان و یا آن را تیره و تاریک سازد.

قالب وجودی یک انسان در دوره ی جوانی شکل می گیرد و آینده ی او هم بر این اساس رقم می خورد. در هر عصری جوانان بیشتر مورد توجه اند و در شکل گیری موضوعات مختلف در جوامع نقش مؤثری ایفا می کنند و در این میان برخی افراد، احزاب، قدرت ها و... از احساسات پاک، شور و تحرک و نیروی سازنده ی جوانان در راستای منافع فردی و گروهی خود سود می برند.

قرآن کریم و روایات اسلامی به دوره ی حساس نوجوانی و جوانی عمر انسان اهمیت ویژه ای داده اند. چنان که حضرت امام صادق (علیه السلام) به یکی از یاران خویش می فرماید:

بر تو باد توجه به جوانان؛ زیرا آنان به هر کار خیر از دیگران پیش تازترند. (1)

هم چنین می فرماید:

چون جوان مسلمان قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونس آمیخته گردد و خداوند متعال او را در زمره ی پیامبران والا مقام نزد خود قرار می دهد و خداوند خود در قیامت مدافع وی باشد. (2)

قرآن کریم با طرح الگوهای از جوانان شایسته، همانند جوانان اصحاب کهف، و برخی از پیامبران جوان الهی و یادآوری برخی از داستان ها و نکات اخلاقی و تربیتی، سیمای جوان شایسته را ترسیم می کند. گوشه هایی از تبیین سیما و ویژگی های یک جوان شایسته از

ص: 84

1- ر.ک: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، (قم: دارالحدیث، چ دوم، 1379 ش)، ج 6، ح 2649.

2- ر.ک: همان، ج 2، ص 603.

نظر قرآن کریم و نیز روایات اسلامی را در پی می آوریم.

1. پرهیزکاری و رعایت تقوا

قرآن کریم می فرماید:

(... وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ)؛(1)... و از خدا پروا نمایید و بدانید خدا با پرهیزکاران است.

و در جایی دیگر می فرماید:

(... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ ...)؛(2)... گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست...

یک جوان شایسته از نظر قرآن، کسی است که تقوا و پرهیزکاری را پیشه می کند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: خداوند متعال به وجود جوان عبادت پیشه (و با تقوا) بر فرشتگان می نازد و می فرماید: «این بنده ی مرا بنگرید به خاطر من از هوای نفس خود دست کشیده است.»(3)

2. داشتن ایمان و دوری از شرک

قرآن کریم می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَي رَسُولِهِ ...)؛(4) ای کسانی که ایمان آورده اید به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده ایمان بیاورید...

و در جایی دیگر به نقل از سفارش های حضرت لقمان به فرزندش، همه ی انسان ها به

ص: 85

1- سوره ی بقره، آیه ی 194.

2- سوره ی حجرات، آیه ی 13.

3- ر. ک: محمد محمدی ری شهری، همان، ح 2651.

4- سوره ی نساء، آیه ی 136.

ویژه جوانان را از هرگونه شرک برحذر می‌دارد و می‌فرماید:

(يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ)؛ (1)... پسرم چیزی را همتای خدا قرار نده که شرک، ظلم بزرگی است.

و به این ترتیب حضرت لقمان اساسی‌ترین رکن ایمان و دین‌داری (توحید) را به فرزند جوانش یادآوری می‌کند.

3. عدالت طلبی و حمایت از مظلومان

از آن‌جا که جوان هنوز در نابرابری‌های محیط غرق نشده و به آن‌ها خونگرفته و آلوده نشده است، صفت عدالت‌طلبی و حمایت از مظلومان در او بیشتر تجلی دارد.

قرآن کریم به نمونه‌هایی در این باره اشاره می‌کند؛ از جمله‌ی این جوانان عدالت‌طلب و حامی مظلوم، حضرت موسی (علیه السلام) است. در سوره‌ی قصص، آیات 15 و 23 - 28، آمده است که حضرت موسی (علیه السلام) جوانی عدالت‌طلب و حامی مظلومان بود. و به همین جهت در سرزمین مصر به حمایت از شخص مظلومی برخاست و در مدین نیز جوان مردانه به کمک دختران حضرت شعیب رفت و برای گوسفندان آن‌ها از چاه آب کشید. (2)

4. کوشش و تلاش

دوره‌ی جوانی زمان تلاش، کوشش، تحرک و نشاط است. قرآن کریم باز حضرت موسی (علیه السلام) را سمبل و الگوی یک جوان فعال، تلاشگر و پرتحرک معرفی می‌کند که بدون سرمایه و ثروت، ولی با تلاش و کوشش، برای حضرت شعیب کار کرد و بعد از انتخاب همسر و تشکیل خانواده، با ثروت فراوان به شهر خود (مصر) بازگشت. (3)

بنابراین، یک جوان باید با اراده و پشت‌کاری قوی و عزمی راسخ بکوشد و از بحران‌ها

ص: 86

1- سوره‌ی لقمان، آیه‌ی 13.

2- ر. ک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، 1367 ش)، ج 16، ص 65.

3- ر. ک: سوره‌ی قصص، آیات 26 - 28.

5. حق پذیری

جوانان زودتر به حقایق دل می بندند و در عمل نیز بی باک و جسورند و اگر چیزی را حق ببینند، در تثبیت آن مقاومت می کنند. قرآن کریم، برخی از جوانان اصحاب کهف را چنین می داند و می فرماید:

(نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى); (1) ما داستان آنان را به حق برای تو بازگو می کنیم، آن ها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم.

و در جایی دیگر داستان جوانی (حضرت اسماعیل) را که حاضر شد در راه حق حتی جان خود را فدا کند یادآور می شود و می فرماید:

(فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ); (2)

هنگامی که (حضرت ابراهیم (علیه السلام)) با او (حضرت اسماعیل (علیه السلام)) به مقام سعیر رسید، گفت: پسر! من در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم، نظر تو چیست؟ گفت: هر چه دستور داری اجرا کن؛ به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت.

از آیات یاد شده برمی آید که یک جوان مؤمن و شایسته باید در مقابل حقایق سر تعظیم و تسلیم فرود آورد.

6. شهامت و شجاعت

از دیگر ویژگی های یک جوان از نظر قرآن، داشتن شجاعت و شهامت است. این دو از صفات کمال انسان است که بیشتر در جوانان نمود دارد. از جمله ی

ص: 87

1- سوره ی کهف، آیه ی 13.

2- سوره ی صافات، آیه ی 102.

این جوانان می توان حضرت داود و حضرت ابراهیم(علیهما السلام)را نام برد.

حضرت ابراهیم(علیه السلام) با شهامت و شجاعت کامل در مقابل بت پرستان ایستاد و بت ها را شکست. خداوند متعال در این باره می فرماید:

(قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ);(1) (گروهی) گفتند: شنیدیم جوانی از (مخالفت با) بت ها سخن می گفت که او را ابراهیم می گویند.

حضرت داود(علیه السلام) نیز با شجاعت و شهامت و تکیه بر ایمان به خدا با ظالمی به نام جالود که بسیار قوی بود به مبارزه پرداخت و او را شکست داد.(2)

7. عفت و پاکدامنی

از دیگر ویژگی های یک جوان شایسته از نظر قرآن کریم عفت و پاکدامنی است. قرآن کریم، در جایی درباره ی حیا و عفت دختران شعیب(علیه السلام) می فرماید:

(فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْسِي عَلَى اسْتِحْيَاء...);(3) ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد، در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت ...

در جایی دیگر حضرت یوسف(علیه السلام) را قهرمان پاکی و عفت معرفی می کند که با وجود مهیا بودن تمام زمینه های انجام گناه، با عفت و پاکدامنی، از وسوسه ی شیطان به خدا پناه برد و با سرافرازی در آزمایش الهی پیروز شد.(4)

بنابراین، یک جوان شایسته از نظر قرآن باید در برابر ناپاکی ها و هواهای نفسانی عفیف و پاکدامن باشد.

8. پرهیز از افراط و تفریط

از دیگر ویژگی های جوانان شایسته پرهیز از افراط و تفریط و رعایت اعتدال است؛ چنان که حضرت لقمان به فرزند جوان خود توصیه می کند:

ص: 88

1- سوره ی انبیاء، آیه ی 60.

2- سوره ی بقره، آیه ی 251.

3- سوره ی قصص، آیه ی 25؛ ناصر مکارم شیرازی، همان.

4- ر.ک: سوره ی یوسف، آیه ی 24.

(وَ أَقْصِدْ فِي مَشِيكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ...) (1) (پسرم) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن، و از صدای خود بکاه ...

از آیه ی یاد شده برمی آید که یک جوان شایسته باید در تمام امور اعتدال را رعایت کند.

حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) می فرمایند:

خیر الامور اوسطها؛ (2) بهترین کارها معتدل ترین و میانه ترین آن هاست.

جوانان در این مقطع از سن باید احساسات و شور جوانی را در خویش کنترل و هدایت کنند و از افراط و تفریط در امور بپرهیزند.

9. خوش اخلاقی و تواضع در برابر مردم

حضرت لقمان به فرزند جوانش سفارش می کند:

(وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ)؛ (3) (پسرم) با بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.

10. عبادت و امر به معروف و نهی از منکر

یک جوان شایسته باید در اقامه و به جا آوردن نماز بکوشد و مردم را از منکرات و زشتی ها نهی و به خوبی ها دعوت کند و در برابر سختی ها و مشکلات صبور باشد:

(يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ

ص: 89

1- سوره ی لقمان، آیه ی 19.

2- ر. ک: شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، (قم: مؤسسه ی آل البيت، ط. الاولى، 1409 ق)، ج 11، ص 473.

3- سوره ی لقمان، آیه ی 18.

إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ؛(1) پسرم نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصایبی که به تو می رسد شکیبیا باش که این از کارهای مهم است.

11. خداپرستی

یکی از ویژگی های جوانان شایسته، خداپرستی است؛ خداوند متعال می فرماید:

(... وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا...);(2) و خدا را بپرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید....

12. نیکی به پدر و مادر

از ویژگی های یک جوان خوب نیکی به پدر و مادر است؛ خداوند متعال در جاهای متعدد جوانان را توصیه کرده که به پدر و مادر خویش نیکی کنند؛ چنان که می فرماید:

بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ ...);(3) و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هم چنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و همسایه نزدیک و....

13. یادآوری معاد و روز قیامت

یک جوان شایسته از نظر قرآن، هیچ گاه یاد مرگ و روز قیامت و حساب و کتاب اعمال آخرت را فراموش نمی کند؛ حضرت لقمان به فرزند جوانش می فرماید:

(يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي ...);(4) پسرم اگر به اندازه ی سنگینی دانه ی خردلی (عمل خوب یا بد) باشد و در دل سنگی یا در گوشه ای از آسمان ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب)

ص: 90

1- سوره ی لقمان، آیه ی 17.

2- سوره ی نساء، آیه ی 36.

3- سوره ی نساء، آیه ی 36.

4- سوره ی لقمان، آیه ی 16.

می آورد؛ خداوند دقیق و آگاه است.

14. تزکیه و تعلیم

یک جوان از نظر قرآن کریم باید با دو بال تزکیه و تعلیم به سوی آینده و کمال پرواز کند و خود را از هر جهت، به تقوا و علم مجهز سازد؛ قرآن کریم می فرماید:

(كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ)؛ (1) همان گونه [که با تغییر قبله، نعمت را بر شما کامل کردیم] رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم، تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما کتاب و حکمت بیاموزد و آن چه را نمی دانستید، به شما یاد دهد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

... هر که در جوانی، دانش آموزد، علم او هم چون نقشی است که بر سنگ حک شود و هر که در بزرگ سالی بیاموزد، کارش هم چون نوشتن بر روی آب است. (2)

هم چنین حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

دوست ندارم جوان شما را جز در دو حال ببینم: دانشمند یا دانش آموز؛ زیرا اگر چنین نباشد، کوتاهی کرده است و چون کوتاهی کند، ضایع گشته و چون ضایع گردد، گنهکار باشد و چون گنهکار باشد، سوگند به آن که محمد را به حق برانگیخت در آتش جای گیرد. (3)

ص: 91

1- سوره ی بقره، آیه ی 151.

2- ر.ک: محمد محمدی ری شهری، همان، ص 2649 - 2651.

3- ر.ک: محمد محمدی ری شهری، همان، ص 2649 - 2651.

در زمان ظهور امام زمان (علیه السلام) و حکومت آن حضرت، جوانان نقش مؤثری دارند و از جایگاه ویژه ای برخوردار خواهند بود؛ چنان که حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

اکثر یاران امام مهدی (عج) جوانان هستند. (1)

مهم ترین وظیفه ی جوانان و نوجوانان در عصر حاضر از دیدگاه قرآن و روایات چیست؟ / حسن رضا رضایی

اشاره

دوران جوانی و نوجوانی، حساس و سرنوشت ساز و تعیین کننده ی شخصیت انسان است. برای استفاده ی صحیح از جوانی، باید به یک راه نمای آگاه و آشنا به مسیر و دور از خطا و اشتباه رو آورد و بهترین راه نما قرآن و احادیث صحیح معصومین (علیهم السلام) است.

قرآن دوران جوانی را دوران قوت و قدرت می نامد:

(اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً)؛ (2) خدا همان کسی است که شما را آفریده در حالی که ضعیف بودید؛ سپس بعد از این ضعیف و ناتوانی قوت بخشید، و باز بعد از قوت، ضعیف و پیری قرار داد ...

جوانان فطرتی پاک دارند و پاکی ها را می پذیرند و به آن جامه ی عمل می پوشانند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در اوایل دعوت خود، با جوانانی روبه رو شد که سخنان پاک او را بر فطرت پاک خود نوشتند. ایشان می فرماید:

(اوصیکم بالشباب خیراً فانهم ارقّ افئده ...); من شما را به نیکی با جوانان توصیه می کنم، به سبب این که آنها دلی رقیق و قلبی فضیلت پذیرتر دارند ...

ص: 92

1- ر.ک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، (بیروت: مؤسسه الوفاء، ط. الرابعه، 1404 ق)، ج 2، ص 333.

2- سوره ی روم، آیه ی 54.

جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند. (1)

دوران جوانی و نوجوانی فرصتی بسیار ارزشمند و بی بدیل است. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

بدر شبابک قبل هر مک و صحتک قبل سقمک؛ جوانی را قبل از پیری، و سلامتی را قبل از مریضی دریاب. (2)

برخی از فرصت طلبان از استعداد بکر و تازه ی جوانان سوء استفاده می کنند و آنان را به سوی قدرت، ثروت و شهوت سوق می دهند؛ اما اسلام با سه مقوله ی اخلاق، عقاید و احکام، دنیا و آخرت یک جوان را ترسیم نموده و وظایفی را اعم از دنیوی و اخروی برای جوانان و نوجوانان برشمرده است که در این جا به مهم ترین آن ها اشاره می کنیم.

1. تحصیل علم و دانش

اسلام به فراگیری علم و دانش تأکید بسیار دارد و اولین آیه ای که نازل شده به خواندن و نوشتن امر کرده است:

(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ) (3): بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید، همان کسی که انسان را از خون بسته ای خلق کرد... همان کسی که به وسیله ی قلم تعلیم نمود و به انسان آن چه را نمی دانست یاد داد.

اصلاحات جوامع انسانی از قلم های مؤمن شروع می شود و فساد و تباهی اجتماعات نیز

ص: 93

1- محمدبن یعقوب کلینی، روضه الکافی، (تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1365 هـ-)، ص 93.

2- محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1366)، ص 340.

3- .. سوره ی علق، آیه ی 1 - 5.

از قلم های مسموم و فاسد مایه می گیرد. بی جهت نیست که قرآن به قلم و آن چه با قلم می نویسند، سوگند یاد می کند؛ (ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ) (1) قلمی که می توان به واسطه ی آن علم را منتشر و در سینه ی تاریخ ماندگار کرد. البیان بیانان، بیان اللسان و بیان البنان و بیان اللسان تدرسه الأعوام و بیان الأقسام باقی علی مر الأيام؛ بیان دو گونه است، بیان زبان و بیان قلم. بیان زبان با گذشت زمان کهنه می شود و از بین می رود، ولی بیان قلم تا ابد باقی است. (2)

قرآن تحصیل علم و دانش را پایه و مقدمه ی تربیت و تزکیه، (3) و تعلیم را یکی از اهداف پیامبران بر می شمارد (4) و هیچ وقت عالمان و دانشمندان را با جاهلان مساوی نمی داند.

(هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ)؛ (5) آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابرند؟

معصومین (علیهم السلام) اهمیت خاصی برای تحصیل علم قایل بوده اند تا جایی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) تحصیل دانش را بر هر مسلمانی واجب دانسته (6) و دانشجویان را مجاهد فی سبیل الله (7) خطاب می کنند و می فرمایند:

هر کس در طریق تحصیل علم از دنیا برود، شهید مرده است. (8)

در جای دیگر می فرمایند:

زندگی جز برای دو کس فایده ندارد: یکی دانشمندی که نظرهای او اجرا گردد

ص: 94

-
- 1- سوره ی قلم آیه ی 1. ر.ک؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، (تهران: دارالکتب الاسلامیه)، ج 27، ص 159. ج 4 ص 376.
 - 2- طبرسی، مجمع البیان، (بیروت: دارالمعرفه)، ج 10، ص 332.
 - 3- سوره ی بقره، آیه ی 129.
 - 4- سوره ی بقره، آیه ی 151؛ سوره ی آل عمران، آیه ی 164 و سوره ی جمعه، آیه ی 2.
 - 5- سوره ی زمر، آیه ی 19.
 - 6- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1345)، ج 1، ص 28.
 - 7- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، (قم: مؤسسه ی ال بیت)، ج 27، ص 207.
 - 8- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج 1، ماده ی شهید.

و دیگری دانش طلبانی که گوش به سخن دانشمندی دهند. (1)

علم به دانشی گفته می شود که در طریق خدمت و صلاح مردم و شناخت معبود باشد و اگر مایه ی غرور و غفلت و ظلم و فساد باشد؛ قیل و قالی بیش نیست. (2)

دوران فراگیری دانش، نوجوانی و جوانی است و بیشتر توجه و خطاب قرآن کریم و معصومین (علیهم السلام) به جوانان است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:

فراگیری علم در دوران جوانی، همانند نقش بر سنگ است و در دوران پیری همانند نقش بر خاک است که سریع زایل می گردد. (3)

لذا جوانان باید با توجه به مبانی دینی، به تحصیل علم بپردازند و عقب ماندگی و رشد نیافتگی مسلمانان را که ریشه در ظلم حاکمان ظالم و فاسد و توطئه ی دشمنان اسلام دارد، جبران نمایند.

2. کار و کوشش

جوان باید با نیرو و قدرت خود برای رسیدن به مقصود که تحصیل علم و هنر و یا آموختن صنعت و... است بکوشد. قرآن با برشمردن زمینه های تلاش و کوشش در همین کره ی خاکی (4)، به استفاده ی صحیح از آن توصیه می کند:

(وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ)؛ (5) خداوند شما را از نعمت های

ص: 95

1- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 1، باب صفة العلم.

2- ناصر مکارم شیرازی. تفسیر نمونه، ج 19. ص 396.

3- کراچکی، کنز الفوائد، (قم: دارالذفائه، 1410)، ج 1، ص 319.

4- سوره ی حجر، آیه ی 19 - 20؛ سوره ی ملک، آیه ی 15؛ سوره ی نبا، آیه ی 10؛ سوره ی نوح، آیه ی 11؛ سوره ی بقره، آیه ی 12،

29 و 164؛ سوره ی عبس، آیه ی 27 - 32؛ سوره ی نمل، آیه ی 10 و سوره ی فاطر، آیه ی 7.

5- سوره ی انفال، آیه ی 26.

پاکیزه بهره مند ساخت؛ شاید شکرگزار باشید.

در آیه ای دیگر کار و تلاش برای کسب روزی هم ردیف جهاد فی سبیل الله معرفی شده است:

(وَ آخِرُونَ يَصْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)؛ (1) گروهی دیگر برای به دست آوردن روزی الهی به سفر می روند و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می کنند.

علی (علیه السلام) در تفسیر آیه ی (وَ لَا تَسْ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا) (2) می فرماید:

سلامت، نیرومندی، فراغت، جوانی و نشاط و بی نیازی خود را فراموش منما و در دنیا از آن بهره ببر و متوجه باش که از آن سرمایه های عظیم، به نفع آخرت استفاده کنی. (3)

خداوند در قرآن صریحاً می فرماید:

(وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلاً مَا تَشْكُرُونَ)؛ (4) ما تسلط و مالکیت و حکومت زمین را برای شما قرار دادیم و وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم.

به این معنا که خداوند وسایل تلاش را فراهم نموده است و دسترسی نداشتن به آنها نشان کوتاهی و سستی خود ماست؛ لذا پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) می فرماید:

هر شب ملائکه به زمین می آیند و ندا سر می دهند که ای فرزندان آدم! تلاش و کوشش نمایید. (5)

ص: 96

1- سوره ی مزمل، آیه ی 2.

2- سوره ی قصص. آیه ی 77.

3- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 454.

4- سوره ی اعراف، آیه ی 10.

5- محدث نوری، مستدرک الوسائل، (قم: مؤسسه ی آل البيت)، ج 2، ص 35.

پیامبر(صلی الله علیه وآله) با هر کسی رویه رو می شدند می پرسیدند: آیا شغلی داری؟ و اگر جواب منفی می داد، می فرمودند: سقط من عینی؛ از چشمم افتاد(1)هم چنین امام کاظم(علیه السلام)می فرماید:

خداوند از انسان بی کار و پر خواب متنفر است.(2)

جوانان می توانند با استفاده از نیروی جوانی تلاش خود را در هر رشته ای مضاعف نمایند، تا به رفاه زندگی دنیا(3) و آرامش ابدی آخرت دست یابند. امام باقر(علیه السلام) در دعاهایش می فرماید:

اسئلك اللهم الرفاهیه فی معیشتی ما ابقیتی معیشه اقوی بها علی طاعتک... (4); پروردگارا، در زندگی ام آن چنان رفاهی قرار بده که با آن به اطاعت و بندگی تو توانا شوم.

البته تلاش و کوشش برای کسب روزی باید از طریق صحیح و مشروع باشد.

طلب الحلال فریضه علی کلّ مسلم و مسلمه(5); به دنبال رزق و روزی حلال رفتن بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.

3. اهتمام به ازدواج

ازدواج یکی از محبوب ترین کانون نزد خداوند(6) و از سنت های پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) است

ص: 97

1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 3، ص 103.

2- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 88.

3- ر.ک: سید محمد جواد وزیری فرد، مسائل اقتصادی در تفسیر المیزان، (تهران: امیر کبیر، 1370) و محمد حسین ابراهیمی، اقتصاد در قرآن، (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1377)، ج 1.

4- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 91، ص 268.

5- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 103، ص 1.

6- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 103، ص 212.

که با آن می توان نصف دین خود را تضمین کرد. (1) قرآن کریم امر به ازدواج می کند و می فرماید: (وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ)؛ (2) مردان و زنان بی همسر را همسر دهید و هم چنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بی نیاز می سازد؛ خداوند واسع و آگاه است.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) جوانان مجرد را مذمت می کنند و می فرمایند:

شراکم عزائبکم (3)؛ بدترین شما مجردان اند.

خداوند صریحاً مسئله ی مالی خانواده ها را تضمین نموده است و جوانان نباید به خاطر فقر از ازدواج سر باز زنند. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

الرزق مع النساء و العیال؛ (4) روزی همراه همسر و فرزند است.

و در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله)، هر کسی از تنگدستی شکایت می کرد، پیامبر امر به ازدواج می نمودند. (5) و می فرمودند:

هر کس به خاطر فقر از ازدواج شانه خالی کند، به خدا گمان بد برده است. (6)

جوان برای رشد خود نیازمند به آرامش روحی و فکری است و این آرامش می تواند در سایه ی ازدواج مهیا شود. (7) علاوه بر آن، ازدواج اولین مرحله ی خروج از خود طبعی و

ص: 98

1- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج 1، ص 561.

2- سوره ی نور، آیه ی 32.

3- طبرسی، مجمع البیان، ج 3، ذیل آیه ی 32 سوره ی نور.

4- الحویزی العروسی، تفسیر نور الثقلین، ج 3، ص 595.

5- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 25، ابواب مقدمات نکاح.

6- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 25، ابواب مقدمات نکاح.

7- سوره ی روم، آیه ی 21.

توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است(1) و انسان را پخته(2) و شخصیت او اجتماعی می سازد و ثمراتی چون حفظ و تقویت ایمان و معنویت، بهره مندی از نشاط جوانی،(3) پاک ماندن از فساد و انحرافات جنسی، محفوظ ماندن از بیماری های عصبی و روانی و... را به ارمان می آورد.(4)

4. دوری از هوای نفس و شهوت

بالاترین غریزه ی انسان، غریزه ی شهوت است که اوج آن در دوران جوانی است و بزرگ ترین مانع رشد یک جوان، شهوت پرستی و هوای نفس اوست. شهوت طلبی، وسوسه ی شیطانی است: که انسان را اسیر خود می کند:

عبد الشهوه اسیر لاینفک أُسْرُهُ(5)

و چه بسا لحظه ای شهوت طلبی، ناراحتی دراز مدت به همراه دارد. علی(علیه السلام) می فرماید:

رب الشهوه الساعه تورث حزناً طویلاً.(6)

نفس اماره ی انسان همان تمایلات غریزی است که بر اثر شدت یافتن، بر عقل غلبه می یابد. حضرت علی(علیه السلام) می فرماید:

هر کس از شهواتش پیروی بنماید، به تحقیق در هلاکت به نفسش کمک کرده

ص: 99

-
- 1- مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، (تهران: انتشارات صدرا)، ص 251.
 - 2- مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، (تهران: انتشارات صدرا)، ص 398.
 - 3- ر.ک؛ رضا فرهادیان، آنچه یک جوان باید بداند، (قم: بوستان کتاب، 1382)، ج 7.
 - 4- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 14، ص 456.
 - 5- محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم؛ ح 6967.
 - 6- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، (قم: دار الحدیث)، ج 10، ص 381.

است. (1)

قرآن نیز منشأ انحرافات را پیروی از نفس (2) و کلید سعادت و خوش بختی را مخالفت با خواهش های نفسانی می داند. (3) یوسف کنعان نیز از نفس اماره به خدا پناه می برد. (4) حضرت علی (علیه السلام) در دعای صباح به خدا پناه می برد و می فرماید:

الهی قلبی محجوب... و هوائی غالب؛ خدایا قلبم [با حجایی از گناه] پوشیده شده... و هوای نفس بر من چیره گشته است.

برای فرار از خواهش های نفسانی و شهوت، لازم است ایمان و بندگی خدا را تقویت و معاشرت با دوستان منحرف را ترک کنیم و در پرورش عقل کوشا باشیم؛ زیرا هوای نفس دشمن عقل است؛ (5) و علت انحرافات، اسیر بون عقل به دست امیال و هواهای نفسانی است. (6)

5. عبادت و بندگی

جوانان به سبب فطرت پاک و استعداد برای پذیرش حقایق به ملکوت اعلی نزدیک ترند و می توانند سریع تر از دیگران به خدا برسند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمودند:

ان الله يحب الشاب الذی شبابه فی طاعه الله؛ (7) خداوند جوانی را دوست می دارد که جوانی اش را در اطاعت خدا مصرف نماید.

و خداوند نیز یکی از اهداف خلقت بشر را عبودیت و بندگی معرفی کرده است:

ص: 100

1- محمد تمیمی، غررالحکم، ج 6039 - 7013.

2- سوره ی قصص، آیه ی 50.

3- سوره ی نازعات، آیه ی 40 - 41.

4- سوره ی یوسف، آیه ی 53.

5- محمد محمدی ری شهری، همان، ج 6، ص 436.

6- محمد محمدی ری شهری، همان، ج 10، ص 379.

7- علاءالدین، متقی، کنزالعمال، (بیروت: نشر الرساله)، ج 15، ص 776.

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)؛ (1) من جن و انس را خلق نکردم، مگر برای عبادت.

خداوند عبادت جوان را بالاترین عبادت ها می داند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در همین زمینه می فرمایند:

خداوند هفت گروه را در سایه ی رحمت خود جای می دهد در روزی که سایه ای جز سایه اش نیست: اول، زمامدار عادل و دادگر؛ دوم، جوانی که در عبادت خدا پرورش یابد... (2)

6. خودسازی و تهذیب نفس

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

قلب جوان مانند زمین خالی و مستعد است که هر چیزی را که در آن قرار می گیرد می پذیرد. (3)

قرآن نیز به تزکیه و تهذیب نفس تأکید فراوان دارد:

(قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا)؛ (4) کسی که تزکیه کند رستگار است.

جوان می تواند با عهد و پیمان بستن با خود (5) و مراقبت از اعمال روزانه، و محاسبه ی اعمال و رفتار، خود را در مسیر رهروان حق قرار دهد.

امام خمینی (رحمه الله) در نامه ای به فرزند خود می نویسد:

ص: 101

1- سوره ی ذاریات، آیه ی 56.

2- محمد بن یعقوب، کینی، اصول کافی، ج 6، ص 47.

3- نهج البلاغه، نامه 31.

4- سوره ی شمس، آیه ی 9.

5- ر. ک: سوره ی احزاب، آیه ی 23.

تا عمر و جوانی و قوت و اختیار باقی است اصلاح نفس کن و در عمل کوشش کن. اگر قید و بندهای شیطانی در جوانی از آن ها غفلت شود، هر روز از عمر تو بگذرد ریشه دارتر و قوی تر می شود. (1)

7. توبه و بازگشت

جوان به اقتضای سن خود بیشتر در لغزش های گناه قرار می گیرد، اما با توبه و برگشت به سوی خدا می تواند آن را جبران و خود را مشمول عفو خداوند بخشنده و مهربان نماید.

(إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ)؛ (2) مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و جبران نمایند، خداوند غفور و رحیم است.

و پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) درباره توبه ی جوان می فرمایند:

ما من شیء احب الی الله تعالی من شاب تائب؛ (3) هیچ چیز نزد خداوند دوست داشتنی تر از جوان توبه کار نیست.

حاصل سخن این که، دوره ی نوجوانی و جوانی، دوره ای حساس و سرنوشت ساز است و نیاز به یک راه نمای آگاه و عالم دارد و بهترین راه نما که بتواند ما را به سر منزل مقصود برساند، قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) است.

ص: 102

1- صحیفه ی نور.

2- سوره ی نور، آیه ی 5.

3- محمد محمدی ری شهری، همان، ج 1، ص 552.

- عوامل و موانع نشاط در خانواده از دیدگاه تربیت اسلامی چیست؟

همایون سراقی

ص: 104

«خانواده» کوچک ترین و در عین حال اساسی ترین واحد اجتماع است که باید در حفظ و بقاء و شکوفایی آن کوشش نمود.

تأثیرگذاری مستقیم، گستره ی تأثیر و طول مدت آن، شاخصه های مهمی هستند که توجه به خانواده را ضروری می سازد. در این بخش، مسئله ی نشاط در خانواده و آسیب های پیش روی آن مورد بررسی قرار گرفته است.

خانواده مناسب ترین بستر برای رشد انسان است. آدمی نیازهایی دارد که حسن تأمین هر یک از آنها گامی است در مسیر رشد، شکوفایی و تعالی انسان، و خانواده بهترین جایگاه تأمین این نیازهاست، اما گاهی، به عواملی، این محیط امن و جایگاه تعالی محل کدورت ها، ناامنی و رکود می شود.

مقاله ای که پیش روی شماست نشاط در خانواده را بررسی می نماید.

نشاط: نشاط در لغت به معنای خوشی، شادمانی، خرمی، سرور، دل زندگی، خوشدلی و ... می باشد. (1)

خانواده: برای خانواده تعاریف زیادی ذکر شده است. از جمله این تعاریف؛ تعریف خانواده به یک سیستم متعادل و پیچیده است که زن و شوهر آن را بنیان می گذارند و سپس با ورود هر کودک یا هر فرد دیگری (مثل پدر و مادر بزرگ) این سیستم پیچیده تر می شود. (2)

بنابر تعریف ارائه شده از نشاط و خانواده در این مختصر به عوامل سرزندگی و شادابی اعضای یک خانواده به همراه نگاهی آسیب شناسانه پرداخته می شود.

در یک بیان کلی می توان گفت ساده ترین شیوه ی رسیدن خانواده به نشاط این است که اولاً، ویژگی های شخصیتی، زیستی، شناختی و اجتماعی همدیگر را بشناسیم؛ ثانیاً، نیازها را تبیین کنیم و ثالثاً، برای حسن تأمین نیازها بکوشیم. وقتی نیازهای فطری به نحو مطلوب و مشروع تأمین شد، قطعاً نشاط ایجاد می شود. (3) در پی تبیین این روش ابتدا بحث تفاوت های

ص: 106

-
- 1- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 13، چاپ اول از دوره ی جدید 1373، نشر مؤسسه ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
 - 2- جمعی از مؤلفان، روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، (تهران: نشر سمت، 1374)، ج 3، ص 854.
 - 3- غلامعلی، افروز، نشاط در خانواده (از سلسله مباحث خانواده)، (قم: چاپ واحد تربیتی مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی)، ص 7.

جنسیتی زن و مرد، سپس ضرورت توجه به تفاوت های فردی و بعد از آن بحث نیازها را مطرح می کنیم.

تفاوت های جنسیتی

مرد و زن از نظر ساختمان بدن، کیان روانی، هوش، استعداد و... تفاوت های زیادی دارند.

یکی از علل اصلی ستیزها و کشمکش های دایمی، عذاب آور، دردناک و جان فرسا بین زن و شوهرها این است که مردان، زنان را با «ویژگی های خود» ارزیابی می کنند و زنان مردان را با مقیاس خود می سنجند و این سنجش همان قدر صحیح است که سنجش مایعات با متر و منسوجات با لیتر. چنین سنجش هایی معمولاً حس تحقیر یا برتری کاذب را به دنبال دارد.⁽¹⁾ شناخت تفاوت ها در گام اول بسیاری از سوء تفاهم ها را به صورت ریشه ای بر طرف می سازد و در گام بعدی توجه به این تفاوت ها و تنظیم روابط و مسئولیت ها بر اساس آنها به پویایی و نشاط خانواده می انجامد.

تفاوت های روانی

زن و مرد چنان که از نظر ساخت بدنی از هم متمایزند دارای تفاوت هایی در بعد روانی هم هستند که از نظر علم روان شناسی و در فرهنگ های مختلف به اثبات رسیده است... توجه به این تفاوت ها و شناخت بهتر هر یک، آدمی را به سوی زیست بایسته تر رهنمون

ص: 107

1- میر عماد الدین فریور، شادکامی و موفقیت (ماهنامه علمی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، سال دوم، فروردین 84، ش 14)، ص 33.

می گرداند. (1) برخی از تفاوت های روانی دو جنس چنین است:

1. تحقیقات حاکی از آن است که شکل گیری هویت دختران برای استقلال شخصی نیست، بلکه برای صمیمیت و مراقبت از دیگران است، در حالی که هویت پسران از اساس برای استقلال و رقابت و فردیت شکل می گیرد. (2)
2. موضوع وابستگی زن به مرد و استقلال خواهی مرد از نظر وضعیت جسمانی یک امر طبیعی است. از جنبه ی روانی زن به وابستگی گرایش دارد، از تنهایی می ترسد و در ارتباط با دیگران کارآمدتر می شود، ولی مرد استقلال طلب است و زمانی که نیازمندی دیگران را به خود دریابد احساس توانمندی می کند. (3)
3. زنان در برخورد با مسائل و مشکلات به جزئیات توجه بیشتری دارند و احساسی تر عمل می کنند ولی مردان در مقابله با مشکلات و مسائل کلی نگرند و منطقی تر عمل می کنند. (4)
4. مردان به ارتباط غیرکلامی توجه بیشتری نشان می دهند و کمتر احساسات خود را به زبان می آورند و واکنش بروز می دهند، ولی زنان توانمندی های کلامی بیشتری دارند، در نتیجه بیشتر بر ارتباطات کلامی تأکید دارند. (5)
5. به طور کلی مرد برون گرا و زن درونگراست. (6)
6. اندیشه ی اخلاقی زنان به طور عمده به روابط بین فردی توجه دارد و با احساس

ص: 108

-
- 1- سیدهادی حسینی، مقاله ی تفاوت های بیولوژیک زن و مرد در بدن، روان و هوش، کتاب نقد (فصلنامه انتقادی، فلسفی، فرهنگی)، (سال پنجم، شماره مسلسل 17، زمستان 1379، نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه ی معاصر)، ص 234.
 - 2- سیدهادی حسینی، مقاله ی تفاوت های بیولوژیک زن و مرد در بدن، روان و هوش، کتاب نقد (فصلنامه انتقادی، فلسفی، فرهنگی)، (سال پنجم، شماره مسلسل 17، زمستان 1379، نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه ی معاصر)، ص 235.
 - 3- سیدهادی حسینی، مقاله ی تفاوت های بیولوژیک زن و مرد در بدن، روان و هوش، کتاب نقد (فصلنامه انتقادی، فلسفی، فرهنگی)، (سال پنجم، شماره مسلسل 17، زمستان 1379، نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه ی معاصر)، ص 236.
 - 4- میرعماد الدین فریور، همان، ص 34.
 - 5- میرعماد الدین فریور، همان، ص 33.
 - 6- سیدهادی حسینی، همان، ص 236.

مسئولیت نسبت به دیگران همراه است و جنبه‌ی از خود گذشتگی دارد. برای مردان خودمختاری و شایستگی مبنای قضاوت اخلاقی است و اخلاق پسران بیشتر بر مبنای عدالت شکل می‌گیرد... پسران بیشتر از دختران از قوانین اخلاقی سر می‌پیچند. زنان گرچه احساسی‌ترند ولی در مسائل اخلاقی سخت‌گیرترند. (1)

تفاوت‌های فردی

گذشته از تفاوت‌های جنسیتی، انسان‌ها (حتی افراد یک جنس) از نظر سرمایه‌های وجودی و خدادادی، اعم از نیروهای بدنی و توانایی‌های روانی یکسان نیستند؛ هم‌چنان که برخورداری آنها از نعمت‌های طبیعی و اجتماعی و توانایی‌های هوشی متفاوت و مختلف است. انسان‌ها با وجود فطرت‌ها و غرایز یکسان دارای توانمندی‌ها و استعداد‌های متفاوت هستند.

بی‌توجهی به این تفاوت‌ها پی‌آمدهای دردناکی چون بی‌توجهی به تفاوت‌های جنسیتی دارد؛ یعنی بسیاری از آسیب‌های موجود در خانواده به این مسأله برمی‌گردد؛ مثلاً مقایسه‌ی درسی دو برادر و یا بین دانش‌آموز با هم‌کلاسی‌هایش، مقایسه‌ی نابه‌جاست و بدترین ضربات را بر روند پیشرفت درسی دانش‌آموز و شخصیت او وارد می‌سازد. فرزندى که در این موقعیت قرار می‌گیرد دچار فشار روحی زیادی است و نباید انتظار ابراز وجود، خلاقیت و نشاط را در او داشته باشیم. مقایسه‌ی همسر خود با دیگران نیز اشتباهی است که نشاط را از خانواده می‌گیرد. کارشناسان تأکید می‌کنند که هر یک از زن و شوهر باید بکوشد با روان‌شناسی همسرش آشنا شود تا بداند او به چه اموری بها می‌دهد و نظام ارزشی اش

ص: 109

چگونه است؟(1) و با توجه به آن، مناسبات بین خود و او را تنظیم کند.

عوامل مؤثر بر نشاط

1. کار

کار از جنبه های متعددی حایز اهمیت است و تأثیرات فراوانی بر روان آدمی و زندگی خانوادگی و اجتماعی دارد.

از بنیادی ترین و قوی ترین نیازهای انسان نیازهای فیزیولوژیکی است. این نیازها شامل هر چیزی می شود که در حفظ و بقای ارگانیسم انسان نقش دارد. نیازهای فیزیولوژی و از جمله مواد غذایی، در جوامع با بافت پیچیده تر (شهری) به شکل اشتغال و در جوامع ساده تر با نام کار و تلاش و شکل مستقیم تری تأمین می شود. این که بیکاری یک معضل اجتماعی شمرده می شود به سبب همین نیاز است؛ که اگر برآورده نشود بسیاری از موضوعاتی که به عنوان نیاز مطرح می شوند جایی برای طرح نخواهد داشت. در مقابل اگر در سایه کار، تلاش و یا به تعبیری اشتغال، این نیاز برآورده شود انسان مجال پرداختن به دیگر امور که زمینه ی تعالی و رشد، آسایش و رفاه، لذت های دنیوی و حتی اخروی و... را پیدا می کند.

این است که حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید:

تنگدستی سبب خواری نفس و حیرانی عقل و جلب کننده ی اندوه هاست.(2)

کار از عواملی است که می تواند این آسیب ها را برطرف نماید.

از دیگر ابعادی که اهمیت کار را تبیین می کند نفس مشغول بودن و تأثیر مستقیم آن بر

ص: 110

1- حمید رضا شاکرین و همکاران، پرسش و پاسخ، تنظیم و نظارت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها - اداره ی مشاوره، (قم: نشر معارف، 1384)، ص 278.

2- محمود اکبری، غم و شادی در سیره ی معصومان(علیهم السلام)، (قم: نشر صفحه نگار، 1380)، ص 164.

روان است. هنگامی که انسان مشغول به کار است یک نوع ایمنی راحتی بخش، یک آرامش عمیق درونی و یک قسم رخوت نشاط آور او را تسکین می بخشد. (1) و شاید بتوان گفت که بی کاری بیشتر از هر عامل دیگری ناشادی می آورد. کار ما قسمتی از هویت ماست. اگر ما در طبقه ی شغلی هیچ کاری نداشته باشیم رنج می بریم و این مسئله به کاهش شدید شادکامی منجر می شود (2) و شاید به همین دلیل حضرت علی (علیه السلام) با تأکیدی که بر تفریح به معنای خاص آن دارند، کار را بزرگ ترین تفریح ذکر می کنند. (3)

از جنبه های دیگر اهمیت کار ارتباط آن با احساس کارآیی است. بهترین عاملی که می تواند این احساس را در انسان ایجاد کند خودکار است. و اهمیت آن در تأثیری است که بر فشار روانی دارد یعنی؛ از عوامل مؤثر بر فشار روانی احساس کارآیی است که این احساس هر قدر قوی تر باشد از میزان فشار روانی کاسته می شود و ضعیف شدن آن موجب شکنندگی و تأثیرپذیری انسان در برابر عوامل فشارزا می شود. (4)

از دیگر تأثیرات مثبت کار فعلیت یافتن استعدادها، جلوگیری از انحراف و لغزش و هم چنین روش شناخته شده در درمان برخی اختلالات است که این مختصر مجال توضیح آنها را نمی دهد. خلاصه این که بی کاری آسیب های بسیاری برای فرد و خانواده و اجتماع به بار می آورد، تا حدی که (در زندگی معمول و اکثریت مردم) می تواند موجودیت انسان را به خطر اندازد

ص: 111

-
- 1- دیل کارنگی، آئین زندگی، ترجمه ی جهانگیر افخمی، (انتشارات ارمان، چ دهم، 1376)، ص 66.
 - 2- مجله ی حدیث زندگی، ترجمه ی مریم مزحجی، پیش شماره ی 2، ص 17.
 - 3- محمود اکبری، همان، ص 111.
 - 4- ر.ک: علی اصغر احمدی و حمزه گنجی، روان شناسی، (تهران: نشر شرکت چاپ و نشر ایران، 1375)، ص 37.

و بر عکس، کار، با واسطه و بیواسطه، تأثیرات مثبت زیادی دارد از جمله به زندگی رونق می بخشد.

2. صله ی رحم

مرحوم کلینی در کافی نقل می کند: پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) یک روز بدون هیچ مقدمه ای اصحاب خویش را دعوت کردند و این سخنان را با آنان در میان گذاشتند که

به حاضرین از اتم و غائبین از آنها و هر که در صلب مردان و رحم زنان تا روز قیامت قرار می گیرد وصیت می کنم که صله ی رحم را به جا آورند اگر چه در فاصله ی یک سال سفر نسبت به یکدیگر باشند...[\(1\)](#)

صله ی رحم دارای فواید بسیاری در ابعاد مختلف است.

ارتباطات انسانی مطلوب تا 85 درصد موجب نشاط و سرزندگی افراد می شود.[\(2\)](#) انسان موجودی اجتماعی است و غالب نیازهای او هم یا در ارتباط با اجتماع و یا توسط اجتماع برآورده می شود. وابستگی فرد به گروه و دوستی گروه با فرد و ارتباط انسانی بین آنها به تشکیل شخصیتی سالم و با نشاط و تحقق امنیت خاطر و آرامش در انسان کمک شایانی می کند.[\(3\)](#) در واقع ارتباط مثبت انسان با اجتماع، هم نیاز امنیت روانی و هم نیاز تعلق انسان را پاسخ می دهد و این ارتباط و تعلق در خانواده به عنوان یک واحد کوچک اجتماعی و در فامیل با دایره ای وسیع تر بسیار پررنگ تر و زیباتر شکل می گیرد.

ص: 112

1- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 151.

2- محمدرضا شرفی، دانش خانواده، (تهران: سمت، 1383)، ص 108.

3- محمد عثمان نجاتی، قرآن و روان شناسی، ترجمه عباس عرب، (مشهد: نشر بنیاد پژوهش های اسلامی، 1381)، ص 382.

از جمله نیازهای روانی نیاز به عشق و تعلق داشتن (1) است که فرد را در جهت ایجاد روابط محبت آمیز با دیگران سوق می دهد. نیاز دلبستگی و تعلق، هم شامل دریافت محبت از دیگران و هم محبت کردن به آنان می شود. (2) برای ارضای این نیاز انسان باید با دیگران و از همه مهم تر، با اعضای خانواده ی خود تبادل عاطفی داشته باشد که نتیجه ی آن بالندگی و شکوفایی واقعی انسان است و چنانچه این نیاز اصلاً و یا به شکل صحیح ارضا نشود نتیجه ای جز پڑمردگی یا انحراف نخواهد داشت. نکته ی حایز اهمیت این که فقط وجود محبت بین همسران و یا فرزندان و والدین برای ارضای این نیاز کافی نیست؛ لازمه ی ارضای این نیاز ابراز محبت است و به همین سبب کسانی که هنر نثار محبت بر شریک زندگی خود را دارند کام یاب ترند (3) البته توجه به تفاوت های فردی و جنسیتی و امور دیگر کمک زیادی به ابراز محبت می کند؛ از جمله تفاوت های زن و مرد این است که زن عاطفی تر از مرد است و به ارتباط های عاطفی علاقه ی بیش تری نشان می دهد، احساس محبت کردن در دختران بیش از پسران است... (4) به همین جهت مادران در به عهده گرفتن تربیت که عاطفه و محبت از ضروریات آن است، مقدم اند و در روابط زن و شوهر لازم است مردان در مسائل عاطفی پیش قدم باشند؛ چرا که زنان با این سرشت به دنیا می آیند. شهید مطهری می فرماید:

ص: 113

1- Belonging and Love

2- محمد کریم خدا پناهی، انگیزش و هیجان، (تهران: سمت، 1379)، ص 172.

3- محمدرضا شرفی، همان، ص 111.

4- سیدهادی حسینی، همان، کتاب نقد، ص 235.

رکن حیات خانوادگی احساسات و عواطف مرد نسبت به زن است. از این عواطف است که هم زندگی زن و هم زندگی فرزندان صفا و جلا و خرمی می گیرد. (1)

4. احترام

انسان های رشدیافته شناخت دقیقی از موقعیت خود در اجتماع دارند و این موقعیت و شناخت نسبت به آن زمانی به دست می آید که شخص از ناحیه ی خود و دیگران مورد تکریم قرار گیرد. مزلو (2) روان شناس انسان گرا یکی از سلسله نیازهای انسان را نیاز به احترام (3) می شمارد؛ احترام از ناحیه ی خود شخص به صورت احساس خودارزشمندی که مایه ی عزت نفس است و از ناحیه ی دیگران. با آورده شدن نیاز به عزت نفس، شخص به قابلیت، ارزشمندی و کارآمدی خود اطمینان پیدا می کند و در سایه ی این اطمینان در تمام جنبه های زندگی خود کارآمدتر و مولدتر می شود و در غیر این صورت احساس حقارت و بی پناهی و دلسردی می کند. (4) خانواده، از آن جا که بیشترین مدت ارتباطی و نزدیک ترین روابط برای اشخاص در فضای آن صورت می گیرد، می تواند احساس عزت نفس را در شخص بهتر و بیشتر از هر گروه دیگری نهادینه نماید.

مزلو می گوید: آنچه نیاز به احترام از ناحیه ی دیگران را اهمیت می بخشد این است که اگر قرار باشد احساس عزت نفس اصالت داشته باشد شرطش این است که همراه با احترام

ص: 114

1- محمد سبحانی نیا، جوان و آرامش، (قم: نشر مؤسسه بوستان کتاب، 1382)، به نقل از: مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص 326، ص 61.

Maslow -2

esteem -3

4- ر.ک: دوان شواتز، نظریه های شخصیت، ترجمه ی یوسف کریمی و...، (تهران: نشر ارسباران، 1383)، ص 365.

5. رضایت از روابط جنسی

از جمله مسائلی که عموم مردم از آن غافل اند، نقش روابط جنسی در زندگی زناشویی است؛ مسأله ای که در هر دو جنبه ی آسیب زایی و ایجاد نشاط تأثیر بسیار بالایی دارد.

در میان لذت های غریزی، هیچ لذتی با لذت جنسی برابری نمی کند؛ از همین رو در اسلام، به ارضای مشروع میل جنسی توصیه شده است... در سایه ی ارضای صحیح میل جنسی علاوه بر تأمین نیاز جنسی، فرد از لحاظ اخلاقی، فکری و روانی به آرامش می رسد و موجبات رشد و شکوفایی اش فراهم می گردد. اگر زن و شوهر از رابطه ی جنسی خود رضایت داشته باشند به احتمال قوی از زندگی خانوادگی خود نیز راضی، و اگر از رابطه ی جنسی ناخرسند باشند از زندگی خانوادگی نیز ناخرسند خواهند بود. (2)

مشکل جنسی زیربنای بسیاری از مشکلات و دشواری های خانوادگی است: زن و مرد وقتی به طور صحیح ارضا نشوند به جای وصول به آرامش و سکون دچار تنش و عصبیت می شوند و همین امر موجب بروز درگیری ها و اصطکاک فراوانی می گردد. بنابراین، کیفیت روابط جنسی تأثیری مستقیم بر کیفیت روابط و نشاط خانواده دارد.

6. آراستگی

آراستگی از ضروریات زندگی، پاسخ به حس ارزشمندی و حرمت خود و نوعی احترام

ص: 115

1- ر. ک: همان، ص 366.

2- عوامل سازگاری همسران (مجموعه مباحث خانواده، ش 43)، (قم: چاپ مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره))، ص 10.

به دیگران است که به علت تحسین برانگیزی آن و فطرت زیبایی دوستی انسان ها باعث جلب توجه مثبت دیگران در قالب بازخوردهای آگاه و ناخودآگاه است.

متأسفانه در خانه به این مسئله کمتر توجه می شود در حالی که اگر نگوئیم اهمیت آن در خانه بیشتر از اجتماع است، یقیناً کم تر نیست. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) هرگاه می خواستند به خانه بازگردند مسواک می زدند و خود را به بهترین عطرها خوشبو می کردند و می آراستند. (1) رعایت آراستگی در خانه، علاوه بر این که به علت پاسخ به حس زیبایی خواهی باعث اقبال بیشتر اهل خانه به هم می شود، با توجه به جامعه ی صدرنگ امروزی ضرورتی دو چندان دارد و بی توجهی به آن ممکن است خانواده را با آسیب های جدی مواجه سازد و توجه به آن دارای پیامدهای مثبت است.

7. برنامه ریزی

برای پرهیز از افراط و تفریط در امور، باید در زندگی برنامه داشته باشیم؛ برنامه ای که جامع دورترین افق های زندگی و تمام ساعات شبانه روز باشد. در برنامه ریزی، چه در برنامه های روزانه و چه دراز مدت، باید به نشاط برانگیزی آن که انرژی لازم برای سایر فعالیت ها را تأمین می کند توجه شود. امام کاظم (علیه السلام) می فرماید:

تلاش کنید شبانه روزتان را به چهار قسمت تقسیم کنید: بخشی را به کار و تلاش اختصاص دهید؛ قسمتی را به عبادت خداوند بگذرانید؛ بخش سوم را به کسب دانش واگذارید و بخش چهارم را صرف خوشی های حلال و پسندیده کنید و با این (بخش چهارم) می توانید از عهده ی سه تای دیگر برآید. (2)

ص: 116

-
- 1- عباس شاملی، سرنخهای روان شناختی برای شادتر و مهربان تر زیستن، (قم: چاپ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی)، ص 2.
 - 2- مهدی مهریزی، «شادابی و دین داری»، پیش شماره حدیث زندگی، بهار 1379 (مقاله ی شادابی و دینداری)، ص 22.

اگر به زندگی افراد موفق نگاه کنیم می بینیم که نهایت اهتمام را به برنامه ریزی و توجه لازم را به برنامه های تفریحی داشته اند. حضرت امام خمینی (ره) می فرمایند: من در طول زندگی نه یک ساعت تفریح را برای درس گذاشتم و نه یک ساعت درس را برای تفریح.

8. تفریح

از آن جا که رسیدن به اهداف در سایه ی تلاش و کوشش میسر است، بعضی افراد، تفریح را حتی در حد ضروری هم نمی پذیرند و آن را نوعی بی کاری، بی هدفی و ابطال وقت می پندارند و حتی افرادی که به ضرورت تفریح آگاه اند در مشغولیات زندگی از این ضرورت غافل می شوند. تفریح به صور مختلف نیروی لازم برای زندگی را فراهم می کند؛ از جمله باعث می شود انسان کمی از کار روزمره ی خود فاصله بگیرد و در نتیجه راحت تر درباره ی آن بیندیشد و هنگام بازگشت به سر کار خود، با روحیه و انرژی بهتری به کارش ادامه دهد. (1)

نکته ی دیگری که باید متذکر شد این که برخی نفس کار را تفریح می دانند، ضمن تأیید این مطلب که کار خود یکی از عوامل نشاط است، در عین حال باید دانست «کار اسمش کار است، و این با تفریح به معنای خاص آن تفاوت دارد، در تفریح هیچ وظیفه ای به عنوان کار وجود ندارد و فقط حالت لذت بخشی و شادی آفرینی وجود دارد». (2)

ص: 117

-
- 1- ویم مک کنزی، راهنمای پزشکی خانواده، افسردگی، ترجمه ی محمد معمار زاده، (مشهد: نشر امامت)، ص 52.
 - 2- مهدی صفورائی، تفریح و نقش آن در سلامت روان خانواده (از سلسله مباحث خانواده)، (قم: مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره))، ص 3.

9. شادمانی

دیل کارنگی در کتاب رمز موفقیت می گوید: شما هر وقت خواستید احساس خاصی را در خود پایدار سازید کاری را بکنید که اگر آن احساس طبعاً به شما دست می داد خود به خود آن کار را می کردید؛ مثلاً اگر خواستید احساس خوش بختی کنید خود را واقعاً خوش بخت بدانید و با نشاط و خرم و خندان باشید... خود به خود خواهید دید که واقعاً خوش بخت و مسرور شده اید؛ زیرا شما وقتی مانند یک آدم خوش بخت قدم برداشتید به زودی احساس خواهید کرد که یک آدم واقعاً خوش بخت هم هستید. (1)

اگر می خواهیم گرفته و بی حوصله نباشیم باید به کارهایی پردازیم که در صورت نشاط به آنها می پرداختیم. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

السرور يبسط النفس و يثير النشاط؛ (2) یعنی خوشحالی مایه ی انبساط روان و امری نشاط برانگیز است.

الغم يقبض النفس و يطوي الانبساط؛ (3) غصه نفس را در تنگنا می نهد و انبساط روان را در هم می پیچد.

10. اختصاص وقت

رسول گرامی اسلام که جاری کلامش از زلال وحی است و دور از هر گونه خطا، درباره ی اهمیت اختصاص وقت به خانواده این گونه می فرماید:

نشستن مرد نزد همسر و عیالش در پیشگاه خداوند از اعتکاف در مسجد من محبوب تر است. (4)

ص: 118

1- محمد رضا شرفی، همان، ص 100.

2- تمیمی آمدی، غرر الحکم، (قم: انتشارات دفتر تبلیغات، 1366)، ص 319، ح 7391.

3- تمیمی آمدی، غرر الحکم، (قم: انتشارات دفتر تبلیغات، 1366)، ص 321، ح 7455.

4- ارتباط کلامی بین همسران (از سلسله مباحث خانواده، ش 33)، (قم: چاپ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره))،

امروزه اوقات اعضای یک خانواده در غفلت از هم سپری می شود؛ محدودیت های شغلی، دغدغه های فکری، سرگرمی های فردی، انفجار اطلاعات که توجه بسیاری را به خود جلب کرده، رسانه ها و... اموری هستند که روابط بین انسان ها، فامیل، همسایه و حتی خانواده ها را تحت الشعاع خود قرار داده و کم رنگ نموده اند. به همین جهت کارشناسان مسائل خانواده، توصیه و تأکید می کنند که در هر فرصت ممکن با همسر و اعضای خانواده ارتباط کلامی و عاطفی برقرار گردد و در روز یا در هفته زمان مشخصی را برای گفتگو درباره ی مسائل و مشکلات و درد دل کردن با همسران در نظر گرفته شود. (1) از مطلوب ترین اشکال ارتباط انسانی اختصاص وقت است؛ در این گونه اوقات مسائل و مشکلات زندگی یادآوری می شود که این خود به اعتقاد روان شناسان موجب کاهش شدت اضطراب و تخفیف آلام روحی می شود. (2)

11. مثبت نگری

لازم است نهایت توجه و همت خود را به کار گیریم تا نکات قوت و مثبت زندگی و افراد خانواده را ببینیم، چرا که آرامش خاطر و خوشی در زندگی تا حدود زیادی به طرز تفکر و نگاه ما به قضایا بستگی دارد. روان شناسان ارزیابی شناختی را یکی از عوامل مؤثر بر فشار روانی می شمارند. (3) با خوش بینی و اعتقاد عمیق به این موضوع، علی رغم مشکلات و سختی های موجود بر سر راه زندگی، اوضاع سر و سامان می گیرد. گلمن (روان شناس) خوش بینی را روشی می داند که مردم بر اساس آن موفقیت ها و شکست های خود را

ص: 119

-
- 1- حمید رضا شاکرین و همکاران، همان، ص 277.
 - 2- محمد رضا شرفی، همان، ص 103.
 - 3- علی اصغر احمدی و حمزه گنجی، همان، ص 137.

توصیف می کنند. فرد خوش بین هر شکست را پدیده ای تغییرپذیر می بیند و معتقد است که بار دیگر می تواند موفق شود در حالی که فرد بدبین به هنگام شکست خود را سرزنش می کند و ناکامی را ناشی از برخی خصوصیات شخصی خود و تغییرناپذیر می داند. (1)

ص: 120

1- دانیل گلن، هوش عاطفی، ترجمه ی حمید رضا بلوچ، (نشر جیجون، 1379)، ص 143.

- آیا انتساب مسجد مقدس جمکران به امام زمان (عج) از مبانی تاریخی متقنی برخوردار است؟

فیروز صمدی

- آیا مسجد مقدس جمکران آثار و برکاتی در طول تاریخ داشته که نشانه‌ی توجه حضرت امام عصر (عج) به آن باشد؟

یدالله حاجی زاده

ص: 122

در نزد مسلمانان، برخی اماکن دارای تقدس و جایگاه معنوی خاصی هستند. از جمله ی این اماکن، مسجد مقدس جمکران است، که در این قسمت به تاریخ و چگونگی احداث و برخی کرامات آن اشاره می شود.

یکی از مکان های مقدس و منتسب به امام زمان (عج) مسجد مقدس جمکران است که در شش کیلومتری شهر مذهبی قم قرار دارد. این مسجد بیش از یک هزار سال پیش به فرمان آن حضرت در بیداری - نه در خواب - تأسیس گردید که جلوه گاه عنایات و کرامات امام زمان (عج) و میعادگاه منتظران و شیفتگان قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله) است.

مرحوم میرزا حسین نوری در کتاب نجم الثاقب (1) درباره ی تاریخچه ی تأسیس مسجد جمکران چنین می نویسد:

شیخ فاضل حسن بن حسن قمی، معاصر شیخ صدوق، در کتاب تاریخ قم از کتاب مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین (از تألیفات شیخ صدوق) بنای مسجد جمکران را به این عبارت نقل کرده است:

شیخ عفیف صالح حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه 17 ماه مبارک سال 393 هـ - ق در خانه ی خود خوابیده بودم که ناگاه جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند برخیز و خواسته ی امام مهدی (عج) را اجابت کن که تو را می خواند. آنها مرا به محلی که اکنون مسجد (جمکران) است آوردند.

حضرت مهدی مرا به نام خواندند و فرمودند: «برو به حسن بن مسلم بگو: این جا زمین شریفی است و حق تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده و شریف کرده است تو آن را گرفته به زمین خود ملحق کرده ای...».

ص: 124

1- این کتاب به دستور میرزای شیرازی توسط میرزا حسین نوری به رشته ی تحریر درآمد و میرزای شیرازی در تقریظ خود از آن تمجید کرده و نوشته: «این کتابی است در نهایت تمامیت و متانت...». ر. ک: میرزا حسین طبرسی نوری، نجم الثاقب، (قم: انتشارات مسجد جمکران، چ نهم، 1384 ش)، ص 5.

حسن بن مثله عرض کرد: سید و مولای من! مرا در این باره نشانی لازم است؛ زیرا مردم سخن مرا بدون نشانه و دلیل نمی پذیرند. امام فرمودند: «تو برو رسالت خود را انجام بده، ما در این جا، علامتی می گذاریم که گواه گفتار تو باشد. برو به نزد سید ابوالحسن و بگو تا بیاید و آن مرد را بیاورد و منفعت چندساله را از او بگیرد و به دیگران دهد تا بنای مسجد بنهند و باقی وجوه را از رهق(1)

به ناحیه ی اردهال که ملک ماست، بیاورد و مسجد را تمام کند و نصف رهق را بر این مسجد وقف کردیم که هر ساله وجوه آن را بیاورند و صرف عمارت مسجد کنند. مردم را بگو تا به این (مکان روی بیاورند) و چهار رکعت نماز در این جا بگذارند: دو رکعت تحیت مسجد در هر رکعتی یک بار سوره ی حمد و هفت بار سوره ی «قل هو الله احد» [بخوانند] و تسبیح رکوع و سجود را هفت بار بگویند؛ و دو رکعت نماز صاحب الزمان بگذارند، (به این ترتیب) که در هنگام خواندن سوره ی [حمد چون به (ایک نعبد و ایک نستعین) برسند، آن را صد بار بگویند و بعد از آن، فاتحه را تا آخر بخوانند. رکعت دوم را نیز به همین طریق انجام دهند، تسبیح رکوع و سجود را نیز هفت بار بگویند. هنگامی که نماز تمام شد، تهلیل (لااله الاالله) بگویند و تسبیح فاطمه ی زهرا(علیها السلام) را بگویند. آن گاه سر بر سجده نهاده، صد بار صلوات بر پیغمبر و آلش بفرستند». پس از آن، حضرت به من اشاره کردند که برو! چون مقداری راه پیمودم، مرا صدا کردند و فرمودند: «در گله ی جعفر کاشانی (چوپان) بُزی است، باید آن بز را بخری؛ اگر مردم پولش را دادند با پول آنان خریداری کن و گرنه پولش را خودت بپرداز. فردا شب آن بز را بیاور و در این

ص: 125

1- رهق از قراء معروف و معمور، و به کاشان نزدیک تر از قم است، لکن از توابع قم است، تقریباً به مسافت ده فرسخ. به نقل از: کچوبی قمی، انوارالمشعشعین، (قم: انتشارات کتابخانه ی آیه الله مرعشی نجفی، چ اول، 1381 ش)، ج 1، ص 470، پاورقی؛ و میرزا حسین نوری، همان، ص 391.

(محل) قربانی کن و گوشت آن را بر بیماران و کسانی که مرض صعب العلاج دارند انفاق کن که حق تعالی همه را شفا دهد. آن بز ابلق است، موهای بسیار دارد، هفت نشان سفید و سیاه، هر یکی به اندازه ی یک درهم، در دو طرف آن؛ سه نشان در یک طرف و چهار نشان در طرف دیگر است». آن گاه به راه افتادم. (1)

حسن بن مثله می گوید: من به خانه رفتم و همه ی شب را در اندیشه بودم تا صبح طلوع کرد، نماز صبح خواندم، به نزد علی منذر رفتم و قضیه را با او در میان نهادم و همراه علی منذر به جایگاه دیشب رفتیم. پس او گفت: به خدا سوگند که نشان و علامتی را که امام فرموده بود، این جا نهاده است و آن، (این حدود مسجد) با میخ ها و زنجیرها مشخص شده است. آن گاه به نزد سید ابوالحسن الرضا رفتیم. چون به سرای وی رسیدیم، غلامان ایشان گفتند: شما از جمکران هستید؟ گفتیم: آری. پس گفتند: از اول (صبح) سید ابوالحسن در انتظار شماست به حضورش رسیدیم. گفت: ای حسن بن مثله! من خوابیده بودم شخصی در عالم رؤیا به من گفت: شخصی به نام حسن بن مثله، بامدادان از جمکران پیش تو خواهد آمد، آن چه بگوید اعتماد کن و گفتارش را تصدیق کن. از خواب بیدار شدم و تا این ساعت در انتظار تو بودم.

حسن بن مثله داستان را مشروحاً برای او نقل کرد. سید ابوالحسن دستور داد بر اسب ها زین نهادند و به سوی ده جمکران رهسپار گردیدند. چون به نزدیک ده رسیدند، جعفر (چوپان) را دیدند که گله اش را در کنار راه به چرا آورده بود. حسن بن مثله به میان گله رفت و آن بز که از پشت گله می آمد به سویش دوید. حسن بن مثله آن بز را گرفت. سپس آن را به جایگاه آوردند و سر بریدند. سید ابوالحسن به محل معهود آمد و حسن بن مسلم را احضار کرد و منافع زمین را گرفت. آن گاه وجوه رهق را نیز از اهالی آن جا گرفتند و به

ص: 126

بنای مسجد پرداختند. سید ابوالحسن الرضا، زنجیرها و میخ‌ها را به قم آورد و در خانه‌ی خود نگه‌داری کرد و هر بیمار صعب‌العلاجی اگر خود را به زنجیرها می‌مالید، شفا می‌یافت. (1)

ابوالحسن محمد بن حیدر گفت: به طور مستفیض شنیدم، پس از آن که سید ابوالحسن الرضا وفات کرد و در محله‌ی موسویان (خیابان آذر فعلی) مدفون شد، یکی از فرزندان بیمار گردید، داخل اطاق شد، سر صندوق را برداشت، ولی زنجیرها و میخ‌ها را نیافت. (2)

بررسی منابع در تأیید تأسیس مسجد جمکران

1. مرحوم شیخ صدوق (متوفای 381 هـ-ق) داستان تأسیس جمکران را در کتاب مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین مشروحاً بیان کرده است. (3)

2. حسن بن محمد بن حسن قمی، معاصر شیخ صدوق، صاحب کتاب تاریخ قم، تفصیل قضیه‌ی مسجد جمکران را از کتاب شیخ صدوق نقل کرده است. (4)

3. مولی محمد باقر مجلسی (متوفای 1110 هـ-ق) در مورد کتاب تاریخ قم می‌نویسد: کتاب معتبری است، ولی نسخه‌ی عربی آن را ندیدم، بلکه ترجمه‌ی فارسی آن را مشاهده کردم. (5)

4. محدث بزرگ، سید نعمت‌الله جزایری ترجمه‌ی فارسی کتاب تاریخ قم را مشاهده و

ص: 127

1- میرزا حسین نوری، همان، ص 383 - 388؛ و محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ط. الثالثه، 1403 هـ-ق)، ج 53، ص 230 - 233؛ و ناصر الشریعه، تاریخ قم، (قم: چاپ حکمت، بی تا)، ص 148 - 152.

2- میرزا حسین نوری، همان، ص 387.

3- شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، (طهران: اسلامیه، ط. الاولى، 1354 ش)، ج 23، ص 383.

4- شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، (طهران: اسلامیه، ط. الاولى، 1354 ش)، ج 23، ص 282.

5- محمدباقر مجلسی، همان، ج 1، ص 42.

قضیه ی بنای مسجد مقدس جمکران را با خط خود از آن نقل کرده است. (1)

5. میرزا عبدالله افندی اصبهانی، (متوفای 1113 ه-ق) نسخه ای از ترجمه ی فارسی کتاب تاریخ قم را در قم مشاهده و گزارش آن را در تألیف خود، ریاض العلماء، ذکر کرده است. (2)

6. سید امیر محمد اشرف (متوفای 1145 ه-ق) معاصر علامه مجلسی، متن عربی کتاب تاریخ قم را مشاهده و از آن نقل نموده است. (3)

7. متن عربی تاریخ قم به دست آقا محمد علی کرمانشاهی، فرزند وحید بهبهانی، (متوفای 1216 ه-ق) رسیده و وی در حاشیه ی خود بر کتاب نقد الرجال تفرشی، خلاصه ی قضیه را از نسخه ی عربی آن نقل کرده است. (4)

8. محدث بزرگ، میرزا حسین نوری (متوفای 1320 ه-ق) داستان و قضیه ی حسن بن مثله را از ترجمه ی تاریخ قم، از دست خط سید نعمت الله جزایری، در کتاب جنه المأوی آورده است. (5)

با توجه به منابع فوق می توان گفت، گرچه منبع اول قضیه ی تأسیس مسجد جمکران، یعنی کتاب مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین، در طول زمان مفقود شده، ولی حسن بن محمد بن حسن قمی، معاصر شیخ صدوق، که به کتاب و مؤلف شریف آن دست رسی داشته در کتاب تاریخ قم از آن کتاب نقل نموده و دیگران در قرون بعدی نسخه ی عربی و ترجمه ی فارسی آن را مشاهده و از آن نقل کرده اند.

ص: 128

1- میرزا حسین نوری، جنه المأوی، (بیروت: دار المحججه البيضاء، ط. الاولى، 1412 ه-ق)، ص 47؛ و محمدباقر مجلسی، همان، ج 53، ص 234.

2- میرزا عبدالله افندی، ریاض العلماء، تحقیق: سید احمد حسینی، (قم: مطبعه الخیام، 1401 ه-ق)، ج 1، ص 319.

3- محمدباقر مجلسی، همان، ج 53، ص 234؛ و میرزا حسین نوری، همان، ص 47.

4- محمدباقر مجلسی، همان، ج 53، ص 236 و میرزا حسین نوری، همان.

5- محمدباقر مجلسی، همان، ج 53، ص 236 و میرزا حسین نوری، همان.

آیت الله العظمی مرعشی نجفی در تأیید نسبت مسجد جمکران به امام زمان (عج) می فرماید:

این مسجد شریف مورد احترام کافه ی شیعه بوده است، از غیبت صغری تا به امروز که حدود یک هزار و بیست و دو سال می شود و همین طور که شیخ بزرگوار مرحوم صدوق کتابی به نام مونس الحزین دارند که حقیر آن نسخه را ندیده ام ولی مرحوم آقای حاج میرزا حسین نوری، استاد حقیر از آن کتاب نقل می فرماید، و بالجمله این مسجد مقدس مورد احترام علمای اعلام و محدثین کرام شیعه بوده و کرامات متعددی از مسجد جمکران دیده شده است.⁽¹⁾

آیه الله مرتضی حائری می نویسد:

مسجد جمکران یکی از آیات باهرات عنایت آن حضرت است و توضیح این مطلب در ضمن چند جهت که شاید خیلی از آن غافل باشند مذکور می شود:

1. داستان آن در بیداری است و از کتاب تاریخ قم که معتبر است از مرحوم صدوق نقل شده است. مرحوم آقای بروجردی که مردی دقیق بود می فرمود این داستان در زمان صدوق واقع شده است و او نقل کرده است که دلالت بر کمال صحت آن دارد.

2. داستان مشتمل بر جریانی است که مربوط به یک نفر نیست برای این که صبح که مردم بیدار می شوند، می بینند با زنجیر علامت گذاشته شده است که این زنجیرها به درخواست خود شخص حسن به عنوان علامت مسجد کشیده

ص: 129

1- میرزا حسین نوری، همان، ص 46.

شده تا مردم باور کنند و این زنجیر مدتی در منزل سید محترمی به نام ابوالحسن الرضا بوده است و مردم استشفای آن می نموده اند و بعداً (بدون دلیل) مفقود می شود.

3. جای دور از شهر و در وسط بیابان، جایی نیست که مورد جعل یک مرد جمکرانی شود، آن هم دست تنها، در یک شب ماه رمضان.

4. نوعاً مردم عادی به واسطه ی خواب، یک امام زاده را معین می کنند و مسجد از تصور مردم عادی دور است.

5. اگر پیدایش این مسجد روی احساسات مذهبی و علاقه ی مفرط به حضرت صاحب الامر بود، باید [دستور العمل آن] سراسر توسل به آن بزرگوار باشد و در همین اوان مردم بیشتر زیارت حضرتش را در آن مسجد قرائت می کنند و متوسل به آن بزرگوار می شوند، در صورتی که در این دستور معنوی اصلاً اسمی از حضرت نیست، حتی تا به حال بیشتر معروف به مسجد جمکران است، نه مسجد صاحب الزمان.

6. متن دستور موافق با أدله ی دیگری است؛ برای این که هم تحیت مسجد وارد شده است و هم نماز صد بار (ایک نعبد و ایک نستعین) و هم تهلیل و هم تسبیح فاطمه ی زهرا و صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) و آل او.

7. در آن موقع که زمین این قدر بی ارزش بوده است فقط مساحت کوچکی (به آن اختصاص داده) حدود سه چشمه از مسجد فعلی است که در زمان ما خیلی بزرگ شده است. [\(1\)](#)

از این رو می توان گفت که این مسجد به یقین به دستور آن حضرت (عج) بنا گردیده و مورد عنایت و توجه ویژه ای است و شبهه افکنی درباره ی اماکن مقدسی نظیر مسجد

ص: 130

1- شیخ مرتضی حائری، سر دلبران، (قم: دفتر نشر برگزیده، چ اول، 1377 ش)، ص 249 - 250.

جمکران با اهداف خاص و نشانه گرفتن عقاید مردم است. این نگرش‌ها ریشه در اندیشه‌های استعماری دشمنان اسلام دارد که در طول تاریخ با ترفندهای مختلف اندیشه‌ی ناب مهدویت و موعودگرایی را نشانه گرفته و در تمام این مقاصد نا کام مانده‌اند. در طول تاریخ این گونه تفکرات حاصلی جز بدنامی و ننگ و شکست برای صاحبان آن نداشته است که امید می‌رود مایه‌ی عبرت دیگران باشد.

آیا مسجد مقدس جمکران آثار و برکاتی در طول تاریخ داشته که نشانه‌ی توجه حضرت امام عصر (عج) به آن باشد؟ / یدالله حاجی زاده

اشاره

* در فرهنگ اسلامی «مسجد» جایگاه ویژه‌ای دارد. اعتبار و اهمیتی که اسلام به مسجد داده به هیچ نهادی نداده است و اولین اقدام مهم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از هجرت به مدینه ساخت مسجد بود.

یکی از مساجدی که خصوصاً در نزد شیعیان اهمیت ویژه‌ای دارد و آثار و برکات فراوانی در طول تاریخ داشته «مسجد مقدس جمکران» است که به دستور امام زمان (عج) حدود ده قرن پیش در نزدیکی شهر مقدس قم بنا شده است. (1)

فضیلت نماز در مسجد جمکران

از عبادات مهمی که در این مسجد انجام می‌گیرد دو نمازی است که به توصیه‌ی حضرت

ص: 131

1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، (بیروت: مؤسسه الوفاء، چ دوم، 1403)، ج 53، ص 230 - 234.

ولی عصر (عج) زایران این مسجد به جا می آورند. در اهمیت این دو نماز همین بس که آن حضرت می فرماید:

فَمَنْ صَلَّى هُمَا فَكَانَ مَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛⁽¹⁾ هر کس این دو نماز را بخواند، گویی در خانه ی کعبه نماز خوانده است.

ملاقات با امام زمان (عج)

از زمان بنای مسجد جمکران (373 هـ- ق) تا به امروز هزاران نفر از مشتاقان دیدار ولی عصر (علیه السلام) به وصال معشوق خویش رسیده اند که گوشه هایی از این ملاقات ها در کتاب های زیادی که در این باره نوشته شده، انعکاس یافته است. مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی (رحمه الله) می فرماید:

حضرت صاحب الزمان (عج) در این مسجد به طور مکرر دیده شده است.⁽²⁾

شایان ذکر است که همواره لازم نیست ادعای ملاقات با امام زمان (علیه السلام) مورد انکار قرار گیرد. چون در توقیعی که امام زمان (علیه السلام) به آخرین نایب خویش در زمان غیبت صغری نوشته اند، تنها افرادی را که «به عنوان نایب خاص» ادعای مشاهده ی حضرت را کرده اند، دروغ گو معرفی شده اند.⁽³⁾

یکی از علمایی که چندین بار خدمت امام زمان (عج) رسیده مرحوم میرزا تقی زرگری تبریزی است.

یک صبح پنج شنبه ای، وی با حالت خوشی به طرف مسجد مقدس جمکران حرکت می کند. عده ای از دوستان او که منتظرش بودند گمان می کنند که آقای زرگری نیامده است. از طلایی که از مسجد می آمدند می پرسند: شما آقای

ص: 132

1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، (بیروت: مؤسسه الوفاء، چ دوم، 1403)، ج 53، ص 231.

2- علی رفیعی، بر ستیغ نور، (قم: کتابخانه ی آیت الله مرعشی، چ دوم، 1375)، ص 94.

3- محمدباقر مجلسی، همان، ج 51، ص 361.

زرگری را ندیده اید؟ آنها می گویند: چرا، او با سید بزرگواری به طرف مسجد جمکران می رفت. رفقای ایشان به طرف مسجد جمکران می روند وقتی وارد مسجد می شوند، می بینند او در مقابل محراب افتاده و بیهوش است. او را به هوش می آورند و از او می پرسند چرا بیهوش شدی؟ او می گوید: من دیدم حال خوشی دارم لذا تنها به طرف مسجد جمکران حرکت کردم. در راه با حضرت بقیه الله مناجات می کردم تا به مقابل محراب مسجد رسیدم و در همین حین اشعاری قرائت می کردم و اشک می ریختم. ناگهان صدایی از طرف محراب بلند شد و پاسخ مرا داد. من طاقت نیاوردم و از هوش رفتم. معلوم شد که تمام راه در خدمت حضرت بقیه الله (علیه السلام) بوده است. (1)

حکایت دیگر مربوط است به حضرت آیت الله محمد تقی بافقی:

ایشان در دوره ی مرجعیت حضرت آیت الله حائری یزدی (ره) مقسم شهریه ی طلبه ها بوده است. طلبه ها از ایشان درخواست عبا ی زمستانی می کنند. ایشان مسئله را با آیت الله حائری در میان می گذارد. آیت الله حائری می گوید: من (جز توسل) راهی ندارم که از آن حضرت بگیرم. آیت الله بافقی عرض می کند: من ان شاء الله از حضرت می گیرم. شب جمعه به مسجد جمکران می رود و روز جمعه بر می گردد و به مرحوم حائری می گوید: حضرت صاحب الزمان (عج) وعده فرمودند که فردا چهارصد عبا مرحمت می فرمایند. روز شنبه (یک روز بعد) یکی از تجار چهار صد عبا می آورد که

ص: 133

1- سیدعلی اکبر صداقت، مسجد جمکران، (قم: دفتر تبلیغات، بی تا)، ص 16.

توجه امام زمان (عج) به زایران مسجد جمکران

قطعاً از جمله کسانی که مورد عنایت و توجه خاص حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) هستند زایران این مسجد مقدس اند و اصولاً بنای این مسجد در جهت عنایت خاص آن حضرت بوده است. آیت الله حائری می گوید: این مسجد از عنایات خاصه ی حضرت صاحب الزمان است. (2) حکایتی نقل شده است از سید شریف، سید مرتضی حسنی معروف به ساعت ساز قمی که از اشخاص باحقیقت و متدین شهر قم و به نیکی و پارسایی مشهور و معروف که: شب پنج شنبه ای در فصل زمستان که هوا بسیار سرد و برف زیادی هم روی زمین قریب به نیم متر نشسته بود، ناگاه به خاطر آمد که شب پنج شنبه و موسم رفتن مرحوم باقمی به مسجد جمکران است. با خود گفتم که حتماً با این هوا و برف امشب به مسجد نمی روند. لکن دلم طاقت نیاورد. بعد از جستوجو متوجه شدم که ایشان با چند نفر از طلاب به سمت مسجد جمکران رفته اند. به طرف مسجد جمکران حرکت کردم اما یک نانوا در میدان میر به من گفت بیخود نرو، چون به آنها قطعاً نخواهی رسید و شاید الان، اگر به خطری برنخورده باشند، نزدیک مسجد باشند. اما من نگران بودم از این که با این شدت سرما و برف پیش آمدی برای آنان رخ داده باشد. ولی چاره ای نداشتم و به خانه مراجعت کردم و پیوسته پریشان بودم به طوری که اهل خانه ام از پریشانی من مضطرب و اندوهناک بودند. همان شب در خواب

ص: 134

1- محمد محمدی اشتهاردی، حضرت فاطمه ی معصومه ی دوّم، (قم: نشر علامه، چ اول، 1375)، ص 198.

2- حسین کریمی قمی، آئینه ی اسرار، (قم: نشر مسجد مقدس جمکران، 1379)، ص 35.

حضرت صاحب الزمان (عج) را دیدم که وارد منزل شدند و به من فرمودند: سید مرتضی چرا مضطربی؟ وقتی علت را گفتم، حضرت فرمودند: سید مرتضی گمان می کنی که من از حال شیخ بی خبرم؟ الان رفته مسجد و وسایل استراحت او و اصحابش را فراهم کردم. سید مرتضی می گوید: صبح زود برخاستم و به تفحص صدق این خواب برآمدم تا رسیدم به یکی از همراهان مرحوم بافقی و به عجله گفتم: قضیه و چگونگی رفتن و وسایل آنجا را برایم تعریف نما. او گفت: بلی دیشب حاج شیخ ما را برداشته و به مسجد جمکران روان شدیم و هوا بسیار سرد و برفی بود، ولی وقتی از شهر خارج شدیم، یک حرارت و شوق دیگری داشتیم تا به مسجد رسیدیم. وقتی به مسجد رسیدیم متحیر بودیم که شب را از سرما چگونه به روز بیاوریم. ناگاه جوان سیدی وارد شد و به حاج شیخ بافقی گفت: می خواهید کرسی و لحاف و آتش برایتان حاضر کنم؟ ایشان گفتند: اختیار با شماست. آن سید از مسجد بیرون رفت ولی چند دقیقه ای طول نکشید که برگشت و با خود آن وسایل را آورد... سید مرتضی گفت: من می دانم آن سید جوان کی بود... و الحمدلله که دیدم و فهمیدم که مولایم از حاج شیخ محمد تقی بافقی غافل نیست. (1)

ص: 135

مسجد جمکران در طول تاریخ همواره مورد توجه علما و شیعیان بوده است. عده ی زیادی با تشرّف به این مکان شریف و توسل به حضرت مهدی (علیه السلام) حاجات خود را گرفته اند. مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی می فرماید:

حقیر خود مکرر کراماتی از آنجا مشاهده کرده ام. چهل شب چهارشنبه مکرر موفق شدم که در آن مسجد بیتوته کنم و حاجات خود را بگیرم. جای تردید نیست که این مسجد از مکان هایی است که مورد توجه و محل نزول برکات الهی است و پس از مسجد سهله که در کوفه به وجود حضرت ولی عصر منتسب است، بهترین جایی است که به امام زمان (عج) انتساب دارد. [\(1\)](#)

آیت الله دیباجی می فرماید:

هر وقت برای خودم یا یکی از دوستان مشکلی پیش آمد کند، راهی مسجد مقدس جمکران می شوم. بارها از این مسجد شریف کراماتی دیده و شنیده ام. [\(2\)](#)

آیت الله محسنی ملایری می فرماید: بزرگانی مانند مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، مرحوم آیت الله بروجردی، مرحوم آیت الله حجّت و مرحوم آیت الله گلپایگانی توجه خاصی به مسجد مقدس جمکران داشتند و همواره در مشکلات حوزه به آن مکان مقدس پناه می بردند و حل مشکلات خود را می یافتند. [\(3\)](#)

آیت الله فاضل لنکرانی فرمودند:

ص: 136

1- علی رفیعی، همان، ص 14 - 95.

2- سید جعفر میرعظیمی، مسجد مقدس جمکران، (قم: نشر مسجد مقدس جمکران، چ هشتم، 1376)، ص 53.

3- سید جعفر میرعظیمی، مسجد مقدس جمکران، (قم: نشر مسجد مقدس جمکران، چ هشتم، 1376)، ص 61.

هر وقت برای حضرت آیت الله بروجردی مشکلی پیش می آمد، مرحوم پدرم که خود از عاشقان امام زمان (عج) بود و علاقه ی زیادی به مسجد مقدس جمکران داشت به محضر آقا عرض می کرد: یک قربانی برای مسجد جمکران بفرستید تا دفع مشکل شود. (1)

آیت الله نوری همدانی در همین باره می فرماید:

«چند سال پیش یکی از دوستان بنده درد پای شدیدی عارضش شد به طوری که از چند قدم راه رفتن عاجز بود. بعضی از اطبّا گفته بودند برای مداوا و معالجه باید روی پای او عمل جراحی صورت گیرد و تازه معلوم نیست که عمل نتیجه بخش باشد. یک شب چهارشنبه ای این بنده ی خدا به منزل ما آمد و سپس به مسجد جمکران رفت. هنگام صبح در حالی که خوشحال بود و پاهایش کاملاً خوب شده بود مراجعت کرد. (2)

در پایان این بحث حکایت کوتاه دیگری را از دریای عنایات حضرت صاحب الزمان (عج) که به مسجد مقدس جمکران مرتبط است از زبان آیت الله احمدی میانجی بیان می کنیم. ایشان به نقل از فردی می گوید:

پسر من مبتلا به بیماری سل شده بود و من خرج دکتر و دوا را نداشتم با پسر عریضه ای نوشته و به مسجد جمکران بردیم، نماز خواندیم و دعا کردیم و برگشتیم. دو روز بعد به تهران جهت معاینه به نزد دکتر رفتیم. وقتی دکتر معاینه کرد، گفت: بیچیه ات را برای چه آورده ای؟ گفتم: ایشان سل دارد. گفت:

ص: 137

-
- 1- سید جعفر میرعظیمی، مسجد مقدس جمکران، (قم: نشر مسجد مقدس جمکران، چ هشتم، 1376)، ص 51.
 - 2- سید جعفر میرعظیمی، مسجد مقدس جمکران، (قم: نشر مسجد مقدس جمکران، چ هشتم، 1376)، ص 57.

نه ایشان سالم است. من فهمیدم که از برکت امام زمان در مسجد جمکران پسر محمدلله خوب شده است. (1)

حضرت مهدی (عج) می فرماید:

ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می نمودند. (2)

ص: 138

-
- 1- سید جعفر میرعظیمی، مسجد مقدس جمکران، (قم: نشر مسجد مقدس جمکران، چ هشتم، 1376)، ص 63.
 - 2- محمدباقر مجلسی، همان، ج 53، ص 175 و علی بن ایطالب طبرسی، احتجاج، (بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چ دوم، 1403)، ج 2، ص 497.

- دخالت های استعماری انگلیس در ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟

امیر علی حسنیلو

- آیا دخالت های انگلیس در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی استعماری بوده است؟

یدالله حاجی زاده

ص: 140

دخالت های انگلیس در ایران

کشور پهناور و دیرپای ایران اسلامی با مردمانی خردمند و دل باخته ی اهل بیت (علیهم السلام)، دارای تمدنی کهن و درخشان، ذخایر معدنی و ثروت های فرهنگی غنی و گسترده و موقعیت استراتژیک و جغرافیایی بسیار حساس و مهم در خاورمیانه و جهان اسلام است که این سبب شده مورد توجه و طمع استعمارگران به ویژه انگلیس قرار گیرد.

در این بخش، نگاهی اجمالی به سیاست و عملکرد استعمارگران ی انگلیس، در قبال ایران قبل و بعد از انقلاب خواهیم داشت.

دخالت های اقتصادی و نظامی استعمارگران

آغاز روابط ایران با انگلیس حدوداً به دوره ی تیموریان برمی گردد. در عهد صفویان نیز روابط تجاری برقرار بود و بازرگانان انگلیسی در ایران حضور داشتند. انگلیسی ها برای حفظ مستعمرات خود و وسعت قلمرو آن تحرکات خود را در منطقه افزایش می دادند؛ از این رو پس از رقابت شدید آنها با فرانسه بر سر مسئله ی هندوستان و طرح های ناپلئون برای سهمی شدن در این کشور از طریق همسایگان آن، از جمله ایران، دولت استعماری انگلیس را بر آن داشت که در ایران نفوذ بیشتری داشته باشد و این خود موجب ضعف حاکمان ایران و دخالت های استعماری آنان شد. (1)

در دوره ی افشاریه نیز جنوب ایران مرکز فعالیت تجاری آنها بود. (2) کریم خان زند برای رونق تجارت، آزادی تجاری بیشتری به انگلیس داد؛ به طوری که در بوشهر هیچ رقیبی نداشتند و مرکز تجاری آنها به مرکز سیاسی تبدیل شد تا شیخ نشین های خلیج را نیز تحت نظر بگیرند. (3) اگرچه نتوانستند موافقت کریم خان زند را جهت تأسیس پایگاه در مناطق مرکزی جلب کنند (4) ولی بعدها نفوذ آنان به مناطق دیگر نیز سرایت کرد. (5)

ص: 142

-
- 1- سر پرسی سایکس، تاریخ ایران، ترجمه ی محمد تقی گیلانی، (تهران: دنیای کتاب، چ پنجم، 1370)، ج 2، ص 404 - 6 - 4.
 - 2- غلامرضا ورهام، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زندیه، (تهران: انتشارات معین، 1366)، ص 204 و رضا شعبانی، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه و زندیه، (تهران: سمت، چ اول، 1377)، ص 186 - 189.
 - 3- احمد فرامرزی، کریم خان زند و خلیج فارس، (تهران: چ اول، 1346)، ص 7.
 - 4- محمد هاشم آصف، رستم التواریخ، به کوشش محمد مشیری، (تهران: سپهر، چ دوم، 1352)، ص 282 - 386.
 - 5- محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن 19، (چاپ، پنجم، تهران: اقبال، 1333-1336)، ج 1، ص 5 - 10 و رضا شعبانی، همان، ص 190.

در دوره ی قاجار که ایران از جانب روسیه مورد تهاجم واقع می شد فرانسه از فرصت استفاده کرد تا ایران را در مقابل رقیب خود انگلیس قرار دهد؛ لذا در عهدنامه ی فین کین اشتاین ایران در قبال فرانسه متعهد شد که انگلیسی ها را از این کشور بیرون کند و به آنها اعلان جنگ بدهد؛⁽¹⁾ اما انگلیسی ها با تدابیر دوستانه سعی در حفاظت مستعمره ی ارزشمند خود (هندوستان) نمودند و سر جان ملکم را به عنوان سفیر به ایران اعزام کردند؛ (1215) او توانست امتیازات استعماری زیادی برای دولت متبوع خود کسب کند. با این که در سال 1221 روابط ایران با انگلیس قطع شد ولی انگلیسی ها پایگاه خود را در بصره و اطراف خلیج فارس حفظ نمودند. فرانسویان هر چند رابطه ی گرمی با دولت داشتند ولی به علت عدم وفاداری در بین مردم منفور بودند، و این برای انگلیسی ها موقعیت مناسبی بود، تا در خلیج فارس ایران را با قوای نظامی تهدید کنند. یکی از ترفندهای همیشگی انگلیسی ها برای گرفتن امتیاز، جوسازی و ارباب بود، لذا در این موقعیت سر هارفورد جونز به ایران آمد و دولت ایران با توجه به بحران های موجود و تهدید روس ها، مجبور به قبول سفیر انگلیس و رد سفیر فرانسه شد.⁽²⁾

آنها با انتقال برخی نیروهای خود به جنوب ایران و نفوذ در خلیج فارس و ایجاد رابطه با شیوخ محلی و امام مسقط، اهداف خود را دنبال می کردند؛ چنان که با اهداف سیاسی برای مدت 2 سال فرمان حکومت بندر عباس و جزایر قشم و هرمز و نواحی شمیل و میناب و بندر خمیر را از ناصر الدین شاه برای امام مسقط گرفتند (1272 ق) و پس از وفات امام

ص: 143

1- .. علی اصغر شمیم، ایران در دوره ی سلطنت قاجار، (مدبر، چ دوم، 1375)، ص 63.

2- علی اصغر شمیم، ایران در دوره ی سلطنت قاجار، (مدبر، چ دوم، 1375)، ص 238.

مسقط فرزندش را تحریک نمودند تا این جزایر را از حکومت ایران جدا کند ولی موفق نشدند.

پس از معاهده ی پاریس، نفوذ انگلیسی ها در ایران بیش تر شد به طوری که آنها توانستند فروش دخانیات را به خود اختصاص دهند که با هشیاری علمای شیعه و فتوای تاریخی میرزای شیرازی (رحمه الله) با آن مقابله شد. (1)

آنها همواره سعی در تجزیه ی ایران داشتند، چنان که در جنوب با حمایت از شیوخ منطقه و در کرمان و نواحی سیستان و بلوچستان با حمایت آقاخان کرمانی رهبر فرقه ی اسماعیلیه، قصد جداسازی این مناطق را از خاک کشور داشتند. (2)

قوای انگلیسی به بهانه ی سرکوب طوایف سیخ ساکن کنار رود سند، در بلوچستان حضور یافته، از رؤسای قبایل استقلال طلب و غافل بلوچ بر ضد دولت حمایت می کردند و مرزهای جنوب شرقی را ناامن می نمودند. سرانجام در سال 1260 / 1863 م به بهانه ی تأسیس تلگراف در جنوب ایران برای مرزهای ایران و افغانستان سرحدی طبق میل خود مشخص کردند و قسمتی از خاک ایران را در مشرق از کشور جدا کردند. (3)

انگلیسی ها از علاقه ی ناصر الدین شاه به تجدید فراش و سفر به فرنگ نهایت سود را برای گسترش آمال استعماری خود بردند و توانستند امتیازات زیادی در جهت غارت ذخایر و منابع ملی و فرهنگی ایران کسب کنند؛ مثل تأسیس بانک شاهنشاهی، تأسیس تلگراف، تأسیس خط آهن، استخراج معادن و فلزات و سنگ های گران قیمت و آثار باستانی، کشتی رانی در کارون و استخراج انواع فرآورده های دریایی که با سرمایه ی ملی ایران اجرا می شد و سود آن عاید شرکت های هند و اروپا (انگلیس) می گردید.

ص: 144

1- محمد رضا زنجانی، تحریم تنباکو، (تهران: فراهانی، بی تا)، ص 113.

2- علی اصغر شمیم، همان، ص 242.

3- علی اصغر شمیم، همان، ص 250 - 260.

پس از شانزده سال منازعه، مدت قرارداد فوق 60 ساله شد که طبق آن، معادن نفت و دیگر فلزات در تمام نقاط ایران به انگلیسی ها واگذار می شد. بر اساس این قرار داد، به بهانه ی کشف نفت حفاری در مناطق مختلف ایران آغاز شد و سرانجام چاه های نفت در مناطق جنوب کشف و توسط شرکت انگلیسی استخراج می شد و مبالغ کمی از درآمد آن بین قبایل منطقه تقسیم و بقیه به جیب شرکت های وابسته به دولت انگلیس می رفت. آنها با نفوذ تجاری در بین قبایل منطقه ی جنوب، قصد تجزیه و جدا کردن این منطقه ی حاصل خیز و سرشار از نفت را داشتند و در این راه جنگ های زیادی در این مناطق به راه انداختند و جنایات بی شماری را مرتکب شدند که از جمله ی آنها جنگ محمّره و تصرف خوزستان و بوشهر و خارک بود.⁽¹⁾

آنها با غارت ذخایر و منابع کشور و استثمار صنعتگران و تحصیل کردگان ایرانی و مدیریت بر آنان صنعت خودشان را به ایرانیان نمایاندند و این باعث شد که ایران سال ها بتواند به استقلال عملی دست یابد. استبداد حاکم بر ایران نیز در فراهم شدن چنین زمینه ای نقش اساسی داشت؛ بدین ترتیب که کلید اقتصاد ایران به دست آنها افتاد، به تدریج افسار سیاست نیز به آنها واگذار شد، و در اندک زمانی یگانه تاز ایران شدند و استقلال سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور را در دست گرفتند و رسماً ایران را به همسایه ی مستعمره (هندوستان) ملحق کردند و نقشه ی جغرافیایی و استراتژیکی ایران را به سود خود تغییر دادند و برای جدا کردن افغانستان از ایران، جزیره ی خارک و بندر بوشهر و خوزستان را به تصرف خود درآوردند و سرانجام طی تحمیل معاهده ی پاریس (1273 / 1857 م) و به موجب بند پنجم و ششم و هفتم آن، دولت ایران متعهد شد تمام خاک افغانستان را تخلیه و

ص: 145

1- علی اصغر شمیم، همان، ص 227 - 234.

از هر گونه ادعا نسبت به آن پرهیز کند. جدایی افغانستان در دوره ی صدارت میرزا آقا نوری که کاملاً به انگلیسی ها وابسته بود واقع شد. پس از این، در سراسر خلیج فارس و دریای عمان نفوذ دریایی برقرار گردید و تنها راه بازرگانی ایران از طریق دریای آزاد به دست انگلیس افتاد. (1)

دخالت های سیاسی فرهنگی

1. حمایت از ترویج و قدرت گرفتن فرقه ی اسماعیلیه و آقاخان کرمانی. (2)
2. دامن زدن به شورش های محلی در گرگان، اصفهان و کاشان برای دست برداشتن محمد شاه از هرات. (3)
3. دخالت در شورش های شرق خراسان که توسط طوایف قادریه (نقشبندیه) واقع شد. (4)
4. حمایت از تشکیل فرقه ی گمراه باییت در جنوب ایران، توسط سید علی محمد باب.
5. تشکیل مجموعه های سرّی نظیر آدمیت و فراماسون، برای جذب نخبگان و بد نام کردن آنها در بین مردم و اجرای اهداف خویش توسط آنها و تأثیر و نفوذ غیر مستقیم در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور. (5)
6. سعی در به انحراف کشاندن انقلاب مشروطه ی ایران، نفوذ در بین نمایندگان مجلس مشروطه (6) و سرکوب مبارزان و محافظان مشروطه.
7. تقسیم ایران به سه منطقه و تصرف قسمت وسیعی از خاک ایران طی قرار داد 1905

ص: 146

-
- 1- علی اصغر شمیم، همان، ص 234.
 - 2- علی اصغر شمیم، همان، ص 150.
 - 3- علی اصغر شمیم، همان، ص 147.
 - 4- علی اصغر شمیم، همان، ص 151.
 - 5- در این باره ر.ک: حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، (تهران: مؤسسه ی مطالعات و پژوهشهای سیاسی، چ سوم، 1370)، ج 2، ص 138 - 187.
 - 6- سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر، (قم: جامعه مدرسین، چ سوم، بی تا)، ج 1، ص 138.

8. تحمیل قرارداد ننگین 1919 که بر اساس آن ایران رسماً مستعمره ی انگلیس معرفی شد. (2) مفاد بندهای این قرارداد که به امضای وثوق الدوله و هیئت انگلیسی رسید تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و اقتصادی و نظامی ایران را به کلی از بین می بُرد. (3) در آمد نفت جنوب، گمرکات و مدیریت اجرایی تمام امور کشوری و لشکری و تعیین فرماندهان نظامی و سایر مسئولین به دست انگلیسی ها افتاد و مجلس مشروطه کاملاً به حاشیه رانده شد؛ بدین ترتیب انقلابی که صدها نفر از مردم و دانشمندان در راه پیروزی آن به شهادت رسیدند با دسیسه ی استعمارگران انگلیسی کاملاً منحرف و باطل شد. (4)

9. پس از قرار داد 1919 دخالت های استعماری انگلیسی در امور ایران افزایش یافت. آنها به راحتی توانستند علاوه بر پشت سر گذاشتن مجلس و مجلسیان مشروطه، از طریق نمایندگان حامی و دست نشانده ی خود حکومت ایران را به راحتی تغییر دهند و دست نشانده ی رسمی خود (پهلوی) را به حکومت برسانند (5) و سال ها ایران را از پیشرفت و ترقی باز دارند. 10. با به قدرت رسیدن رضا خان میر پنج، که بی تردید عامل انگلیس بود، (6) سرکوب

ص: 147

1- سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر، (قم: جامعه مدرسین، چ سوم، بی تا)، ج 1، ص 138.

2- سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر، (قم: جامعه مدرسین، چ سوم، بی تا)، ج 1، ص 146.

3- علی اصغر شمیم، همان، ص 585.

4- علی اصغر شمیم، همان، ص 589.

5- علی اصغر شمیم، همان، ص 607 و 635 و ملک الشعراى بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، (تهران: امیر کبیر، چ چهارم، 1380)، ج 3، ص 317.

6- حسین فردوست، همان، ج 1، ص 82 و 293.

قیام ها و نهضت های مردمی ایران آغاز شد و شعایر مذهبی مورد هجوم قرار گرفت و علمای وارسته ای چون مدرس، کاشانی و... منزوی شدند یا به شهادت رسیدند. محمد رضا پهلوی که پس از شهریور 1320 با حمایت انگلیس جای پدرش را گرفت، هم چنان تازیانه های خشم استعمارگران برای نابودی هویت دینی را بر سر ملت ایران کوبید و در این راه از هیچ ظلمی کوتاهی نکرد. در طول این دوران کابینه ها توسط وابستگان انگلیس تشکیل می شد؛ اما مردم و جوانان غیور ایران با رهبری روحانیت آگاه و اساتید متعهد حوزه و دانشگاه دست از مبارزه نکشیدند و تمام این قضایا را معلول دخالت استعمارگران انگلیس می دانستند، که با تحمیل قرار دادهای ننگین دیگر مثل «گلشایان» و تحریک شاه به تغییر قانون اساسی مشروطه و دخالت در انتخابات مجلس و حمایت از طرف داران و وابستگان خود(1) و سرکوب مبارزان بزرگی چون کاشانی و نواب صفوی و... مقاصد خود را دنبال می کردند. پس از پیروزی نهضت مردمی در ملی شدن صنعت نفت، روابط ایران و انگلیس در تاریخ سوم مهر ماه 1331 قطع شد و در شانزدهم آذر ماه 1332 پس از روی کار آمدن دولت زاهدی مجدداً رابطه برقرار شد که با مقاومت آیت الله کاشانی مواجه گردید.(2) وی آن روز را عزای ملی اعلام کرد و سه تن از دانشجویان در این راه شهید شدند؛(3) بدین ترتیب جرقه های انقلاب با مبارزات خستگی ناپذیر مرحوم کاشانی علیه استعمارگران، به خصوص انگلیس، از سر گرفته شد و دولت استعمارگر فعالیت های فرهنگی و اقتصادی خود را با رقابت آمریکا شدت بخشید.(4)

ص: 148

-
- 1- حسین فردوست، همان، ج 2، ص 231، ج 1، ص 284 - 288.
 - 2- سید جلال الدین مدنی، همان، ص 532 - 533.
 - 3- سید جلال الدین مدنی، همان، ص 535.
 - 4- حسین فردوست، همان، ج 2، ص 236.

از زمان روی کار آمدن دولت اسلامی ایران در سال 1357 تا کنون دولت انگلیس بارها در مسائل داخلی و خارجی ایران دخالت داشته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور انگلیس منافع استعماری خویش را در ایران از دست داد؛ و این امر طبیعی است که آنان از طرفی کینه ی این ملت را به داشته باشند و از طرف دیگر سعی کنند وضعیت در ایران به گونه ای پیش برود که آنها مجدداً بتوانند به اهداف استعماری خویش نایل شوند. روابط این کشور با ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به ندرت سالم و بی دغدغه و با حسن نیت بوده است. «انگلیس در سال 1359 رابطه ی خود را با تهران به خاطر تعطیل شدن لانه ی جاسوسی آمریکا و به خواست واشتنگتن قطع کرد و این وضعیت تا سال 67 به مدت 8 سال ادامه داشت. سپس به محض از سرگیری روابط با ایران، علناً پشت سر سلمان رشدی مرتد قرار گرفتند و با سلاح وی به مقدسات اسلامی اهانت نمودند، در نتیجه، این رابطه پس از سه ماه از بازگشایی مجدداً قطع شد».⁽¹⁾

حمایت از صدام

حمایت نظامی انگلیسی ها از عراق در طول جنگ تحمیلی مسئله ای است که امروزه انگلیسی ها خود نیز به آن اعتراف و بعضاً آن را اشتباه قلمداد می نمایند. «گزارش 2000

ص: 149

1- «رشدی مرتد حلقه ای در زنجیره ی خصومت 25 ساله ی لندن با تهران»، روزنامه ی جمهوری اسلامی، 25/11/82.

صفحه ای قاضی اسکات به پارلمان انگلیس در سال 1375 مبین این ادعاست. در این گزارش بر خلاف تعهدات بین المللی مبنی بر عدم تأمین تسلیحات طرفین درگیر، انگلیس مقادیر زیادی اسلحه ی غیرمتعارف به ارزش میلیاردها دلار به عراق فروخته است»⁽¹⁾ در سال 1381 مخالفان جنگ علیه عراق در لندن اسنادی را منتشر کردند که در آن برخورد آمریکا و انگلیس را در ارتباط با تسلیحات کشتار جمعی عراق فریب کارانه نامیدند.⁽²⁾ بخشی از این اسناد که «شامل گاه شمار یک سلسله رویدادهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بین سال های 1980 - 1988 است، نشان می دهد که در آن سال ها آمریکا و انگلیس نه تنها عراق را در جنگ علیه ایران یاری می دادند بلکه در برابر استفاده ی صدام از تسلیحات شیمیایی علیه سربازان ایران نیز سکوت می کردند»⁽³⁾

«تونی بلر نخست وزیر انگلیس برای اولین بار در جریان یک نشست خبری نسبت به حمایت غرب از صدام در جنگ تحمیلی علیه ایران ابراز تأسف کرد. وی گفت: به طور قطع حمایت غرب از صدام حسین یک اشتباه بود.»⁽⁴⁾ بدین ترتیب، آنها با دخالت های غیرمستقیم نظامی، اهداف گذشته ی خویش را در ایران پی گرفتند.

دخالت در انتخابات

نوع اظهار نظر در نتایج انتخابات ایران نیز از مصادیق دخالت های انگلیس در ایران محسوب می شود. سیاست مداران انگلیسی همواره از نتایج انتخابات در ایران ناراضی بوده اند؛ به طور نمونه، بعد از انتخابات دوره ی هفتم مجلس شورای اسلامی، وزیر خارجه ی انگلیس، جک استراو، مدعی شد «انتخابات هفتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی ایران

ص: 150

- 1- «انگلیس مانعی در روابط ایران و اروپا»، روزنامه ی جمهوری اسلامی، 13/4/1377.
- 2- «آمریکا و انگلیس عراق را به جنگ علیه ایران یاری دادند»، روزنامه ی سیاست روز، 6/7/1381.
- 3- «آمریکا و انگلیس عراق را به جنگ علیه ایران یاری دادند»، روزنامه ی سیاست روز، 6/7/1381.
- 4- «حمایت غرب از صدام در جنگ ایران اشتباه بود»، روزنامه ی قدس، 14/6/81.

یک انتخابات ناقص بود. همه می‌توانند به راحتی قضاوت کنند که این انتخابات از ابتدا مشکل داشت؛ چرا که از همان ابتدا حداقل نیمی از نامزدهای اصلاح طلب به صحنه رقابتی انتخابات دعوت نشدند. وی در ادامه ادعا کرد که میزان رأی دهندگان 25 درصد کمتر از سطح رأی دهندگان در انتخابات آزاد سال 1376 بود.» (1) در مقاله‌ی «انگلیس، یک بار دیگر خیانت» آمده است: «فعالیت‌های خصمانه‌ای که پس از تعیین سفیر جدید انگلیس در تهران علیه جمهوری اسلامی آغاز شده است نشان می‌دهد که دولت مردان انگلیس هم چنان خواب تجدید مداخلات استعمارگرانه و قدیمی خود را در ایران می‌بینند و برای فرمان‌روایی مجدد بر کشوری که از زمان قاجاریه تا آخرین روزهای حکومت رژیم فاسد پهلوی بر آن فرمان‌روایی می‌کردند، وسوسه می‌شوند. دولت انگلیس در سال‌های گذشته تلاش کرده است همان راه قدیمی خود را در پیش بگیرد و به شکل‌های مختلف به خیانت‌های خود علیه ملت ایران ادامه دهد و با انقلاب و نظام جمهوری اسلامی دشمنی و کینه‌توزی نماید.» (2)

دخالت در بمب‌گذاری‌های اهواز

دخالت‌های انگلیس در بمب‌گذاری‌های سال 83 و 84 در اهواز به اثبات رسیده است و اسناد این قضیه در اختیار وزارت اطلاعات است و «مقامات امنیتی ایران اعلام آمادگی کرده‌اند که اسناد و اطلاعات مربوط به حوادث گذشته و حال اهواز را در اختیار مقامات ذی‌ربط انگلیسی قرار دهند.» (3) هم چنین اطلاعیه‌های عوامل ضد انقلاب که مسئولیت این

ص: 151

1- «ادعاهای جدید جک استراو»، روزنامه‌ی نسیم صبا، 5/12/1382.

2- «انگلیس یک بار دیگر خیانت»، روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، 6/6/1382.

3- منوچهر متکی، روزنامه‌ی کیهان، گزارش خبری، یکشنبه 9/11/84، ص 2.

انفجارها را بر عهده گرفته اند از انگلیس صادر شده که مقر اصلی فرماندهی این عوامل است.⁽¹⁾ انگلیسی ها علاوه بر حمایت اقتصادی و معنوی از گروهک های ضد انقلاب، به آنان آموزش می دهند⁽²⁾ تا در داخل کشور آشوب های قومی و مذهبی به را بپندازند.

دخالت در مسائل هسته ای

یکی از دخالت های اخیر انگلیس دخالت در مسائل هسته ای ایران است. این کشور به همراه دو کشور دیگر اروپایی یعنی آلمان و فرانسه همواره با فعالیت های هسته ای ایران مخالفت کرده اند و با دخالت های خود زمینه ی پیشرفت دانشمندان ایرانی را در این عرصه گرفته اند. علی رغم تأکید مکرر ایران بر مسالمت آمیز بودن برنامه های هسته ای اش، کشورهای اروپایی با اعمال فشار علیه ایران، خواستار لغو تمامی فعالیت های هسته ای ایران هستند. این کشورها می خواهند که ایران همواره نیازمند کمک آنان باشد و نتواند پیشرفت کند. «نگاهی هر چند گذرا به متن پیشنهادی این سه کشور که در روز پنج شنبه 30 مهر تسلیم نمایندگان جمهوری اسلامی ایران شده است به وضوح نشان می دهد که آخرین مواضع آنان ترجمان دیگری از نخستین مواضع آنان است. آنها، در یک جمله، محرومیت کشورمان از فن آوری هسته ای، حتی صلح آمیز را خواستار شده اند.»⁽³⁾

نتیجه: روابط انگلیس با ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی هیچ گاه دوستانه و خیرخواهانه نبوده است. رفتار آنها با ایران طی ربع قرن اخیر در موارد متعددی خلاف و دون شأن دیپلماتیک است. از این رویکرد چنین برمی آید که انگلیسی ها هرگز صادقانه با ایران برخورد نکرده، بلکه همواره اهداف استعماری خود را در اشکال گوناگون در ایران پی گرفته اند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ریاکاری و گستاخی آنها علنی تر نیز شده است.

ص: 152

- 1- منوچهر متکی، روزنامه ی کیهان، گزارش خبری، یکشنبه 9/11/84، ص 13.
- 2- منوچهر متکی، روزنامه ی کیهان، گزارش خبری، یکشنبه 9/11/84، ص 13.
- 3- حسین شریعتمداری، «ما را به کجا می برند؟»، روزنامه ی کیهان، 10/8/83.

فرم نظر خواهی مجله ی صباح

خواننده ارجمند!

مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه، در راستای نیاز جامعه ی اسلامی به پاسخ گویی شبهات دینی در عرصه های علوم انسانی شکل گرفته است. آثار این مرکز، از جمله مجله ی «صبح» کوششی است در جهت برآوری نیاز فوق. بدون شک، پیش نهادها و تقدای ساختاری و محتوایی شما، کمک شایسته ای برای رشد و بالندگی این مجله است.

خواهشمندیم، پس از مطالعه و ارزیابی کامل، به سؤالات زیر پاسخ داده، به دفتر مجله ارسال فرمایید.

از بذل توجه شما به صباح سپاس گزاریم.

با سپاس - سردبیر

سطوح پاسخ: خیلی خوب - خوب - متوسط - ضعیف - خیلی - ضعیف

1 مناسب بودن شکل و ساختار تحقیق

2 تناسب حجم مطالب و موضوعات نسبت به اهداف آن

3 برخورداری پژوهش از اتقان و قوت مطالب

4 تازگی مطالب و مفید بودن تحقیق

5 نوع ادبیات و ویرایش متن تحقیق

6 به نظر شما جای خالی چه مطالبی در این تحقیق دیده می شود؟

7 بیشترین استفاده را از کدام یک از بخش ها یا فصول داشته اید؟

8 پیشنهاد شما برای بهتر شدن کیفیت پژوهش ها چیست؟

9 نام و نام خانوادگی تکمیل کننده ی فرم:

آدرس:

نام و نام خانوادگی تکمیل کننده فرم:

قم: خیابان شهداء (صفائیه)، کوچه 19، پلاک 45، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه

تلفن: 7737217، فاکس: 7737213، صندوق پستی: 37185 - 4466

پست الکترونیکی: howzeh@andisheqom.com

ص: 153

مجله صباح اولین نشریه تخصصی پرسش ها و پاسخ های دینی

در زمینه مباحث: قرآن، کلام، دین پژوهی، تربیت و مشاوره، حقوق، سیاست، ادیان، مهدویت، اینترنت، تاریخ اسلام و سیره، تاریخ معاصر و نقد مطبوعات

- چنانچه مایل به اشتراک مجله هستید، فرم اشتراک را به صورت کامل پر نمایید.

- وجه اشتراک را به حساب زیر واریز نموده و اصل فیش بانکی را به همراه فرم درخواست اشتراک، از طریق پست سفارشی به نشانی زیر ارسال نمایید.

«حساب جاری 7011، نزد بانک کشاورزی، شعبه صفائیه قم، کد 28690»

- بهای اشتراک مجله، در داخل کشور، هر نسخه 5000 ریال است.

- هزینه ی ارسال به عهده ی این مرکز است.

- در صورت تغییر نشانی، یا تأخیر در دریافت جزوات، با آدرس مرکز یا با شماره تلفن 7737217 تماس حاصل نمایید.

نشانی: قم، خیابان شهداء، کوچه ی 19، پلاک 45، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه، ص پ: 4466 - 37185

نام و نام خانوادگی / مؤسسه:

تحصیلات:

شغل:

تلفن:

از شماره: تا شماره:

نشانی:

کد پستی: صندوق پستی:

مبلغ اشتراک که اصل آن به پیوست می باشد..... ریال است.

توضیحات:

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

